

همبستگی

رایگان



اقبال مسیح کودک کارگر مبارز پاکستانی

نشریه فدراسیون سراسری
شوراهای پناهندگان
و مهاجرین ایرانی

- * کودکان کارگر: بردگان ارزان
- * پناهنده شدن جانبان جمهوری اسلامی
- * روسری و چادر در انزلی
- * کودکان و قتل
- * کلیسای کاتولیک و غریزه جنسی
- * کنفرانس حقوق بشر در خاورمیانه
- * کنفرانس بین المللی دانمارک
- * سالگرد جنگ جهانی دوم و عوامفریبی بورژوازی

بردگان اردان

به مناسبت روز جهانی کودک به یاد اقبال مسیح

بیژن هدایت

خبر کوتاه بود: اقبال مسیح، از رهبران مبارزه علیه بردگی کودکان، توسط شلیک چند گلوله عوامل کارفرمایان به قتل رسید. اقبال در یک خانواده فقیر پاکستانی دیده به جهان گشود. داستان زندگی رنج‌بار اقبال، داستان زندگی میلیونها برده ارزان قیمت و کوچک در این دنیای سراسر تبعیض و بی‌عدالتی است. اقبال به علت فقر شدید خانواده

در سن چهار سالگی، برای کار بردگی در یک کارگاه قالی بافی، به فروش می‌رسد. از این پس او مانند حدود ۶ میلیون کودک کارگر زیر ۱۴ سال پاکستانی در کوره‌های آجر پزی، مزارع، و کارگاههای قالی بافی در معرض رفتار وحشیانه و غیر انسانی کارفرماها قرار می‌گیرد و شیر جانش مکیده می‌شود.

اقبال که در طی ۶ سال بردگی، درد و رنج ستم و استثمار سرمایه داری را با گوشت و پوست و خون، و با قامت کوچک، خود لمس کرده بود، تنها راه رهایی خود و دوستان و همکاران خردسالش را در مبارزه پیگیر علیه کار بردگی و ستم و

استثمار نظام سرمایه می‌یابد. او در ده سالگی همراه تعدادی از دوستان و همفکران خردسالش از کارگاه قالی بافی می‌گریزد و به جبهه رهاییبخش کار بردگی کودکان BLLF روی می‌آورد.

اقبال به سرعت خلافتی های خود را بروز می‌دهد و به یک مبارز جدی و مصمم علیه بردگی کودکان تبدیل می‌شود. این فرزند کار و رنج که تجربه تلخ بردگی ارزان را با قامت کوچکش حمل می‌کرد، به سخنگو و تصویر کار و رنج همه کودکان کارگر تبدیل می‌شود.

رهبر جبهه رهاییبخش کار بردگی کودکان، احسان الله خان، در روزنامه داکنزنی‌تر چاپ سوند، ۲۰ آوریل، درباره اقبال می‌گوید: "اقبال کودکی شجاع و مبارز بود. فعالیت او علیه کار کودکان سبب شد که دهها کارگاه قالی بافی در اطراف شهر لاهور کار خود را تعطیل کنند، و هزاران کودک کارگر از وضعیت اسفباری که در آن بسر می‌بردند رهایی یابند." مبارزه و نقش اقبال موجب دلگرمی هزاران کودک کارگر پاکستان گردید و او را به چهره شناخته شده و دوست داشتنی مبارزه علیه بردگی کودکان تبدیل کرد.

میان ما هستند. میلیونها دختر و پسر کوچک، سیاه و سفید و زرد، هنوز هستند و همچنان بردگی می‌کنند.

بردگان اردان

آنها همه جا هستند. از شمال تا جنوب و از شرق تا غرب، آنها را در حالی که با تن‌های نحیف و دست‌های چروکیده و لاغر خود مشغول کار هستند، می‌توان دید. سازمان بین‌المللی کار ILO تعداد این کارگران زیر ۱۴ سال را در حدود ۲۰۰ میلیون تخمین می‌زند. این اما همه واقعیت نیست. سازمان بین‌المللی کار خود اعتراف می‌کند که تعداد کودکان کارگر می‌تواند چهار برابر این رقم باشد. دولت‌ها و کارفرمایان آمار واقعی بردگان اردان خود را اعلام نمی‌کنند.

کودکان برده و کارگر در انونزی توتون، در سری لانکا چای، در برزیل قهوه، و در مصر گل یاسمن می‌چینند. در تایلند لباس می‌دوزند. در پاکستان فرش می‌بافند. و در معادن پرو سنگ معدن حمل می‌کنند. هر جا که اثری از فقر هست، آنها را هم می‌توان دید. حتی در کشورهای پیشرفته و دمکراتیک.

در ایتالیا در حدود ۵۰۰ هزار کارگر خردسال فقط در صنعت پارچه و چرم سازی به کار اشتغال دارند. در انگلیس تعداد کودکان کارگر به اندازه‌های رشد کرده است که بنا به آمار رسمی از هر پنج اتفاقی که در محیط کار روی می‌دهد و به مرگ کارگران منجر می‌شود، یک مورد مربوط به کودکان کارگر است. در آمریکا میلیونها کودک به واگس زدن کفش، شستن ماشین، فروختن روزنامه و به کار در مزرعه‌های پنبه اشتغال دارند.

گفته می‌شود که از حدود ۲۵ میلیون آمریکایی که در زیر خط فقر زندگی می‌کنند، ۱۲/۶ میلیون نفر کودک هستند. شیخ ترسناک فقر در این ثروتمندترین کشور دنیا چنان گسترده شده است که تخمین زده می‌شود تا مدتی دیگر از هر چهار کودک آمریکایی، یک کودک زیر خط فقر زندگی خواهد کرد و برای زنده ماندن مجبور به کار خواهد شد.

بردگی مدرن

در سالهای اخیر سوء استفاده از کودکان و ثروت انونزی از کار آنان به صنعت سکس نیز کشیده شده است. در آلمان بنا به آمار تنها در سال ۹۲ در حدود ۱۳۰ هزار کودک مجبور به بازی در فیلمهای پورنو شده‌اند. درآمد حاصل از فروش فیلمهای پورنوی کودکان در همین سال در آلمان بالغ بر ۴۰۰ میلیون مارک بوده است.

در سری لانکا در سال ۹۳ در حدود ۳۰ هزار پسر خردسال برای زنده ماندن مجبور به فروش تن‌های کوچک خود بوده‌اند. در کشوری که هزینه

نوامبر ۱۹۹۴، سوئد و آمریکا میزبان این رهبر کارگری خردسال می‌شوند. اقبال با چهره گرم و صمیمی و صدای مصمم خود در مصاحبه با تلویزیون کانال یک سوئد می‌گوید: "این من نیستم که از آنها می‌ترسم. آنها هستند که از من وحشت دارند، چرا که من به افشاء ماهیت ستمگرانه آنها می‌پردازم و علیه بردگی کودکان مبارزه می‌کنم." او در آمریکا از سوی برخی از سازمان‌های مدافع حقوق بشر به خاطر مبارزه پیگیر برای حقوق انسانی



جوآزی دریافت می‌کند، موفق به دریافت بورسیه‌ای برای ادامه تحصیل در رشته مورد علاقه‌اش، وکالت، می‌گردد و در بخش خبری تلویزیون ABC نیز به عنوان بهترین شخصیت هفته انتخاب می‌شود.

اقبال مسیح درست می‌گفت. او وحشتی از کارفرماها نداشت. اما آنها از نقش و تاثیر او در مبارزه علیه بردگی کودکان به وحشت افتاده بودند. آنها در اقبال، چهره دشمن طبقاتی و مصمم خود را می‌دیدند. دشمنی که به بسیج نیروی اجتماعی و واژگون کردن بساط چپاول و استثمار آنها همت کرده بود. و این چنین بود که اقبال در شانزدهم آوریل ۱۹۹۵ در حالی که در زادگاه خود، روستای Murike واقع در حومه لاهور، با چند تن از بستگان خود مشغول دوچرخه سواری بود با شلیک چند گلوله از پا در آمد.

اقبال دیگر در میان ما نیست. او دیگر جزئی از تاریخ مبارزه برای دنیای بهتر، و تصویری به یاد ماندنی در جنبش کارگری، است. دوستان همسن و سال او، همانهایی که اقبال پرچم مبارزه برای رهایی آنان را به دست گرفته بود، اما در

اینان اعتبار امروز خود را از حقارت و زبونی دیروزشان می گیرند

علی جوادی

میکنند! نگرانی خاصی اذیتش نمیکند. مثل اینکه گذشته اش باعث عذاب وجدان و نگرانی خاطر می باشد. در میان مطبوعات و رسانه های جمعی کالیفرنیا چهره شناخته شده ای می باشد. در گفتگوهای رادیویی بسیاری شرکت کرده است. ملتها نقل محافلشان بوده است، نزدشان اعتباری بهم زده است. میگوید قصد افشای جمهوری اسلامی و جنایاتش را دارد و بنظر عزم جزم کرده است که ماهیت جمهوری اسلامی را برملا کند. می خواهد پرده از فعالیت های ساواما در خارج از کشور و علی الخصوص در لس آنجلس بردارد. گویا می خواهد به افشای عوامل کنونی رژیم و مزد بگیرانش بپردازد. آخر در محاکمات بختیار معلوم شد که لس آنجلس مرکز فعالیت های جاسوسی ساواما در خارج می باشد و رژیم شبکه قوی ای در شهر لس آنجلس دارد. میگوید اطلاعات زیادی دارد. میگوید از سرنوشت خلیانان اسرائیلی در ایران مطلع است. میگوید از نزدیکان فلاحی وزیر اطلاعات و امنیت می باشد. با اعتماد به نفس با این و آن نیروی اپوزیسیون تماس میگیرد. جرات تلفن زدن به واحد فدراسیون در لس آنجلس را بخود داده است. گویا قصد دارد به ما نیز درس مبارزه بر علیه جمهوری اسلامی را بدهد! خود را یک پای مبارزه علیه رژیم میدانند. بدهکار نیست، بنظر مدعی هم است!

چرا ترک پست و مقام؟

میگوید پی برده است که جمهوری اسلامی حافظ منافع مردم نیست. رژیمی ضد مردمی است. میگوید این رژیم اسلامی نیست. اسلام واقعی این نیست. جمهوری اسلامی دارد ایران را نابود میکند. جمهوری اسلامی دیگر جایی در میان مردم ندارد. از اینرو تصمیم به ترک موقعیتش در سازمان امنیت جمهوری اسلامی و ایران گرفته است. به آمریکا آمده است، چرا که آمریکا از مراکز مهم فعالیت اپوزیسیون و مرکز اصلی تحرک بقایای رژیم سلطنت می باشد. اپوزیسیون ناسیونالیست در اینجا دارای نیرویی اجتماعی است. شب و روز مشغول تبلیغات نژادپرستانه و قومی گری ایرانی می باشد. هر روز و هر شب برای ایران، این مرز پر گهر

دیروز

منوچهر موتمر، بنابر ادعای خودش از اعضای سازمان امنیت و اطلاعات جمهوری اسلامی بوده است و اکنون در کالیفرنیا بسر میبرد. میگوید کارمند ارشد وزارتخانه مربوطه بوده و محل کارش نیز در اوین نبوده است. میگوید در زمینه تحقیقات و نه بازجویی فعالیت می کرده لذا هر روز صبح برای انجام آن نوع فعالیتی که در اوین متداول است به آنجا نمی رفته است. میگوید کسی را اعدام نکرده است، تیر خلاصی شلیک نکرده است در تیرباران زندانی ای شرکت نکرده است و شخصا کسی را شکنجه نکرده است، کسی را به قصد مرگ بمنظور کسب اطلاعاتش شلاق نزده است. برای اجرای رسالت اسلام به هیچ زن زندانی ای قبل از تیرباران تجاوز نکرده است، تا باکره به جهنم نرود هیچکس را بمنظور خرد کردن و واداشتن به اقرار و مجازات روزها و هفته ها در قفس و جعبه نکرده است برای گرفتن اقرار از پدر و یا مادری زندانی، کودکشان را در مقابل چشمانشان شکنجه نکرده است. کسی را در مقابل دوراهی یا مرگ و یا تیرباران رقیقتش قرار نداده است، در زمان جنگ خون کسی را قبل از اعدام نکشیده و برای اعزاز به جبهه های جنگ ایران و عراق در شیشه نکرده است، اصلا در کشتار و اذیت و آزار هیچیک از دهها و دهها هزار زندانی در طی چندین سال فعالیتش در وزارتخانه مربوطه شرکت نداشته است! میگوید پروسه ارتقاء مدارج اداری اش نیز از اوین شروع نشده است و به اوین نیز ختم نشده است.

امروز

اما اکنون در کالیفرنیا اقامت دارد، علنی است. گویا دغدغه و نگرانی زیادی ندارد. همکاران سابقش، عوامل متعدد جمهوری اسلامی، دنبالش نیستند. محتاج نیست. بنظر میرسد به دنبال تامین مایحتاج زندگی، مثل بسیاری از مهاجرین ایرانی که در موقعیت کارگری قرار دارند، مجبور نیست که روزی ۸ تا ۱۴ ساعت کار کند. شاید از کنار سرمایه ای که در دوران استخدامش در سازمان امنیت جمهوری اسلامی انباشته است، زندگی

زندگی یک خانواده چهار نفره بالغ بر ۲۵ دلار در ماه است، کودکان به قیمت ۱۰۰ دلار به شرکت های فروش سکس فروخته می شوند تا زندگی چهار ماه خانواده شان تامین گردد. گفته می شود که رونق صنعت سکس و بردگی ملدن کودکان در سری لانکا به حدی است که در طی سال ۹۳ میزان توریست هائی که برای لذت جویی از کودکان سری لانکائی به این کشور سفر کرده اند از ۶۷ هزار تن به ۱۷۰ هزار تن افزایش یافته بود.

در تایلند دختران ۸ تا ۱۲ ساله به قیمت ۷۰۰ دلار از خانواده های فقیر خریداری شده و به قیمت حدود ۲۰ هزار دلار به شرکتهای فروش سکس در اروپا و آمریکا فروخته می شوند. در این کشور هزاران دختر و پسر خردسال برای زنده ماندن و کمک به مخارج زندگی خانواده های خود به تن فروشی کشانده می شوند و سودهای هنگفت شرکتهای فروش سکس را رقم می زنند. گفته می شود که رونق تن فروشی در تایلند تا سال ۲۰۰۰ در حدود ۳ میلیون دختر و پسر جوان و نوجوان را به ویروس ایلز مبتلا خواهد کرد.

برای چه؟

بنا به قوانین بین المللی، کودکان حق دارند از امکانات آموزشی، بهداشتی، و تفریحی برخوردار باشند. و شاد و تندرست و راحت زندگی کنند. بنا به همین قوانین، کار کودکان ممنوع است. اینها اما قوانینی هستند که تنها بر روی کاغذ ثبت شده اند و کمترین تضمین اجرائی و عملی بر آنها، در نظام سودبری سرمایه، حاکم نیست. دلایل بردگی کودکان روشن است. کار کودکان به ویژه در شرایط حاضر جهان سرمایه داری که مشخصه آن بحران اقتصادی و بیکاری و فلاکت میلیونی است، متضمن سودهای سرشار برای دولت ها و شرکتهای سرمایه داری است. قانون سود، این قانون اساسی سرمایه، علیرغم تمام هیاهوی صوری خادمان سرمایه در ممنوعیت کار کودکان، ابقاء و تداوم این فاجعه جامعه بشری را مجاز و ممکن می کند.

دنیای ما ثروتمند است

جامعه بشری ثروت و امکانات فراوانی برای ریشه کن کردن فقر و بردگی کودکان دارد. امروز ۱۰ درصد بیشتر از نیاز جامعه بشری مواد غذایی تولید، و بنا به آمار هر ساله در حدود ۲۰ میلیون تن مواد غذایی دور ریخته می شود. مخارج سالیانه تولید تجهیزات نظامی در سطح جهان در حدود ۱۰۰۰ میلیارد دلار است. فقط با ۲ درصد از این مبلغ می توان ۵۰ میلیون کودک را از فقر و بردگی رهانید و زندگی سالم و انسانی آنها را تضمین کرد.

فرزندان ما در نظام غیر انسانی سرمایه داری به غنچه هائی می مانند که نشکفته پریز می شوند. مبارزه علیه بردگی این سرمایه های جامعه بشری مبارزه ای علیه سودبری سرمایه است. پرچمی که اقبال مسیح در این مبارزه برافراشت، قطعا بر زمین نخواهد ماند. یادش گرامی باد.

که معلوم نیست چگونه خاکش سرچشمه هنر است، تبلیغ فاشیستی میکند! رادیو دارد، تلویزیون دارد، دارای نشریات متعدد میباشد. از اینرو کار در اینجا موثر است!

دیروز مومن و وفادار به جمهوری اسلامی بود و در سازمان امنیتش خدمت میکرد، جاسوسی میکرد، طرح و نقشه میریخت، امروز ظاهراً خلاف بودن اینها برایش ثابت شده، و لذا قصد دارد خود را وقف مبارزه با جمهوری اسلامی بکند. مسئله برایش بهمین سادگی است. بنظر در یک روز آفتابی در تهران، خسته از کار و مشغله دیروزش تصمیم گرفته است که از فردا کار دیگری بکند به سر کار قبلی‌اش نرود، این شغل دیگر بدرش نمیخورد. بعد از گذشت ۱۶ سال از حاکمیت نکبت سرمایه و اسلام پی برده است که باید شغلش را عوض کند. باید اداره و محل کارش را تغییر دهد، دیگر صبحها به وزارت اطلاعات و مرکز جاسوسی و ترور جمهوری اسلامی نرود. باید شغل جدیدی انتخاب بکند لذا تصمیم گرفته است که در صف اپوزیسیون ناسیونالیست کار کند. بنظر این تغییر خط و ریل زیاد برایش مشکل نبوده است. این شغل جدید ایجاب میکند که با روزنامه‌ها مصاحبه کند. در گفتگوهای رادیویی ظاهر شود. دیروز مجری طرحهای ساواما بود، امروز بازگو کننده آن طرحها. مقام دیروزش مبنای سرمایه و اعتبار امروزش در میان اپوزیسیون سلطنت طلب در لس‌آنجلس شده است. او اعتبار امروز خود را از حقارت و زبونی دیروز خود میگیرد. حقارت و زبونی دیروز سرمایه امروزش شده است. در زمانیکه بازار خدایی میکند، این کالا هم خریدار و ارزش مصرف دارد!

چند سؤال، یک واقعیت

لازم نیست به آنچه که موتمر میگوید باور داشته باشیم. دلیلی ندارد. ضرورتی ندارد. این کنجکاوی جای زیادی در بررسی ما ندارد. اما بگذارید آنچه موتمر خود در باره خود و اهداف امروزی اش میگوید را مبنای ارزیابی و بررسی مسئله ای قرار دهیم که بزرگتر از موتمر است، فراتر از شخصیت فرضی و یا واقعی اوست. موتمر حقیرتر و بی اهمیت تر از آن است که به جزئیات زندگی او و کارنامه اش پرداخته شود. اما بگذارید که فرض کنیم این یک مورد واقعی است. بدون شک خواهید پرسید که اصولاً با این مسئله چگونه باید برخورد کرد؟ اهمیتش در چیست؟ چرا فرار؟ چرا امروز؟

برای پی بردن به اهمیت مورد موتمر باید نگاهی به اوضاع و احوال کنونی جمهوری اسلامی انداخت. این اقدام، یعنی فرار کارگزاران جمهوری اسلامی را باید در این متن بررسی کرد. مسلماً موتمر آخرین فراری از دستگاه ترور و خفقان جمهوری اسلامی نخواهد بود. این یک اقدام منفرد نخواهد بود. جمهوری اسلامی به بن رسیده است. این دیگر مسلم شده است. کسی

امیدی به این مردار نیست است. حتی کمتر بورژوازی حاضر است که سرمایه اش را علیرغم وعده استثمار شدید کارگران و سود کلان به آینده این جانوران گره بزند. سیاستهای اقتصادی جمهوری اسلامی هیچکدام به نتایج مورد نظر نرسیده است. جمهوری اسلامی یک پروژه سیاسی و اقتصادی شکست خورده است. کلاً به ته خط افق اقتصادی رسیده است. رسالت و مطلوبیت خود را برای سرمایه جهانی از دست داده است. چشم اندازش تماماً تیره و تار است. همه راههای آزمایش شده‌اش شکست خورده اند. از دلک بازی اشغال سفارت آمریکا و فریادهای ارتجاعی و ضد مدرنیسم و ضد ترقی‌خواهی اش گرفته، تا جنگ هشت ساله با عراق، تا مضحکه مرگ خمینی، تا تلاشهای رفسنجانی، همه ناموفق از کار در آمده اند. جمهوری اسلامی امروز دیگر فلج شده است. از طرف دیگر اعتراضات اجتماعی مردمی که جانشان به لبشان رسیده است نیز در گوشه و کنار کشور با فواصل کمتر و عمق بیشتر دارد بوقوع میپیوندد. اینها واقعیاتی هستند که سرنوشت جمهوری اسلامی را رقم خواهند زد. از اینرو زیاد دور از انتظار نخواهد بود که ما شاهد فرار و ترک بسیاری از عوامل، کارگزاران و مهره های این حکومت در آینده ای نزدیک باشیم. اهمیت مسئله موتمر در اینجاست. موتمر تنها نمونه ای در این روند میباشد.

چه باید کرد؟

آنچه گفته شد علل و زمینه‌های عمومی مورد موتمر را تشکیل میدهند. اما با خود موتمرها چگونه باید برخورد کرد؟ آیا باید زمینشان زد؟ آیا باید دستشان را گرفت و کمکشان کرد که گذشته حقیر خود را جبران کنند؟ اطلاعاتشان چه میشود؟ جرمشان چه میشود؟

جمهوری اسلامی باید سرنگون شود. این راهی است که باید پیموده شود. بدون تردید اولین قدم در راه ایجاد بهبودی اساسی در زندگی مردمی که ۱۶ سال در زیر سلطه نکبت سرمایه و اسلام زندگی کرده اند، بزیر کشیدن این رژیم است. سرنگونی رژیم اسلامی پیش شرط هرگونه تحولی جدی ای است که در پی آمد آن بتوان امیدي به آزادی و رهایی و برابری همه مردم داشت. اما مسئله ای که ما بزودی با آن مواجه خواهیم شد این است که در برخورد با این زانده های رژیم چه باید بکنیم؟

در یک کلام، موتمرها باید خود را از سر راه هر گونه تلاش انسانی برای دستیابی به یک جامعه شایسته بشر امروزی هر چه زودتر کنار بکشند. نباید سدی در برابر این تلاش باشند. ابزار خفقان و سرکوب جمهوری اسلامی به‌مراه خود رژیم سرنگون خواهد شد. در جامعه انسانی فردا نباید هیچگونه اثری از دستگاه سرکوب عقاید و خفقان باشد. موتمرها اگر بمانند مسلمان سرنوشتی جز آینده این رژیم در انتظارشان نخواهد بود. اما آنها امروز مجازند که از کرده

دیروز خود ابراز انزجار و نفرت کنند. آزادند که عقایدشان را نسبت به ماهیت جمهوری اسلامی و فعالیت‌های گذشته خود به هر دلیلی و با هر انگیزه ای تغییر دهند. علل تغییر جهششان فرقی در مسئله ایجاد نمیکند. مختارند آنچه را که میدانند و اطلاعاتشان را در دسترس عموم مردم قرار دهند. میتوانند کتاب بنویسند. بگذار تاریخ از زبان اینان نیز نکبت جمهوری اسلامی را بشناسد و ثبت کند. همه این اقدامات میتواند صورت پذیرد. اما علیرغم تمام این اقدامات، مسلماً زندگی حقارت بار دیروز امثال موتمر مبنای هیچگونه کسب اعتباری برای فعالیت امروزشان نخواهد بود.

اما آیا برخورد به خود این افراد در اینجا تمام میشود؟ نفرت مردمی که در زیر پای این رژیم روزمره له شده اند، چه میشود؟ بسیاری از خود ما در زمره قربانیان این رژیم بوده ایم، همه ما درد تلخ حقارت و توهین به حرمت انسانی را در جمهوری اسلام هر روزه چشیده ایم. با این کینه و نفرت چه باید کرد؟ در جواب به این سؤال دیگر جوهر هدف ما از مبارزه و فعالیت اجتماعیمان است که مطرح میشود و محک میخورد.

ما نه با هدف انتقام از این جانوران تلاش انسانی خود را شروع کردیم، و نه با انتقام از اینان به پایان خواهیم برد. هدف زندگی ما معطوف به کینه و انتقام جویی از این ته مانده های دوران بربریت نبوده است و نیست. نه! هدف فعالیت ما انتقام و خونخواهی از ته مانده های رژیم اسلامی و امثال موتمر نیست. مسلماً هر کس که در آزار و اذیت مردم نقش مستقیم ایفا کرده است و دارای شاکی خصوصی میباشد، باید در شرایط منصفانه‌ای محاکمه شود. اما آنچه در پس محاکمه اینان مد نظر است نیز انتقام و کینه توزی نیست، بلکه ایجاد شرایطی برای اصلاح و آموزش این افراد است. انسانها سرنوشت و زندگی خود را در شرایط و اوضاع و احوالی متفاوت، در نبود رژیم اسلامی سرمایه و سننهای بجای مانده از آن بگونه ای دیگر رقم خواهند زد. این فرصت حتی به این باقی مانده های رژیم اسلامی هم باید داده شود. خلاصه کنم: هدف ما انتقامجویی نیست! انتقام جایی در اهداف ما ندارد. ما سوسیالیست هستیم. ما برای جامعه و نظام اجتماعی متفاوتی مبارزه میکنیم. نظامی که برابری، سعادت و رفاه همگان مبنای تلاش هر روزه جامعه را تشکیل میدهد. این جامعه وارونه نخواهد بود، سود و انباشت سرمایه مبنای فعالیت‌های اقتصادی اش را تشکیل نخواهند داد، بلکه رفع نیازهای متنوع و روزافزون جامعه بشری مبنای تلاش انسانها در آن خواهد بود. جامعه‌ای که در آن حیات، معاش، فراغت، آسایش، آموزش، دانش، سلامتی، زندگی خلاق اجتماعی و آزادی بی قید و شرط سیاسی حق همگان است. جامعه ای که هر کس در آن به اعتبار انسان بودنش از کلیه مواهب زندگی به یکسان برخوردار خواهد شد. در این جامعه حتی مجرمان دیروز این فرصت را خواهند داشت که زندگی انسانی ای را آغاز کنند.

سالگرد پایان جنگ جهانی و عوامفریبی بورژوازی

۱۸۰ جنگ خانمان سوز در گوشه و کنار دنیا رخ داده است و مسببین آن همین برگزارکنندگان جشن‌های پنجاهمین سالگرد خاتمه جنگ جهانی دوم هستند.

از اردوگاههای کار اجباری صحبت شد، اما گفته نشد که شرکت‌های زیمنس، کروپ و AEG امروزی همان شرکت هائی هستند که دیروز میلیونها انسان را در این اردوگاهها تا رمق کار کردن داشتند استعمار کردند و آخر سر جسد نیمه جانشان را تحویل کوره های آدم سوزی دادند.

از مشکلات مهاجرین و فراریان از دست فاشیسم صحبت شد ولی گفته نشد که چند میلیون انسان در چند دهه اخیر مجبور به فرار و مهاجرت شده اند و چه بلاتی که همین مجریان جشن دمکراسی و آزادی سرشان در نیاورده اند. دولت سوئیس از نحوه رفتارشان در ۵۰ سال پیش نسبت به یهودیان و تحویل آنان به گشتاپو عذرخواهی کرد، اما هیچ یک از سران دولت های دمکراسی از رفتار امروزشان در قبال میلیونها پناهنده و مهاجر و گشتاپوهای امروزی سخن نگفتند.

در واقع کل این هیاهوی بورژوازی در ستایش سرمایه داری و دمکراسی بورژوائی و در تثبید جاودانه بودن آن بود. قرار بود تاریخ جنگ جهانی دوم و علل آن از تاریخ سرمایه داری جدا گردد، و به همین منظور نه از رویدادهای ۵۰ سال اخیر و میلیونها قربانی زن و مرد و کودک در این مراسم خبری بود، و نه از آن چه امروز بر میلیاردها انسان روی زمین می‌گذرد.

روز نجات دمکراسی و آزادی را به یکدیگر تبریک بگویند. از قهرمانی‌های ارتش متفقین و کارآئی بمب افکن های خویش تجلیل کنند، و با دهن کجی به چند میلیارد مردم جهان بقبولانند که آن چه در بیش از ۵۰ سال پیش رخ داد، نه به اینها و نه به سیستم سرمایه داری هیچ ربطی نداشته است. کانال های مختلف تلویزیون فیلم های مستند و غیر مستند بسیاری را به بینندگان عرضه کردند. مردم دیدند که چگونه سربازان آمریکائی و روسی و انگلیسی به اردوگاههای کار اجباری و کوره های آدم سوزی وارد شدند. چندین مراسم برای قربانیان فاشیسم بویژه یهودیان در محل‌های کوره های آدم سوزی برگزار گردید و از کشته شدگان جنگ جهانی دوم یاد شد. اما همه این مراسم رسمی و غیر رسمی در یک چیز مشترک بودند: برای کسی که اجبارا این مراسم را تعقیب می‌کرد این طور بنظر می رسید که گویا همه اینها از تاریخ روم باستان سخن می‌گویند و نه از فجایع ضد بشری که در همین قرن و در چند دهه پیش رخ داده است. حتی در لابلای همه این برنامه ها گفته نشد که از پایان جنگ جهانی دوم تاکنون بیش از

مسعود یلفانی

پنجاهمین سال خاتمه جنگ جهانی دوم فرصتی بدست داد تا تمام جناح های بورژوازی چند روزی اوج وقاحت و عوام فریبی خود، و تطهیر سیستم سرمایه داری را در مقابل چشمان میلیونها کارگر و انسان بی حقوق به نمایش بگذارند. روسای جمهور، شاهان و ملکه ها، کشیش و خاخام (گویا یک آخوند نیز در این مراسم علم شده بود) در لندن گرد هم آمدند تا سالگرد پایان جنگ را جشن بگیرند. در آلمان دعوای بخشی از نمایندگان بورژوازی با بقیه بر سر تعریف این روز به اوج خود رسید. به نظر اینها روز هشت ماه مه نه روز نجات، بلکه روز شکست بود و از این رو اصرار داشتند که محتوی برنامه ها و مراسم به این مساله توجه کند. این جناح بالاخره به همراه احزاب فاشیستی مراسم ویژه خود را برگزار می‌نماید.

و اما اصل ماجرا

در طول یک هفته همه سران کشورها در برلن و پاریس و لندن و مسکو دور هم جمع شدند تا

کلیسای کاتولیک و غریزه جنسی

ش. ن.



بت خیلیها شکست و فرو ریخت. خیلیها سعی کردند این قربانی جوان را دیوانه ای قلمداد کنند که جرئت کرده است به مقام "مقدس" کاردینال توهین کند. ولی قضیه آشکارتر از آن بود که بتوان آن را به کمک رسانه های گروهی خادم بورژوازی و چنین تشبثاتی پوشاند. ماجرا مربوط به ۲۰ سال پیش بود، و قربانی آن تا به امروز جرئت بیان آن را نیافته بود. تمام تشکیلات کلیسا در اتریش و حتی واتیکان مجبور شدند در قبال این ماجرا موضع بگیرند و "اظهار تاسف" کنند. کاردینال نابکار اما لام تا کام نمی‌گشاید و هیچ نمی‌گوید، و همین امر بر وخامت اوضاع و خشم و تنفر مردم افزوده است. برای اولین بار است که در چنین سطح وسیعی از کلیسا در اتریش آبروریزی می‌شود،

و با این همه اما کلیسا از رو نمی‌رود. در حالی که مردم شدیداً متاثر و ناراحت هستند، کلیسا شخصیت دیگری را بجای کاردینال گروتر جستجو کرده است. بر طبق قانون کلیسا کسی نمی‌تواند کاردینال را از مقام خود عزل نماید و دیگری را به جای او منصوب کند، مگر آن که خود کاردینال قصد کناره‌گیری داشته باشد. و کاردینال گروتر بی‌آبروتر از آن شده است که بتواند در پست خود باقی بماند.

ماه آوریل برای شهروندان وین در اتریش از اهمیت خاصی برخوردار است. پنجاه سال پیش در چنین ماهی شهر وین به وسیله ارتش اتحاد شوروی از وجود نازیست ها پاک شد و بالاخره پس از هشت روز آتش و خون، شهر آزاد گردید.

در ماه آوریل هر سال از این واقعه یاد می‌شود. آوریل امسال اما رنگ و بوی همه ساله را نداشت. آوریل امسال کلیسای کاتولیک بار دیگر تناقض دیرینه خود را به نمایش گذاشته بود. این بار پرده از سوء استفاده جنسی کاردینال وین از شاگردان خردسالش در کلیسا برداشته شد. طی یک مصاحبه تلویزیونی یکی از این کودکان قدیم، و کشیش امروز، رفتار کشیف و غیرانسانی جناب کاردینال را افشاء کرد. دیگر جانی برای یادآوری پاکسازی شهر از نازیست ها باقی نمانده بود.

چهره واقعی کاردینال "گروتر"، رئیس تشکیلات کلیسای وین و رئیس کنفرانس کاردینالها در اتریش، از افراد نزدیک به پاپ که سالها در اتریش به عنوان شخصی "فداکار" و "بشر دوست" از طرف کلیسا و رسانه‌های عمومی مطرح می‌شد، از پرده بیرون افتاد. اتریش دچار جنجال شد. هیچگاه کلیسای اتریش دچار چنین مخمصه‌ای نشده بود.

در اتریش تلاش‌های زیادی صورت می‌گیرد که کلیسای کاتولیک را رام نمایند، آن را با شرایط روز تطبیق دهند، و به اصطلاح مدرنش کنند. ولی کلیسا سوگند خورده است که به "آرزش" های قرون وسطائی خود وفادار و پایبند بماند. مشکل کشیشانی که ظاهراً در سرکوب غرایز جنسی طبیعی خود ناموفق بوده اند و نتوانسته اند همچون برادران غیر طبیعی خود بر نفس خویش مسلط شوند، مشکل کلیسای کاتولیک در همه جای جهان است.

مذهب، جامعه و انسان

مهرداد صبوری

در شماره ۵۶ همبستگی، در ستون از میان نامه‌ها نوشت‌های تحت عنوان "پس انقلابیون مذهبی چی؟" به چاپ رسیده بود. آنطور که پیداست نامه می‌تواند حرف دل بسیاری از انسان هائی باشد که در عین اعتقادات مذهبی و اسلامی شان به نوعی با رژیم جمهوری اسلامی مخالفند، و بعضا به خاطر ابراز مخالفت شان به زیر دستگاه سرکوب و شکنجه آن نیز کشیده شده اند.

تا آنجا که به وجود و به رسمیت شناسی این مخالفت ها توسط گروهها و افراد مذهبی و با اعتقادات اسلامی مربوط می شود، البته گله آقای علوی چندان موردی ندارد. این که "فرقان"، "آرمان مستضعفین" و یا "مجاهدین خلق" به تمامی حرکت های نظامی و غیر نظامی خود کم و بیش لعاب مذهبی داده اند، نه بر کسی پوشیده است و نه توسط کمونیست ها انکار شده است.

فراتر از این، کسی ادعا نکرده است که مبارزات و جنبش‌های اعتراضی در تمام طول تاریخ علیه هر نوعی از استبداد، استعمار، و استثمار اختراع مارکس و یا مختص مارکسیست ها بوده است. کافی است که آقای علوی نگاهی به آثار مارکس از جمله "مانیفست کمونیست" بیاندازد تا دیگر احتیاجی به این نسبت دادن‌ها به مارکسیست‌ها نیابد.

اما این که نقش مذهب در این میان چه بوده و اپوزیسیون‌های مذهبی و اسلامی هر یک چه جایگاهی داشته و به پیشبرد چه اهدافی و در خدمت چه طبقاتی عمل کرده اند، بحث دیگری است که از حوصله این نوشته خارج است. آن چه که در اینجا قصد توضیحش را دارم، دید ما نسبت به مذهب و اسلام به طور کلی است.

مذهب افیون توده‌هاست

مسلمانان آن چه که بسیاری از دوستانی نظیر آقای علوی را رنج می‌دهد، طرح همین حقیقت توسط مارکسیست ها در نقد به مذهب می باشد. برای مذهب و مذهبیون این پیش فرض است که دین و باورهای مورد قبولشان جلوه ای از احکام خداست که گویا برای "هدایت" و "رستگاری" بشر نازل شده است.

این که معنی عملی این "هدایت" و "رستگاری" چیست، بماند. اما یا هر تحلیل و برداشت "روشنفکرانه" و "پیشرو" هم که به قضیه نگاه کنیم، می‌بینیم که دین و قوانین آن به زعم خود آن یا امامان و پیروانش قرار است ترجمه زمینی و این جهانی اراده غیر قابل تخطی "الهی" باشد. "مشیتی" است که بر این جهان حکم می‌راند و باید خود را بر اعمال و کردار توده‌های مردم حاکم

گرداند. تحمیل اراده "الهی" بر انسان فرض دین و مذهب است.

اما نطفه این فرض چرا و کی بسته شده است؟ با تاملی منطقی و علمی و با مطالعه ای تاریخی می‌توان دریافت که در واقع انسانها در طول تاریخ دنیای غیر مادی و مبهمی برای خود می ساختند، تا تعادل روحی و شناختی خود با جهان مادی و واقعی که در آن زندگی می‌کردند را برقرار سازند. این که این مساله به لحاظ روانی و روحی به چه تمایل و نیازی از عمق وجود بشر مربوط می‌شود، موضوع دیگری است. ولی اشباح ذهنی انسان که ابتدا در اشیاء طبیعی مثل سنگ و چوب تراشیده شده به مثابه طلسم و بت هویت مادی و مستقلی از انسان و جهان واقعی یافتند، بعدها در اثر تحول و تغییرات اجتماعی و سطح شناخت انسان از طبیعت، هویت خود را در احکام و قوانین مکتوب مذهبی منعکس ساختند.

احکام و قوانینی که در حاله ای از راز و تقدس داده شده توسط خود انسان مکتوب شد. بشر چیزی را با نیروی دماغی خود تجرید کرد و ساخت که خود او را در جایگاه وارونه ای نسبت به دنیای داده شده اش قرار داد. مخلوق ذهنی انسان به روح جهانی تحول یافت که خالق و موجب این جهان مادی قلمداد گشت. آنگاه بود که انسان از بارگاهش رانده شد و به این جهان "تست" مادی هبوت یافت. به این ترتیب راز همیشگی پیدایش این جهان و خود انسان از یک طرف و تمایل طبیعی بشر به ضرورت غلبه اش بر نیروهای ناشناخته طبیعی از طرف دیگر پاسخ گرفت.

مذهب در ذات وجودی خود آگاهی بسیار محدود و وارونه انسان به خود و جهان پیرامونش می‌باشد. مذهب اکسیر مخدری است که می‌تواند مرجم موقت روح زخم خورده بشر از ناملایمات روزگارش باشد، و یا مسکن پریشانی فکر متعجیبش از جهان متلاطم پیرامونش و داروی تسلیم و تمکین به محدودیت هایش گردد. دین، افیون توده هاست. این اما فقط یک جنبه از "ذات" مذهب است.

مذهب و ظرفیت عظیم آن در تحقیق توده‌ها

جنبه دیگر، ظرفیت عظیم مذهب در تحمیل توده‌ها برای انجام ضد بشری‌ترین رفتارهای اجتماعی و سیاسی است. به ما ایراد می‌گیرند که این مربوط به "ذات" مذهب نیست، بلکه به سنت‌های ارتجاعی مذهبیون معینی برمی‌گردد. البته همیشه می‌توان افرادی را یافت که منکر وجود پتانسیل عظیم مذهب در تحمیل توده‌ها، سرکوب آنها، و خونریزی قرون وسطانی بر پایه

احکام صریحی از آیات قرآن نظیر "اشد الکفار و رحما بینهم" (شدت عمل بر علیه کفار و رحمت و محبت میان خود مسلمانان) باشند.

همیشه می‌توان کسانی را یافت که حاضرند سالها وقت صرف کنند تا جنبه‌های "بهرتر" و "انسانی‌تر" مذهب را نشان دهند، تقسیم بندی‌های دیگری را بر آن مترتب کنند، و شکلی بزرگ شده و امروزی از آن ارائه دهند. البته دین خودشان است و می‌توانند هر رفتاری با آن بکنند. سئوالی که اما اینجا مطرح می شود این است که چرا اینها می‌خواهند این "روشنگری" را در قالب همان مذهب بکنند؟ آیا غیر از این است که همان سنت‌های ارتجاعی به عنوان زمینه مادی اجتماعی آن به امرشان موضوعیت می‌دهد. سنت هائی که ریشه های تحذیری و هیپنوتیکی اش در عمق وجود پاره ای از منتقدینش نیز رسوخ کرده است. پروسه ای که عموما در کودکی در اعماق ذهن بصورت تعصب مذهبی جایگیر می‌شود.

برای خلاصی فرد از این سم مهلک و این ویروسی که بقول نادر بکتاش، در یکی از شماره های همبستگی، همچون ویروس ایندز عمل می‌کند، شجاعتی آگاهانه و اراده‌ای محکم و بینشی مدرن و انسانی لازم است تا با طرد آن، توازن روحی و روانی فرد دچار اختلال نگردد. برای خلاصی ریشه‌ای بشر از مذهب در مقیاس اجتماعی، اما باید اساسا به مبارزه طبقاتی کارگر علیه نظام سرمایه‌داری چشم دوخت.

اینجا است که مارکسیسم موضوعیت پیدا می‌کند. مارکسیسم اما، مذهبی از نوع دیگر نیست که ایده های مقلس ابدی داشته باشد. مارکسیسم به عنوان جهان بینی و نگرش اجتماعی جنبش کمونیسم کارگری است که شرایط رهائی طبقه کارگر از قید نظام بردگی مزدی را برای انسان روشن می‌کند. با محو جامعه طبقاتی، و رویش جامعه ای که در آن بشر آزاد و برابر و حاکم بر مقدرات خویش است، مارکسیسم نیز سرفرازانه مانند خود کارگر به مثابه یک طبقه به تاریخ سپرده خواهد شد. (برای اطلاع از دیدگاه ما نسبت به جریانات سیاسی دیگری که تحت نام مارکسیسم و کمونیسم فعالیت کرده‌اند و مقایسه نحوه نگرش ما با آنها توصیه می‌کنم که آقای علوی و خوانندگان همبستگی به کتاب "تفاوت‌های ما" از منصور حکمت مراجعه کنند).

به امید برچیدن بساط سرمایه داری و برقراری جامعه ای آزاد و انسانی که نه تنها مذهب با "منطق استقرائی" و صد البته استبدادی و "استحماري" اش، بلکه اصولا ایدئولوژی‌اش و با هر نوع از منطقش بی موضوع و بی‌خاصیت گردند.

توضیح همبستگی: علاقمندان می‌توانند کتاب «تفاوت‌های ما» نوشته ارزشمند رفیق منصور حکمت را از حزب کمونیست کارگری ایران ایتباع کنند. آدرس‌های حزب کمونیست کارگری ایران:

K.A.K., Box 29065, 10052 Stockholm, Sweden
Postfach 103137, 50471 Köln, Germany
BM Box 8927, London, WC1N 3XX, England

کودکان و قتل

وحید رواندوست
دکتر روان‌شناس و روان‌درمان



می‌توانند نشان بدهند که من و شما پس از چند دقیقه دیدن سرنخ جنایت آن را کشف نکنیم، طریق از میان برداشتن طرفین دعوا را تا حد زیادی تعیین نکنیم و یا اسلحه‌ای که کارآئی بیشتری دارد را در نظر مجسم نکنیم.

من و شما و فرزندانمان حالا بخوبی می‌دانیم که با کدام اسلحه باید به کجای طرف مقابل شلیک کرد که طرف کشته نشود، ولی از درد بخود بپسند. من و شما و فرزندانمان می‌دانیم که چگونه و با چه موادی می‌شود فلان مکان را به گونه‌ای منفجر کرد که اثری از آثار مردمی که در آن هستند، بجای نماند. من و شما به همراه فرزندانمان می‌دانیم که باید گلوله را از چه فاصلهای شلیک کرد و کارد را از چه فاصلهای باید به نواحی حساس بدن پرتاب نمود. بطور خلاصه این مطالب، جزئی (جزء مهمی) از حافظه یا خاطره تکرار شونده در هر شب و روز ما را تشکیل می‌دهند.

اگر تصور می‌کنید می‌خواهم برنامه‌های بویژه تلویزیونی را به باد انتقاد بگیرم، حق دارید بگوئید که اقلاً ۳۰ سالی از قافله عقب مانده ام. نه اینطور نیست، پنبه تلویزیون را سالها قبل از من زده‌اند. من بجای این که تکرار مکررات نامیم، سؤال زیر را مطرح می‌کنم و بحث را ادامه می‌دهم:

«دوست عزیز، شما که دستگاه بخش نوار ویدئو دارید و امروز یا امشب یک کارت رایگان برای دریافت ۴ فیلم دریافت می‌کنید، لطفاً صادقانه فیلم‌های مورد نظرتان را انتخاب کنید و تمام تعطیلات آخر هفته تان را با آنها بگذرانید. در نظر داشته باشید فروشگاه ما آثار کلاسیک سینمایی، فیلم‌های بزن بزن و فیلم‌های کمدی را در کنار سایر فیلم‌های در اختیار دارد. هر چه می‌خواهید انتخاب کنید.»

خب، لطفاً صادقانه به من پاسخ بدهید کدام فیلم‌ها را انتخاب می‌کنید؟ یا بهتر بگویم چند نفر از شما فیلم‌های بزن بزن را انتخاب نمی‌کنند؟ چند نفر از شما آثار جاویدان سینمای کلاسیک را انتخاب می‌کنند؟ چند نفر از شما آمیزه‌ای از فیلم‌های کمدی و فیلم‌های "بزن بزن" را تحت هر نام و محتوایی انتخاب می‌کنند؟

ادامه سؤال اینکه، اگر فیلم "بزن بزن" را به هر صورت انتخاب کردید، چند نفر از شما بنحوی از نمایش آن برای بچه‌ها خودداری می‌کنید؟ چند نفر از شما از شدت هیجان ناشی از نمایش فیلم جدا دچار احساسات خشم و دلهره و بی‌قراری می‌شوید؟ خلاصه کنم، همه ما فیلم‌های "بزن بزن" را با کارت رایگان می‌گیریم، باشد حتی یکی، و همه ما هم کمابیش پرتحرک‌ترین آنها را انتخاب می‌کنیم. همه ما تحت تاثیر صحنه‌های آن قرار می‌گیریم، ولی همه ما جلوی بچه‌ها به دیدن آنها نمی‌نشینیم. از بچه‌ها خواهش می‌کنیم برنامه دیگری داشته باشند و یا دیر وقت، چنانچه بچه‌ها خوابیده باشند، راحت و سر فرصت یک فیلم بزن بزن و پر کشت و کشتار و پر از صحنه‌های جنایت و خشونت را به سلامتی نگاه

طی چند سال اخیر، و به ویژه ۲ و ۳ سال اخیر، چندین بار در روزنامه‌ها و اخبار رادیو و تلویزیون مقالات و گزارشات مستندی راجع به قتل‌هایی که توسط کودکان صورت می‌گیرد را خوانده، شنیده و یا دیده‌ایم. شاید تعجب کرده‌ایم. شاید هم با ناباوری مساله را در حد وقایعی که اینجا و آنجا می‌تواند اتفاق بیافتد، بی اهمیت دانسته‌ایم. شاید هم استدلال کرده‌ایم که خب در بین جمعیت چند میلیاردری ساکن کره زمین، طبیعی است که چند موردی هم قتل توسط کودکان صورت بگیرد. یا این که با خودمان نجوا کرده‌ایم که این خوراکی مطبوعات و رادیو و تلویزیون‌ها است که با مطرح کردن این قتل‌ها می‌خواهند موضوع را داغ تر و خبر را پرفروش‌تر کنند.

حقیقت را بخواهید موضوع به این سادگی‌ها هم که فکر می‌کنیم نیست. صریحتر بگویم اصلاً موضوع ساده که نیست هیچ، خیلی هم جدی است. در ادامه موضوع بدون این که از واژگان تخصصی استفاده کنم و بدون این که مطلب را از اهمیت علمی اش تهی کنم به بررسی مساله می‌پردازم و سعی می‌کنم در حدودی که بتوانم مساله را بشکافم.

نکته مهم این است که وقتی به جریان قتل‌ها نگاه می‌کنیم، می‌بینیم که از دیدگاه شکل شناختی "اقدام به قتل" کپی برداری شده از الگوی قتل بزرگترها است. مثال‌های زیر شاهد این ادعا هستند:

- پرتاب کردن کودک ۵ ساله از طبقه ۱۴ یک آپارتمان بلند در یکی از محلات فقیرنشین شیکاگو.
- انگیزه قتل: نافرمانی پسرک ۵ ساله از دزدی کردن برای دو پسر بچه ۱۰ و ۱۱ ساله.

- شلیک کردن به یک دختر بچه ۱۲ ساله توسط پسر بچه ۱۰ ساله و مورد اصابت قرار گرفتن همین پسر بچه توسط یکی از اعضای باندی که با هم بازی می‌کردند، دزدی می‌کردند، و بزن بزن راه می‌انداختند.

- قتل پسر بچه ۵ ساله‌ای با ضربات لگد به ناحیه شکم توسط یک پسر ۹ یا ۱۰ ساله.
- قتل پسر بچه ۲ ساله توسط یک دختر بچه ۱۴ ساله به شکل کوبیدن سر کودک به زمین. انگیزه قتل آن بود که دخترک برای مدت کوتاهی می‌بایست از کودک مذکور مراقبت می‌کرد.

در تمامی موارد بالا که بصورت خلاصه ذکر شد شکل یا فرم قتل، کپی برداری شده از مدل یا الگوهای معمول بزرگ سالان است. و اگر بخواهم درست‌تر بگویم، شکل قتل مشترک بین بزرگ سالان، کودکان و تجاری است که ما لاقطاً بصورت نظری هر وقت به برنامه‌های تلویزیون نگاه می‌کنیم به وسعت آن می‌افزاییم. مگر نه این است که همین من و شما در زمینه نظری قتل و جنایت و دزدی به افرادی نیمه حرفه‌ای بدل شده‌ایم. کدام فیلم تلویزیونی را

می‌کنیم و با هزاران و شاید میلیون‌ها بیننده دیگر خاطره "خوش" مشترک را در آرشیو پر تحرک، و نه در آرشیو یا بایگانی راکد، ذهنمان انبار می‌کنیم.

این آرشیو پر تحرک خاطرات خوش بزن بزن و کشت و کشتار اولاً خاصیت شدید پراکندگی یا سرایت دارد، یعنی اینکه تنها درون سیستم روانی ما نمی‌ماند و به راحتی و سادگی از کاسه سر ما بیرون می‌زند و در تمام رفتارهایمان ظاهر می‌شود و به دیگران هم سرایت می‌کند. بخصوص به افرادی که اصطلاحاً دم دستمان هستند، یعنی فرزندانمان. همان‌هایی که نگذاشته‌ایم فیلم را ببینند و وظیفه مقدس پدر و مادری را در حقشان بجا آورده‌ایم!!

در ثانی این آرشیو پر تحرک خاطرات بزن بزن و... و پر کردن مداوم انبار آن، در واقع انتخاب طبیعی ما آدم‌هایی شده که تحقیر می‌شویم، توی سرمان می‌زنند و ناگزیر دچار ناکامی و سرخوردگی می‌گردیم. خیلی صریح باید گفت نتیجه ناکامی و سرخوردگی‌هایی که به دنبال تحقیرهای اجتماعی و فردی شکل می‌گیرد، احساس‌های شدید و پر خاشاگری است.

پرخاشگری کلامی، فیزیکی، ذهنی، جنسی، و هر نوع دیگر آن که تصور کنید. شکل پرخاشگری هم هر چه باشد ما تحقیر شدگان را تشفی می‌دهد. چرا؟ چون تصویری از خواست‌های ماست. چون بازگو کننده امیال ماست. چون هیجانات مشخصی را در ما ایجاد می‌کند که بدان‌ها نیاز داریم. آخر در مقابل تحقیر شدگی‌های طولانی‌مان و میراث تحقیر یافتگی‌ها چگونه می‌توان بدون واکنش ماند. باید به ترتیبی بار هیجانات تحقیر یافتگی‌ها را خالی نمود.

اگر خودمان نمی‌توانیم یا نمی‌خواهیم (در بهترین صورت) مشت بکوبیم، گلوله شلیک کنیم، چاقو بکشیم، منفجر کنیم، و...، خب می‌توان شاهد این رفتارها بود و لاقطاً با هیجانات ناشی از آن با آرتیست فیلم شریک شد و به تشفی رسید. مهم نیست، یا لاقطاً فعلاً مهم نیست، که مساله ما با مساله آرتیست فیلم چه شباهتی دارد، مهم این است که شباهت هیجانی داریم. مهم این است که به تشفی می‌رسیم و حالا شاید دلیل انتخاب فیلم رایگان "بزن بزن" را اندکی بهتر بفهمیم.

جالب این که همان طور که آمد ما هیجانات

بقیه در صفحه ۲۶

در حاشیه بحث روسری و چادر در اتریش

مهدی آردی

«معلمان تعلیمات دینی کاری بکنند که دختران بدون روسری سر کلاس نروند. اگر کسی روسری بهمراه نداشته باشد، آنها بایستی با بهمراه آوردن روسری به دختران کمک کنند. در غیر این صورت اخراج آنها حتمی است.»

اینها سخنان ملای شهری در ایران نیست. سخنان هاشمی رفسنجانی در نماز جمعه هم نیست. اینها سخنان آقای عبدالرحیم سامی، رئیس پایپون زده معلمان تعلیمات دینی، در اتریش است که درست مانند آیه بر محصلین دختر نازل شده است. این سخنان، بعد از مورد فرانسه و آلمان، بحث حجاب برای "زنان و دختران مسلمان" را در اتریش باز نمود. در سایه این بحث ایده های قرون وسطانی از قبر سر بر آوردند. ایده هایی که در اواخر قرن بیستم و تا همین چند سال پیش کسی جرات بر زبان راندنش را نمی کرد. ایده هایی که مرده و دفن شده به حساب می آمدند، سر از گور برآوردند تا بشریت مدرن و متمدن را بار دیگر با سرکوب جنسی در ابعاد و اندازه های جدید آشنا کنند. اشاره به چند نوع استدلال درباره این موضوع ضروری است:

حجاب تنها یک حکم مذهبی است!

این یکی از "بی آزارترین" استدلالاتی بود که در رد حجاب بر زبان و قلم مفسران و نویسندگان بورژوا جاری بود. این استدلال قرار بود که توجه به ابعاد سرکوب کننده حجاب را کاهش دهد. این مساله که حجاب تنها یک حکم مذهبی نیست، بلکه ابزاری برای سرکوب بشر، تمایلات جنسی و فعالیت های سیاسی، اجتماعی، اقتصادی و... زنان است دیگر توضیح نمی خواهد.

تنها جلب توجه طرح کنندگان این گونه استدلالها به کشورهای اسلامی نظیر افغانستان و ایران کافی است تا بتوان عواقب مخرب حجاب برای زنان را نشان داد. در کشورهای نظیر ایران و افغانستان با روی کار آمدن دولت های اسلامی، اجرای این "حکم مذهبی" با بی حقوقی کامل زنان و به قعر جامعه رانده شدنشان همراه شد.

حجاب اگر داوطلبانه انتخاب شود، اشکالی ندارد!

طرفداران این گونه احتجاجات تنها به شیوه پیشبرد اجباری کردن حجاب اشکال می گیرند و داوطلبانه بودن آن را در واقع به بهانه ای برای دفاع از آن تبدیل می سازند. اما انتخاب داوطلبانه فرد در گزینش حجاب، درست مانند اجباری بودن آن، کمترین تفاوتی در جایگاه و نقش واقعی و امروزی

حجاب در سرکوب جنسی زنان بوجود نمی آورد.

حجاب، امروزه به ابزاری برای سرکوب زنان و جدا کردنشان از دنیای انسانی، و از شادی و نور، تبدیل شده است. این را هر کسی که حتی یک لحظه زندگی تحت حاکمیت "دولت خدا" را در کشورهای اسلامی تجربه کرده باشد، به روشنی روز می داند.

آسیمیلیسیون، هویت و احترام!

طرفداران آپارتاید جنسی برای دفاع از این نکت، استدلالات مختلفی را سر هم می کنند. روسری و چادر به سر نکردن، آسیمیله (حل شدن) شدن در فرهنگ "دیگران" است. مگر آسیمیله شدن چه اشکالی دارد، اگر سرکوبی بهمراه نداشته باشد.

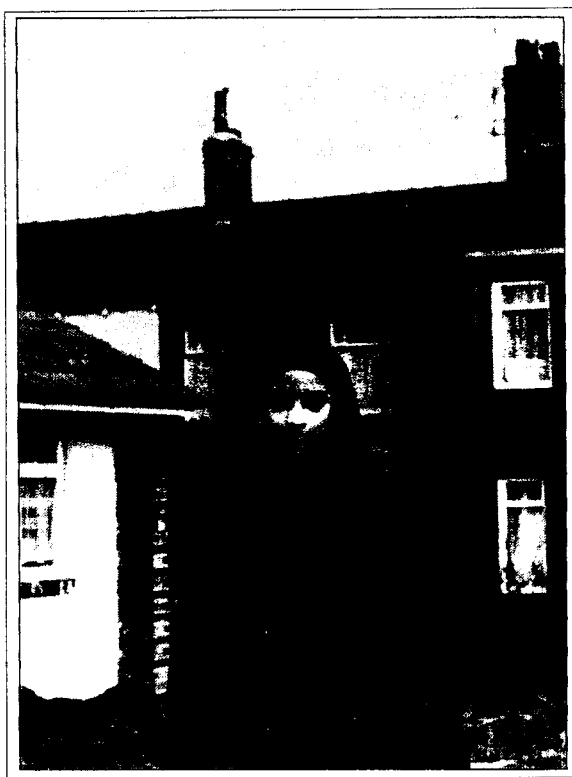
این "ما" کیست و این "دیگران" کیستند که تا بشر روی این زمین هست باید هویت های مختلف داشته باشد و به حفظ آنها هم فخر فروشی کند. اتفاقا ما طرفدار آسیمیله شدنی هستیم که با ارزش های انسانی همراه باشد و نه با ارزش های مذهبی و قومی و یا هر نوع ارزش تراشیده شده عتیق و ارتجاعی.

اگر حجاب را رعایت نکنیم، هویت ما را از دست می دهیم!

بگذارید این هویت را هر چه زودتر از دست بدهیم. از دست دادن هویت های عقب مانده و قرون وسطانی نه تنها کمترین اشکالی ندارد، بلکه بسیار هم خوب است. حجاب و ختنه و پرده بکارت و شلاق که نمی تواند هویت انسانی من و شما باشد. اینها ارثیه دوران بربریت و بلاهت انسان است. اگر این نوع هویت ها ریشه اش از زمین برکنده شود، باید جشن شادی و سرور برپا کرد. این هویت ها به دوران "سیاه" جوامع انسانی تعلق دارند و نباید اجازه داد که بر زندگی ما و فرزندانمان حاکم شوند.

به عقاید دیگران احترام بگذارید!

یکی از ساتنی مانناترین استدلالها در دفاع از حجاب، احترام به عقاید دیگران است. منظور اینها اگر این است که نباید در انتخاب پوشش زور به کار برد، پس باید چنین کاملشان کرد که انسان باید در انتخاب پوشش خود آزادی کامل داشته باشد. و این در واقع به معنای آزادی در عدم انتخاب حجاب است.



دولت ما از دو چشم در مورد پوشش شهروندان خود کور خواهد بود. ولی حجاب تنها یک پوشش نیست، مد معینی از پوشش هم نیست. ای کاش این می بود. حجاب و روسری به عنوان سمبل سرکوب زنان در اواخر قرن بیستم کارکرد معین و ارتجاعی پیدا کرده است که احترام به آن درست مانند احترام به، مثلا، اعدام است.

حجاب مساله ای فرهنگی است و "فرهنگ ما" با "فرهنگ اینها" فرق دارد!

اینها طرفداران نسبیست فرهنگی هستند. استدلال اینها این است که حجاب به مذهب هیچ ربطی ندارد و یا سابقا ربطی نداشته است و همه چیز را توی کفش مذهب نکنید. اینها بحث حجاب و رابطه اش به مذهب را همان قدر بی ربط می دانند که بحث دیکتاتوری فردی پاپ به مذهب کاتولیک را!

در هر حال فرهنگ ها و هویت های ملی به کمک گرفته می شوند تا با آنها جدائی انسانها را بتونه کنند. در قبال این گونه احتجاجات باید به چند نکته کوتاه اشاره کنم: اولاً گیریم که حجاب جنبه فرهنگی هم داشته باشد، مگر ما قسم خورده ایم که هر فرهنگ ارتجاعی و کهنه ای را حفظ کنیم. اگر این طور باشد که هر گونه تمدن و ترقی غیر ممکن می شود. ثانیا چرا این "فرهنگ" بقیه در صفحه ۱۲

در کنفرانس بین‌المللی دانمارک چه گذشت؟

ناهید ریاضی: نمایندگان جمهوری اسلامی را فراری دادیم!

برگزاری مراسم روز جهانی زن، توسط کمپین بین‌المللی دفاع از حقوق زنان در ایران

ترکیه:

مراسم هشت مارس در آنکارا با شرکت تعداد زیادی از سازمانهای زنان و کمیسیونهای زنان وابسته به سندیکاها و اتحادیههای کارگری و احزاب سیاسی برگزار شد. واحد ترکیه کمپین بین‌المللی دفاع از حقوق زنان در ایران به همراه اعضای شورای پناهندگان ایرانی در این مراسم شرکت داشتند. قطعنامه کمپین، که به زبان ترکی ترجمه شده بود، در این مراسم قرائت گشت و مورد استقبال فراوان قرار گرفت.

وضعیت زنان ایران، با توجه به روند قدرت‌گیری جریان‌های اسلامی در ترکیه، توجه جدی‌ای را نسبت به قطعنامه کمپین برانگیخت، به طوری که بیش از ۸۰ سازمان و شخصیت بانفوذ سیاسی زنان ترکیه تلکس اعتراضی به سفارت جمهوری اسلامی در این کشور به خاطر زن آزاری سیستماتیک در ایران را امضاء نمودند.

اتریش:

واحد اتریش کمپین، روز ۶ مارس با افتتاح نمایشگاه عکس آپارتاید جنسی در ایران و برگزاری یک مناظره در مورد وضعیت زنان در ایران و اسلام، روز جهانی زن را گرامی داشت.

مناظره بین مینا احدی، هماهنگ‌کننده بین‌المللی کمپین، و خانم زینب الیبول، معلم تعلیمات دینی از کشور ترکیه در دبیرستان‌های وین، در حدود سه ساعت طول کشید. موضوع اصلی این مناظره، وضعیت زنان در ایران و نقش اسلام در شکل‌گیری و ابقای آپارتاید جنسی در ایران بود. این مناظره که با علاقمندی شرکت‌کنندگان در جلسه و شرکت فعال آنان در مباحث مربوطه مواجه گشت، باعث شد که بخش زنان حزب سبز اتریش از مینا احدی و زهره محمد بیگ، هماهنگ‌کننده واحد کمپین در اتریش، برای سخنرانی در جلسهای حول "بنیاد گرائی اسلامی و حقوق زنان" دعوت به عمل بیاورد.

کانادا:

در شهر اتاوا در تاریخ ۵ مارس راهپیمایی از جانب ۳۵ سازمان زنان و جریان‌های ترقی‌خواه برگزار گردید. واحد کمپین در اتاوا در این راهپیمایی شرکت داشت و در محل پایانی راهپیمایی نیز میز کتاب کمپین را برپا کرده بود. در تاریخ ۸ و ۱۵ مارس نیز نمایشگاه عکس زنان ایران توسط این واحد در دانشگاه اتاوا به نمایش درآمد، که مورد توجه و استقبال بازدیدکنندگان قرار گرفت.

سوئد:

بزرگداشت روز جهانی زن در سوئد با انتشار قطعنامه اعتراضی به وجود آپارتاید جنسی در ایران و انتشار تمبر یادبود هشت مارس به زبانهای سوئدی و انگلیسی توسط سوسن بهار، هماهنگ‌کننده واحد کمپین در سوئد، آغاز شد. حزب چپ سوئد، حزب سنتر، اتحادیه کارمندان کمون (شهرداری) استکهلم، موسسه آموزشی آ. ب. اف، و صدها تن از شخصیت

بقیه در صفحه ۲۱

علاوه بر اینها، ما به اتفاق چندین سازمان دانمارکی و ایرانی دیگر تظاهراتی هم در روز چهارم مارس در مرکز کپنهاگ ترتیب دادیم که در آن از جمله نمایندگان دو اتحادیه کارگری پشتیبانی خود را از ما اعلام کردند. این تظاهرات در اعتراض به حضور نمایندگان دولت جمهوری اسلامی در کنفرانس سران کشورها، و نیز به خود این کنفرانس و سران شرکت‌کننده در آن بود که از بنیان فقر و بیکاری در جهان هستند و به این خاطر کمترین تلاشی هم، البته جز تلاش‌های نمایشی، برای ریشه‌کن کردن فقر و بیکاری نمی‌کنند. در این تظاهرات من سخنرانی کوتاهی درباره آپارتاید جنسی در ایران داشتم و توضیح دادم که چطور زنان در این کشور به عنوان ابزار برای کنترل و سرکوب جامعه مورد استفاده قرار می‌گیرند.

یک جلسه سخنرانی در روز دهم مارس داشتیم که مریم کوشا در آن درباره زنان، نقش مذهب، و نسبت فرهنگی صحبت کرد. و به دنبال آن بحث بسیار داغ و جالبی بین حضار درگرفت. یک تظاهرات ۳ هزار نفره نیز علیه نظم نوین جهانی در طول کنفرانس برگزار شد، که آنجا هم مریم کوشا سخنرانی کوتاهی کرد. جالب است بدانید که این سخنرانی از جانب برگزارکنندگان تظاهرات به عنوان بهترین سخنرانی تظاهرات انتخاب شد.

سوال: شرکت نمایندگان دولت جمهوری اسلامی در این کنفرانس چگونه بود؟

ناهید ریاضی: اعظم طالقانی و چند همراهِش از طرف سازمان زنان رژیم اسلامی در کنفرانس شرکت کرده بودند. اما ما با افشاکاری وسیع و برگزاری سه روز آکسیون اعتراضی آنها را مجبور کردیم تا دیگر پایشان را به کنفرانس نگذارند. آنها به روشنی متوجه شده بودند که حضورشان در کنفرانس با آن حجاب اسلامی و نظرات عتیق و گنبدیه در مقابل ما و حرفهائی که داشتیم و نمایشگاه عکسی که در مورد آپارتاید جنسی ترتیب داده بودیم، به ضررشان تمام می‌شود. پلاکاردهای ما درست مانند سایه همه جا دنبال آنها بود.

اینها با آنکه بطور رسمی در کنفرانس شرکت داشتند، اما شرکتشان در هیچ جایی ثبت نشده بود. در واقع خبرنگاری که قرار بود با ما درباره زنان ایران مصاحبه کند، حضور آنها را به ما اطلاع داد. ما هم به محض اطلاع، سایرین را خبر کردیم و در محلی که آنها مشغول مصاحبه‌ای با رادیو دانمارک بودند دست به اعتراض زدیم. نتیجه این شد که مسئولین رادیو موافقت کردند نماینده کمپین و نماینده کمیته دفاع از زندانیان سیاسی با آنها در یک بحث متقابل رادیویی شرکت کنند. اما آنها حاضر به این کار نشدند و مصاحبه خود را ناتمام گذاشته و محل مصاحبه را ترک کردند. یعنی در واقع فرار کردند.

توضیح: ناهید ریاضی هماهنگ‌کننده کمپین بین‌المللی دفاع از زنان ایران در دانمارک است. ناهید ریاضی و همکارانش در کنفرانس بین‌المللی که در ماه مارس گذشته در دانمارک برگزار گردید فعالانه شرکت داشتند. آنچه که در زیر می‌خوانید بخش‌هایی از مصاحبه‌ای است که با ایشان درباره این کنفرانس صورت گرفته است.

سوال: لطفاً قدری در مورد کنفرانس و چگونگی آن توضیح بدهید.

ناهید ریاضی: این کنفرانس از روز سوم تا دوازدهم مارس در شهر کپنهاگ برگزار شد. موضوع اصلی کنفرانس فقر و بیکاری بود و سران کشورهای مختلف در آن حضور داشتند. برگزاری کنفرانس هم بنا به تصمیم سازمان ملل در دسامبر ۱۹۹۲ صورت گرفت. در کنار اجلاس سران کشورهای مختلف جهان، جلسات احزاب و سازمان‌های غیر دولتی نیز در جریان بود. البته موضوعات بحث کنفرانس بسیار متنوعتر از این بود و سوره‌های مختلفی را در بر می‌گرفت. همزمان با جلسات کنفرانس، نمایشگاه‌های مختلف و فعالیت‌های فرهنگی و هنری هم بر پا بود و هر روز در حدود ۱۰ هزار تن در این جلسات و فعالیت‌های مختلف کنفرانس شرکت داشتند.

ما نیز تلاش کردیم که حضور همه جانبه و موثری در کنفرانس داشته باشیم و بی‌حقوقی زنان ایران را به گوش همه برسانیم. نمایشگاه عکس و میز کتاب کمپین ما مورد توجه تعداد زیادی از شرکت‌کنندگان قرار گرفت و نظرات ما که به نظر بعضی‌ها جدید می‌آمد، پشتیبانان فراوانی پیدا کرد. برای بسیاری این که کسانی هم هستند که به تقدیس عقب‌ماندگی و مذهب‌نمی‌نشینند و برعکس علیه فرهنگ و سنت‌های عقب‌مانده و ارتجاعی مبارزه می‌کنند، جالب بود.

سوال: چه اقدامات دیگری توسط کمپین بین‌المللی زنان در این کنفرانس صورت گرفت؟

ناهید ریاضی: چند روزنامه با ما درباره وضعیت زنان ایران و نظرات جریان ما مصاحبه کردند. رادیوی سراسری دانمارک هم با من مصاحبه‌ای داشت که در آن من به نقش مذهب در سرکوب انسان و از جمله زنان اشاره کردم. بحثی نیز بین من و یک خانم مسلمان دانمارکی، که تلاش می‌کرد نشان دهد زنان در اسلام آزادی و حقوق بسیاری دارند، در گرفت که برای شنوندگان بسیار جالب بود. باید بگویم که این نوع بحث‌ها برای اولین بار بود که در سطح رسانه‌های گروهی دانمارک مطرح می‌شد.

جمهوری اسلامی باید محکوم گردد

مینا احدی

سپتامبر ۱۹۹۵ کنفرانس جهانی زنان در پکن برگزار می‌شود. این مناسبتی است که در حول و حوش آن یک بار دیگر توجه همگان به بی حقوقی زنان در سراسر جهان جلب می‌گردد. اما اگر قرار باشد کنفرانس پکن محل بحث و تبادل نظر نمایندگان دولتها باشد، آنها نه در مقام متهم، بلکه در صندلی قضاوت خواهند نشست و در بهترین حالت جملاتی "به نفع زنان و بهبود شرایط زندگی آنان" در چهارچوب سیستم و مناسبات غیرانسانی موجود خواهند گفت و نوشت. جملاتی که عدم تعهد به آنها از همان زمان بر زبان رانده شد نشان بر همگان روشن است.

امروز بقا ستم جنسی ریشه در هیچ چیز جز بقای سیستم غیرانسانی سرمایه داری، که حرص سود و انباشت سرمایه فلسفه وجودی آن است، ندارد. بقا ستم جنسی خدمتی است در حفظ این سیستم، در تقسیم انسانها و ایجاد رقابت بین آنها، در برتری دادن به یک جنس در مقابل جنس دیگر، در استثمار بی حد و مرز جنس درجه دوم، و در تداوم بقا سیستم سرمایه‌داری.

اگر سخن از وضع زنان در سراسر جهان است، خصلت نمای این اوضاع تحت ستم بودن زنان در این پهنه است. به نظر می‌رسد که نمایندگان دولت‌های پیشرفته سرمایه داری غرب نیز جز تداوم این ستم حرف چندانی برای گفتن ندارند. عملکرد دولت‌ها در چند سال اخیر در این کشورها برای زنان جز حمله

به سطح معیشت آنان، بیکارسازی وسیع آنان، حذف خدمات دولتی، و عقب راندن زنان نبوده است. بنابراین در این سطح نیز از نظر جنبش بالفعل زنان سخن بر سر بهبود وضعیت و رفاه‌های جدید نیست، بلکه دفاع از همان وضع قبلی و عقب نشستن است.

تا آنجا که به بقیه کشورهای جهان برمی‌گردد، وضعیت زنان نشان دهنده تداوم این اوضاع وحشتناک است. فقر، بیکاری، فقدان بهداشت و درمان، تنزل امکانات ویژه مادران، خشونت علیه زنان در اشکال مختلف دولتی و خانوادگی، بیسوادی و فقر فرهنگی بیانگر تداوم یا بهتر گفته باشیم مرگ تدریجی زنان است. در کشورهای اسلامی به این تصویر سیاه باید قوانین مذهبی و خشونت ناشی از آن را هم اضافه کرد.

این جوامع در برخورد به زنان با برقراری آپارتاید جنسی، جدا کردن زنان از جامعه، و سرکوب بدیهی‌ترین حقوق انسانی آنان، دوران توحش بشریت را به نمایش می‌گذارند. در متن چنین شرایطی نمایندگان دولتهای حاکم سرمایه داری باید شرم داشته باشند در کنفرانس دهان باز کنند و از "حقوق" زنان حرف بزنند. هر چند که متأسفانه امروز قدرت در دست آنهاست و کنفرانس‌های این چنینی جزئی از پروژه‌های جهانی آنان می‌باشد، اما برگزاری کنفرانس دیگری در جوار کنفرانس دولتی، که توسط NGO (سازمانهای غیردولتی) سازمان داده می‌شود، و حضور هزاران زن از سراسر جهان و از سازمان‌های غیر دولتی

و اپوزیسیون در این کنفرانس امکانی است که مسائل زنان و مطالبات آنان مجالی برای طرح بیابند.

نهاد سازمان‌های غیر دولتی NGO، واحد سازمانده این بخش از کنفرانس، ظاهراً ارگانی است مستقل که هدفش سازمان دادن شرکت زنان از گروهها و گرایشات مختلف در کنفرانس جهانی است. اما عملکرد واقعی این نهاد، جمع آوری انتقادات و اعتراضات و ناراضی‌تی‌ها و کانالیزه کردن و خفه کردن آنها در سطح مذاکره با دولتها و چانه زدن و به توافق رسیدن با نمایندگان دولتها است.

هدف ما مقابله با چنین سناریوی از پیش ساختاری است. ما می‌خواهیم که صدای اعتراض زنان، نه فقط از ایران، بلکه از کشورهای مشابه در این کنفرانس باشیم. از نظر ما یک شاخص موفقیت شرکت در این کنفرانس محکوم کردن آپارتاید جنسی در ایران و کشورهای اسلامی دیگر است که سرنوشت میلیونها زن را در تارهای عنکبوتی خود گرفتار کرده است. روشن است که صدای ما به تنهایی ضعیف خواهد بود. به همین خاطر برنامه ما طرح هر چه وسیعتر موضوع بی حقوقی زنان در کشورهای اسلامی، و رد فرضیه نسبیت فرهنگی در تعریف حقوق زنان، در بین سازمان‌های زنان در کشورهای اروپا، آمریکا، آسیا، و آفریقا و تشکیل یک جبهه وسیع اعتراضی بر علیه این مسائل است.

فعالین و همکاران کمپین بین‌المللی دفاع از حقوق زنان در ایران باید بکوشند با تشکیل جلسات توضیحی، مصاحبه و بحث و گفتگو با فعالین جنبش رهائی زنان در کشور محل فعالیت خودشان پلتفرم مشترکی را در محکومیت نکات فوق به امضا برسانند تا در کنفرانس پکن بطور هر چه وسیعتر و موثرتری ارائه گردد. پلتفرم پیشنهادی زیر به همین منظور تهیه شده است.

حقوق زنان جهانشمول است

شناخته و تثبیت خواهد شد. ما تعریف حقوق انسانها بر اساس نسبیت فرهنگی که خواست دولتهای اسلامی نیز در این کنفرانس خواهد بود را محکوم می‌کنیم.

حقوق زنان جهانی است و تعریفی جهانی دارد. ما خواهان آن هستیم که:

- مذهب از دولت بطور کامل جدا گردد.
- جمهوری اسلامی ایران به خاطر برقراری آپارتاید جنسی محکوم گردد.
- نسبیت فرهنگی در تعریف حقوق انسانی زنان محکوم گردد.

انتشارات جدید کمپین بین‌المللی دفاع از حقوق زنان در ایران

شماره‌های ۵ و ۶ بولتن سوندی زبان کمپین منتشر شد. در شماره ۵ مطالبی درباره هشتم مارس، و در شماره ۶ گزارشات و اخباری راجع به زن‌آزاری در ایران درج شده است. علاقمندان به دریافت بولتن سوندی کمپین می‌توانند با آدرس واحد سوند آن تماس بگیرند.

تحصیل و سفر باید اجازه رسمی همسر یا پدر و یا مردی از خانواده خود را داشته باشند. فقط یک سوم آنها شاغل هستند. در خارج از خانه مجبور به رعایت حجاب می‌باشند. حق طلاق ندارند و در صورت جدائی، کودکان به پدر و خانواده پدری تعلق می‌گیرند.

کلیه این قوانین ضد زن با خشونت و سرکوب شدید زنان ایران همراه است. تخطی زنان از این قوانین قرون وسطانی، با شلاق و سنگسار و زندان پاسخ می‌گیرد. تراژدی خودکشی فزاینده زنان در ایران یک سند گویا و افشا کننده از وضعیت زنان تحت حاکمیت اسلام در این کشور است. بی‌حقوق مطلق زنان در جوامع اسلامی و زیر پا گذاشته شدن بدیهی‌ترین حقوق انسانی آنها در این سالهای پایانی قرن بیستم لکه ننگی برای بشریت امروز است.

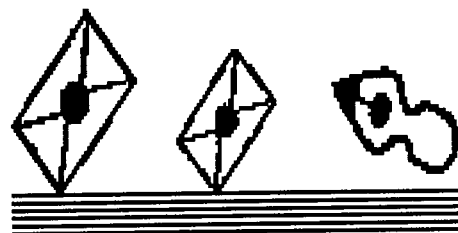
اگر در چهارمین کنفرانس زنان فقط نمایندگان دولتها به سخن درآیند، طبعاً قوانین ضد زن و ضد انسان بخصوص در جوامع اسلامی به رسمیت

کنفرانس جهانی زنان در پکن در راه است. شرایط زنان در سراسر جهان قرار است به مرکز بحث و توجه تمام دنیا تبدیل شود. ما می‌خواهیم توجه افکار عمومی، در این کنفرانس و قبل از آن، را به زندگی زنان در کشورهای تحت حکومت های اسلامی جلب کنیم.

میلیونها زن در سراسر جهان تحت حکومت‌های اسلامی و قوانین ضد زن اسلامی اسیرند. این قوانین و حکومت‌های مدافع آن نه فقط شرکت زنان در فعالیت‌های اجتماعی، اقتصادی، و سیاسی را محدود می‌کنند، بلکه تا سطح زندگی خصوصی زنان دخالت کرده و در آن تاثیر می‌گذارند. زنان در این جوامع تا سطح کنیزان و بردگان و نیمه انسان تنزل داده شده و قربانی آپارتاید جنسی می‌شوند.

برای مثال آپارتاید جنسی در ایران و نقش آن بر زندگی زنان را در نظر بگیرید. زنان از مردان در رستورانها، وسائل نقلیه عمومی، محل کار، و مدارس جدا نگاه داشته می‌شوند. برای اشتغال،

از میان نامه های شما



انجمن فرهنگی افغانها، «راه»، به فدراسیون

اعضای انجمن فرهنگی افغانها "راه" را ببینید! به شما بهتر روشن است، آن چه بر افغانهای پناهنده در ایران می‌گذرد بدتر و ظالمانتر از وضع شهروندان سیاه آفریقای جنوبی در زمان سیادت آپارتاید می‌باشد.

رژیم ضد بشری جمهوری اسلامی ایران، که کشور را به دوزخی برای ایرانیان تبدیل کرده است، همواره برای بقای عمر ننگین خود یکی از آتش بیاران جنگ و سلاخی کنونی در افغانستان هم بوده و در جنایت نامه بی انتهای خود، در کنار خون‌های ایرانیان پاکباز، خون افغانهای بیشتری را نیز نقش نموده است...

توضیح: انجمن فرهنگی افغانها "راه" در آلمان فعالیت می‌کند. این انجمن در برگزاری حرکت اعتراضی دفاع از شهروندان افغانستانی ایران شرکت داشت. آن چه در زیر می‌خوانید بخش‌هایی از نامه صمیمانه این دوستان به فدراسیون است.

نمونه‌های روشنی که ایرانیان مبارز در دفاع از افغانهای مهاجر در ایران ارائه داشته‌اند، قوت قلبی است برای مبارزان افغانی که می‌کوشند مردم زجر کشیده ما را قانع سازند که آن چه رژیم اسلامی ایران مرتکب می‌گردد، کار یک رژیم ضد مردمی بوده و به جامعه آزادی‌خواه ایران هیچ‌گونه تعلقی ندارد.

دوستان ارجمند، مسئولین و اعضای فدراسیون سراسری شوراهای پناهندگان و مهاجرین ایرانی نخست صمیمانه ترین سلام‌های مسئولین و

با عرض حرمت
مسئول انجمن فرهنگی افغانها "راه"
مسعود قانع
فرانکفورت، ۱۱ جنوری ۹۵

وقتی مقاله شما را در مورد ایلز خوانم به یاد چند شب پیش افتادم که جالب است برایتان بنویسم. توی دانمارک انجمن‌های مختلفی هستند که حمایت از بیماران ایلزی می‌کنند و من از یکی از انجمن‌های جوان یک مارک که شبیه یک گل سینه بود خریدم و به بلوزم چسباندم و به جشنی که در کپنهاگ بود رفتم. در این جشن عده زیادی ایرانی بودند و وقتی من را (یعنی یک زن ایرانی) را با یک علامت که معنی دفاع از این دسته از بیماران داشت دیدند به من گفتند "تو هم یله نکنه تو هم چیزیت می‌شه!" من با شجاعت گفتم من این علامت را خریدم و پولش برای کشف ویروس این بیماری صرف خواهد شد. به من خندیدند و فکر کردند من یک زن مجرد هستم و حتما رابطه‌های "نامشروعی" دارم.

روزانه ۶۰۰۰ نفر به ویروس ایلز مبتلا می‌شوند

خلاصه در میان ایرانیان عزیز هنوز بیماری ایلز به عنوان یک بیماری همه گیر جا نیافتاده است و من فکر کردم اگر روزی یک زن ایرانی ایلز بگیرد از چشم هموطنان عزیز یک زن "خراب" جلوه می‌کند و قبل از هر درمانی دست به خودکشی خواهد زد. چون نگاه آن مردم در شب جشن من را وادار به برداشتن آن گل سینه کرد. سوسن از آقوس - دانمارک

به زور شوهرم دادند و من عاشق کس دیگری هستم! شما بگوئید چکار کنم؟

زنی هستم که به پسر عشق می‌ورزیم. ما همدیگر را خیلی دوست می‌داشتیم، اما بعد از چند بار آمدن او به خواستگاری من به دلیل آنکه او از اقوام ما نبود، و همچنین به خاطر این که یکی از عموزاده‌های من نیز به خواستگاری من آمده بود، خانواده من به پسر که دوستش داشتم جواب رد دادند و با زور مرا به عقد عموزاده ام در آوردند. بعد از ازدواج، من چند بار خواستار جدائی شدم. از شما چه پنهان بعد از مدتی هم یا پسر که دوستش دارم ارتباط برقرار کردم. از آنجا که نشریه همبستگی مدافع حقوق زنان است و از زندهای تحت ستم دفاع می‌کند، به همین خاطر از شما می‌خواهم که جواب روشنی به من بدهید. من چکار باید بکنم؟ اگر همسر من بونی از ماجرا بیبرد، سرنوشت من مرگ خواهد بود. هرچند که من به همسرم گفتم که مرد دیگری را دوست دارم، ولی او هیچ احساس انسانی ندارد. چاره چیست؟

از کردستان عراق
مریم ع. خ.

اگر از جذب شدن در جامعه جدید حرف می‌زنید! پس چرا نام ایران را یدک می‌کشید؟

دوستان، با سلام و خسته نباشید! مقاله آقای ریوارش. تحت عنوان آسمیلاسیون را خوانم. و به عنوان یک خواننده نشریه همبستگی این سوال برایم مطرح شد که آیا مساله جذب شدن به منزله خط کشیدن بر نام ایران، که تمامی گروه‌ها و احزاب سیاسی مدعی چپ در خارج از کشور و منجمله خود فدراسیون که آن را به دنبال خود یدک می‌کشند، نیست؟ خدا و کیلی چرا! به نظر من کسی که خواهان جذب و حل شدن در جامعه جدید است، باید در مقابل تمامی مسائل و معضلات جامعه‌ای که در آن زندگی می‌کند واکنش نشان دهد. به این معنی که ایده‌های رادیکالش را به جامعه جدید منتقل کند، و دستاوردهای خوب این جامعه را بگیرد. در یک کلام، شخص باید سرنوشت خود را با جامعه جدید گره بزند، و کمتر از هدایت طبقه کارگر ایران از راه دور صحبت کند. زیرا که این واقعا آب در هاون کوبیدن است. با آرزوی موفقیت شما هوشنگ محمدیان - دانمارک

تشکر

به منظور بهبود امکانات فنی دبیرخانه مرکزی فدراسیون، اخیرا همکاران ما در آلمان یک دستگاه کامپیوتر بهمراه یک کارت مدم در اختیار ما قرار داده‌اند. در اینجا جا دارد از زحمات این دوستان، بویژه هادی اسماعیلی، در تهیه و ارسال این وسائل تشکر کنیم.

آگهی شخصی

داریوش و میترا نیک منش، جمشید قنواتی ملت‌هاست که از شما بی‌خبرم. لطفا توسط آدرس زیر با من تماس بگیرید.

مینو ملیری

Postfach 122, A-1061 Wien, AUSTRIA

آگهی شخصی

دوست عزیز کاظم توکل مدتی است از شما خبر ندارم. لطفا با آدرس دفتر فدراسیون در سیدنی با اینجانب ارتباط برقرار نمایید. واحد

با سلام و خسته نباشید و با آرزوی موفقیت و پیروزی برای فدراسیون،

من ۲۹ ماه پیش از طریق عراق وارد ترکیه شدم و بعد از ۲ بار مصاحبه با UN ترکیه پرونده من IM و بازگشت به عراق اعلام شد بعد از ۲۹ ماه انتظار وزندگی در بدترین شرایط پلیسی، مالی و روانی بالاخره روز جمعه ۱۳/۱/۹۵ تمام پروندههای IM و خود من به UN فرا خوانده شدیم و از طریق UN تحت پوشش قرار گرفتیم و قبول شدیم. همچنان که همه ما و همه سازمانها و نهادهای انسان دوست اطلاع دارند از ۱۷ ماه پیش که پرونده های ما IM اعلام شد تا به حال کمیساریای عالی سازمان ملل برای پناهندگان (UNHCR) ترکیه همچنان با سرسختی و لجاجت دستور بازگشت به عراق را برای ما صادر می‌کند. خوشبختانه در این مدت طولانی فدراسیون با جدیت و درایت کامل پشت پرونده های موسوم به IM را گرفت و صدها بار به وضع ما در ترکیه اعتراض کرد و همه مجامع و سازمانهای بشردوست را از وضع خطیر ما در ترکیه مطلع ساخت. فعالیت هایی که فدراسیون در این دوره برای کیسهای IM کرده است بنظر جزو پرچمترین، گسترده ترین و پرخرجترین بخشهای کارزار فدراسیون علیه سیاستهای ضد انسانی و ضد پناهندگی سازمان ملل بوده است. همچنین کمپین دفاع از پروندههای موسوم به آی. ام. که به ابتکار فدراسیون به راه انداخته شد خود فشار زیادی به این سازمان وارد کرد و موجب شد که این دفعه نرمتر با کیسهای آی. ام. برخورد کند تا اینکه بالاخره همه تلاشها و فعالیتهای همه واحدهای فدراسیون باعث شد که سازمان ملل و ادار به قبول بی قید و شرط همه پروندههای آی. ام. شود. الان همه پناهجویان موسوم به "پرونده آی. ام." بعد از ۳۰ ماه اقامت در ترکیه و انتظار پذیرفته شده و تحت پوشش قرار گرفتند در اینجا اجازه بدهید صمیمانه از فعالیت ها و تلاشهای بی‌دریغ فدراسیون تقدیر و قدردانی به عمل آورم. فعالیت و تلاشی که هیچ وقت فراموش نخواهد شد. فعالیتی که توانست حقانیت پناهندگی عده زیادی از فعالین سیاسی را به اثبات برساند. من شخصا از همه تلاشها و فعالیتهای فدراسیون در این دوره و همه دورهها قدردانی میکنم و همچنان که تا حالا جان عده زیادی از پناهندگان توسط فعالیتهای فدراسیون نجات پیدا کرده است بی‌شک از این ببعد هم اینطور خواهد بود. فدراسیون این مهم را به خوبی به اثبات رسانیده است.

من هر زمان و تحت هر شرایطی خود را یاور فدراسیون میدانم و در راه تحقق و به انجام رسانیدن اهداف فدراسیون از هیچ تلاشی دریغ نخواهم کرد. در پایان باز از همه واحدهای فدراسیون، از همه دوستان و رفقای که در این کارزار سنگین سهم بسزایی داشتند و بخصوص آقای جعفر رسا بینهایت تشکر میکنم.

به امید پیروزی و بهروزی برای همگی‌تان
ارادتمند علی. ح. کارگر

تقدیم به مسئولین فدراسیون پناهندگان و مهاجرین ایرانی،

امید است که در تحقق و پیشبرد کارها و فعالیتهای بی‌وقفمان در قبال کمک به پناهندگان گیر افتاده در کمپ الطاش موفق باشید.

من پناهنده ایرانی بنام عزیزمراد یوسفی هستم و در کمپ الطاش شهر رمادی عراق بسر می‌برم. لازم بذکر است که خانواده ما عبارت از سه نفر میباشد و همگی پیروان «اهل حق» هستیم. ما در مدت پناهندگی در عراق تاکنون از هیچگونه مزایایی برخوردار نبوده و تنها با مختصر حقوق پناهندگی در نهایت تنگدستی امرار معاش نموده ایم. بخاطر واکنش های منفی از طرف سازمان ملل مجبور شدیم به کارهای خسته کننده و سخت تن بدهیم. از طرف دیگر صدها نوع توهین و تحقیر ملاها و مذهبیان موجود و تهدید نفوذی های رژیم در کمپ جان ما را بخطر می اندازد.

ناگفته نماند دین ما از هر لحاظ با مذهبیهای شیعه و سنی بطور کامل متفاوت است. دین ما را "اهل حق" مینامند. بنابراین بهیچ وجه قادر به بازگشت به وطن نیستیم. وطنی که هرگز برای من وطن نبوده است.

با توجه به همه اینها فکر کردم که شما فریادرسان پناهندگان گیر افتاده در اقصی نقاط جهان را در جریان هنرم که واقعا خیلی به آن علاقمندم قرار دهم. جلا به کمک شما احتیاج دارم و دست کمک را بسویتان دراز میکنم تا اینکه شاید امکان داشته باشد از هر طریقی که ممکن است ما را نجات دهید. مسلما خلاصی از این شرایط تاثیر بزرگی بر آینده و سرنوشت ما دارد. ای کاش من میتوانستم نجات پیدا کنم و از راه انتشار مجله همبستگی هنر خود را به تمام نوباوگان ایرانی و هنرمندان بشناسانم؛ تا اینکه بتوانم آرزوهایم را به تحقق برسانم ولی این دنیای بی‌عدالت هزاران هنرمند و صنعتکار را در قلب خود زندانی کرده است

در دلهائی که من این بار توانستم در قالب یکم نامه برایتان بفرستم، بعد از قرائت یکبار همبستگی شماره ۵۰ بود. من امروز دریافتم که کسی یا سازمانی یا جریانی بجز شما نمیتواند جوابگوی واقعی گرفتاریهای پناهندگان گیر افتاده در جهان باشد. خیلی‌ها مدعی دموکراسی و آزادی و انسانیت و بشریت میباشند اما در عمل بهیچوجه این چنین نیستند. همه میخواهند نام و اسمی سیاسی تحت عنوان دفاع از حقوق بشر بخود بچسبانند. اما فکر نمیکنم مردم دنیا بویژه مردم ایران فریب این چنین جریاناتی را بخورند. امیدوارم شما بتوانید کمکهای بشر دوستانه‌تان را در قبال من و خانواده ما بکار ببرید و من هم یک همکار کمک رسان برای شما باشم.

با آرزوی موفقیت برای شما
عزیز مراد یوسفی - رمادیه - عراق

بدینوسیله از زحمات و تلاش بی‌وقفه فدراسیون شوراهای پناهندگان و مهاجرین ایرانی و شورای پناهندگان ترکیه و کلیه کسانی که صدای اعتراض ما را به گوش تشکلهای بشردوست و دفتر ژنو سازمان ملل متحد و دفتر UNHCR در آنکارا رسانده و یا در کمپین اعتراضی در مورد افراد IM در کلیه کشورها شرکت نموده و با اتحاد و همبستگی خود توانستیم کمیساریای عالی پناهندگی سازمان ملل را وادار به پذیرفتن افراد IM بعنوان پناهنده و انتقال آنها به کشور ثالث، تشکر و قدردانی نموده و امیدواریم که در آینده شاهد پیروزی بیشتر در زمینه مسائل پناهندگی باشیم.

خسته نباشید
دستهایتان را بگرمی می‌فشاریم
رحمان خنرزاده
محمد غفوری
گوران محمودی
صدیق استاد ابراهیمی
عباس مصروفی

در حاشیه بحث روسری و چادر در اتریش

بقیه از صفحه ۸

ما" خود را در تحمیل ارتجاعی‌ترین مسائل و نقض هر نوع حقوق انسانی از جمله حقوق زنان نشان می‌دهد. و ثالثا فرهنگ، جهانی است. لطف کنید و این قدر فرهنگ تراشی نکنید!

این بحث به چه خدمت کرد؟

واقعیت این است که در سالهای اخیر شاهد بحث ها و اقدامات جنبشها و دولت ها برای برگشت به ارزشهای "اصیل" هستیم. به اصطلاح فاندانمنتالیسم در حال پیشروی است و یکی از جواب های موجود برای نیازهای زندگی بشری شده است.

پان اسلامیسیم در کشورهای اسلامی، پان عربیسم در کشورهای عربی، اروپا محوری در کشورهای اروپائی، بودیسم در کشورهای آسیای شرقی و... به معنی هر کی در پی هویت خودی و تراشیدن هویت جدید است. این هویت تراشی یکی از جواب هائی است که سرمایه داری برای ما نسخه پیچی کرده است. هر کس دنبال هویت و اصل و نسب و ملیت و مذهبش را می‌گیرد، و هویت انسانی و واقعی جای خود را به هویت‌های صوری و غیر انسانی می‌دهد.

دولتها و جنبش‌های این هویت‌های جدید همه جا با دشمن تراشی به انسانها هویت می‌دهند و هر کسی از خود بیگانگی خویش را با سرکوب غیر خودی پاسخ می‌دهد. بحث حجاب در اتریش در واقع به سرکوب زنان با این هویت‌تراشی، که جدید هم نیست، خدمت می‌کرد.

انتگراسیون و بازار کار

(قسمت دوم)

هادی اسماعیلی

در نتیجه عواملی که در بخش نخست این مقاله در همبستگی شماره ۵۷ توضیح داده شد و به دنبال ناآرامی‌های اجتماعی ناشی از فقر روزافزون در بسیاری از کشورهای آسیائی و آفریقائی، و نیز جنگهای طولانی منطقه‌ای، جابجائی میلیونی به سمت اروپا، کانادا، آمریکا، و استرالیا آغاز می‌گردد. در همین دوره و در راستای ادامه بحران در کشورهای پیشرفته سرمایه‌داری، که با بحران معروف اوپک در دوره‌ای کوتاه‌تر و با شدت بیشتر ادامه یافت، فضای سیاسی حاکم بر این کشورها تغییر کرد. برای مثال وزیر داخله وقت آلمان در سال ۱۹۷۳، هانس دیتریش گنشر، از حزب لیبرال حاکم FDP، در سخنرانی افتتاحیه مجلس آلمان اعلام می‌کند: "امروز تمام تلاش احزاب سیاسی باید متوجه این نکته باشد که ما می‌باید جلوی ورود روزافزون پناهندگان تقلبی به بازار خود را بگیریم. این یک وظیفه ملی است و تمام احزاب می‌باید دست در دست یکدیگر آن را به انجام برسانند."

ادامه و تشدید بحران اقتصادی و رشد مداوم تعداد پناهندگان، تصمیم به کاهش میزان پذیرش پناهندگان و قطع امکانات تسهیل‌کننده برای انتگراسیون آنان را در دستور دولت‌های اروپائی و آمریکائی قرار می‌دهد. به علاوه از ورود اتباع کشورهای که ناآرامی سیاسی و اجتماعی و فقر و بیکاری در آنها ابعاد وسیعی به خود گرفته بود، نظیر پاکستان و افغانستان و سری لانکا و ترکیه و...، بشدت جلوگیری می‌شود.

برای جلوگیری از ورود پناهندگان به بازار کار، قوانین ممنوعیت کار پناهندگان یکی از پس از دیگری به تصویب می‌رسند، کمک هزینه برای آموزش کودکان پناهنده قطع می‌گردد، و جیره غذایی کمتر می‌شود و به شکل عمده پرداخت کمک هزینه اجتماعی تبدیل می‌گردد. مجموعه‌ای از این محدودیت‌ها، به علاوه تبلیغات منظم دولتها، باعث می‌گردد که روحیه ضد خارجی‌ان بمرور رشد نموده و به روحیه قابل تشخیص و مطرحی در این جوامع تبدیل شود.

در سال‌های دهه ۸۰ و ۹۰ تهاجم سیاسی سیستماتیک به حقوق پناهندگی همچنان ادامه می‌یابد. آن چه در سال‌های ۹۰ تا ۹۲ در اروپا اتفاق می‌افتد، در واقع صلور حکم نهائی خاتمه حق پناهندگی در اروپا است. به این روند باید

فاکتور مهم فروپاشی بلوک شرق را هم افزود که در نتیجه آن دولت‌های غربی دیگر نیازی به حفظ حق پناهندگی و کنوانسیون ژنو، به مثابه "ابزار فشار و رقابت سیاسی"، نمی‌دیدند.

قلعه اروپا شکل می‌گیرد

در نتیجه تغییر و تحولات در شرایط اقتصادی-سیاسی در نظام سرمایه‌داری جهانی، پروژه تشکیل بازارهای شرکت منطقه‌ای تبدیل به



در آلمان بیش از ۹۵٪ کسانی که در زمینه نوظافت عمومی شاغلند کارگران غیربومی هستند

یک گرایش مسلط در میان بلوک‌های مختلف سرمایه‌داری می‌گردد. پس از فروپاشی بلوک شرق به عنوان یک عامل تعیین‌کننده سیاسی، و پس از تلاش ناموفق آمریکا برای تبدیل شدن به پلیس جهانی و افزایش بدهی‌های میلیاردی آن، کشورهای ژاپن و چین و آلمان به عنوان قطب‌های اقتصادی پا به عرصه جدال برای تقسیم جهان می‌گذارند. در اروپا، آلمان به عنوان لکوموتیو پیشبرد بازار مشترک، و پولش به عنوان پول مشترک بازار اروپا، نقش رهبری‌کننده خود را نشان می‌دهد. اصطلاح "قلعه اروپا" برای تصویر کردن شکل عملکرد این بلوک بسیار گویا است. درست مانند

قلعه‌های دوران قبل از رنسانس، بلوک سیاسی - اقتصادی جدید اروپا با بر پا کردن دیوار واحد و محکمی به دور خود جلوی نفوذ پناهندگان را سد می‌کند. وجود این قلعه و مقررات آن قبل از هر چیز دروغین بودن ادعاهای سرمایه‌داری در دفاع از "آزادی انسان"، "آزادی حق مسافرت" و "آزادی حق انتخاب محل زندگی" را نشان می‌دهد.

از خصوصیات دیگر این قلعه این است که عبور و مرور سرمایه را آزاد می‌کند. تجاری که جنس مورد نیاز اهالی قلعه را حمل می‌کنند، بدون مشکلی اجازه ورود و خروج آسان به قلعه را دریافت می‌دارند. کنترل دائمی و موثر ساکنین قلعه بوسیله پلیس و موسسات سرکوب و ارتباطات پیچیده کامپیوتری بین حکمرانان قلعه نیز از وجوه مشخصه دیگر آن است.

برای کاربرد عملی این مقررات، موسسات معینی شکل گرفتند تا امر هماهنگی لازم برای پیشبرد آنها را بوجود آورند. اسامی این موسسات بارها در رابطه با مسائل پناهندگی و... اعلام شده، اما به نقش واقعی آنها کمتر اشاره ای شده است. از مهم‌ترین این موسسات که عمدتاً با "خلاقیت سیاسی" دولت آلمان شکل گرفتند می‌توان به: گروه کاهار متشکل از وزرای داخله دولت‌های اروپائی CAHAR، گروه کاری بررسی ژئوپولیتیک جابجائی انسانی AD - HOC - Arbeitseruppe، کمیسیون ویژه بازار مشترک EG - Kommission، و گروه کاری شننگن و تروی Trevi - Schengen اشاره کرد.

برای آشنائی بیشتر خوانندگان همبستگی، به عنوان نمونه به نقش گروه کاری شننگن و قرارداد مشهور شننگن در رابطه با هماهنگی دولت‌های اروپائی در اخراج سیستماتیک پناهندگان اشاره می‌کنم. اساس وظایف این گروه کاری شامل: مبارزه علیه تروریسم، جمع‌آوری و ارزیابی اطلاعات پیرامون خطرات بر هم زدن نظم عمومی، و مبارزه علیه جنایت بین‌المللی است. یکی از اقدامات مشخص این گروه سازمان دادن سیستم کامپیوتری سراسری اروپائی برای شناسائی پناهندگانی که قبلاً از یک کشور اروپائی تقاضای پناهندگی کرده و در صورت دریافت جواب منفی به کشور دیگری عزیمت کرده‌اند، بوده است.

اهداف و سیاست‌ها

اهداف و سیاست‌های دولت‌های اروپائی و موسسات فوق را می‌توان در نکات زیر توضیح داد:

۱- هماهنگی تمام دولت های اروپائی برای کاهش هر چه بیشتر و سریعتر حقوق پناهندگی و امکان مهاجرت.

۲- جمع آوری مرکزی اطلاعات و سیستم پلیسی برای تمام خارجیان از کشورهای غیر اروپائی و به ویژه از کشورهای موسوم به جهان سوم.

۳- نقشه ریزی پیرامون جذب و تعیین لزوم و مفید بودن نیروی کار جدید در قسمت های مختلف کار در بازار مشترک، که به اصطلاح جابجائی نقشه مند خارجیان خوانده می شود و به معنی ورود متخصصین و یا نیروی کار آموزش دیده برای بخش های معین است.

۴- استفاده از پناهندگان و مهاجران به عنوان ابزار فشار به اتحادیه های کارگری برای پائین آوردن سطح دستمزدها و پیشبرد طرح های جدید برای "سازماندهی نوین اجتماعی". در این رابطه برای مثال طرح های مربوط به کار اجباری برای پناهندگان و سپس برای بیکاران "خودی"، تبعید پناهندگان به اردوگاههای نظامی و مباحث مربوط به استفاده از این اردوگاهها برای بیماران مبتلا به ایدز و... به اندازه کافی گویا هستند.

به علاوه با قدرت گیری احزاب محافظه کار در این کشورها، مطرح شدن سیاست "انعطاف در بازار کار" دقیقاً و تحقیقاً در درجه اول به وضعیت زندگی پناهندگان و مهاجرین مربوط می شود. بر طبق این سیاست می باید در شرائطی که ناآرامی های عمومی کارگران و فقرا در کشورهای شمال آفریقا، آسیای میانه، و آمریکای لاتین و جنوبی امکان تولید بی خطر را از بین می برد، یا به وجود آوردن طیف جدیدی از کارگران با حقوق پائین در خود اروپا، به اتحادیه های کارگری و

کارگرانی که به اعتبار مبارزات دوره پیش از حقوق و امکانات بالاتری برخوردارند نیز فشار وارد گردد تا به تمکین کشانده شوند.

از طرف دیگر جنبه مثبت سرمایه گذاری در "جهان سوم"، یعنی نیروی کار ارزان، مستقیماً به اروپا آورده می شود تا بهتر تحت کنترل قرار گیرند و نقش خود را در تولید ایفاء کنند. هدف این سیاست سرمایه، برپائی نوار غزه اسرائیل و "هوم لندهای" آفریقای جنوبی در قلب اروپا است. بردگان کار مزدی در گتوها زندگی می کنند، برای کار وارد بازار کار می شوند، و پس از آن به گتوهای تحت محافظت برگردانده می شوند.

در آلمان ترکیب کارگران غیر بومی، مطابق آمار اتحادیه ها، نشانگر وضعیت کار و زندگی پناهندگان و مهاجرین است:

- در صنعت شیمی، که کارگران اغلب به بیماری سرطان مبتلا می شوند، بسته به خطرناک بودن رشته کار ۷۰ الی ۸۰ درصد کارگران غیر بومی هستند.

- در صنعت نساجی، که به خاطر مصرف مواد شیمیائی خطرناک است، ۹۰ درصد کارگران غیر بومی هستند.

- در زمینه نظافت عمومی بیشتر از ۹۵ درصد کارگران غیر بومی، و اکثریت از زنان کارگر، می باشند.

- در رستوران ها بیشتر از ۷۰ درصد کارگران غیر بومی هستند. و در مقابل همه اینها تنها ۰/۰۴٪ کارگران غیر بومی در سطح رهبری جامعه شغل دارای موقعیت های بالا می باشند. با توجه به این واقعیات باید ماهیت عمیقاً سرمایه دارانه جریانات ایرانی را که از تشکیل

گتوهای پناهندگان و مهاجرین تحت عناوین تجمع "هم وطنان" و برای "حفظ سنت های ملی" و... دفاع می کنند، افشاء کرد. باید به کارگر ایرانی و الجزایری و آفریقائی یادآور شد که اشتغال بی تامين و حقوق کم وی در راستای سیاست راسیستی سرمایه می باشد. می باید به این کارگران گفت که چاره اصلی نه در قبول این شرایط، که در مبارزه علیه سرمایه و تلاش برای ایجاد یک زندگی بهتر و انسانی تر است.

این جاست که افشای سیاست سرمایه در جنا کردن انسانها بر اساس ملیت، مذهب، و رنگ پوست، و نقش نظرات مضری نظیر "جامعه چند فرهنگی" و تشکیل گتوهای ایرانی و ترک و چینی و غیره برای ما اهمیت ویژه ای پیدا می کند. این جاست که مبارزه برای حق شهروندی و حقوق برابر به پایه اصلی فعالیت های فدراسیون تبدیل می شود. نه دفاع از "سنت های ملی" و تشکیل گتوهای اجتماعی - فرهنگی، بلکه دخالت فعال و موثر در جنبش های سوسیالیستی می تواند جلوی به رسمیت شناسی "پست تر بودن" بخشی از جامعه انسانی را بگیرد.

هر گونه تلاش سیاسی در مقابله با اتنگره شدن مهاجر و پناهنده و جلوگیری از جذب آنان در جامعه در راستای حقوق شهروندی برابر با پوشش دفاع از "ملیت خودی، فرهنگ خودی، و مذهب خودی" به معنای تحکیم بلاواسطه سودآوری بیشتر سرمایه، استثمار کننده تر کارگران ارزان، پائین آوردن سطح دستمزدها، و از بین بنن حداقل های موجود در تامین اجتماعی است. به این سکوت و تمکین در مقابل تهاجم سرمایه، به این همکاری قربانیان جامعه سرمایه داری و سرمایه داری، باید برای همیشه پایان داد.

به ایالات متحده آمریکا خوش آمدید!

کیوان جاوید

در بلو ورود پناهنده و مهاجر به آمریکا جزوهای اطلاعاتی تحت عنوان «حقایق زندگی در ایالات متحده آمریکا» به وی داده می شود. این جزوه توسط دو نهاد به نامهای «خدمات مهاجرتی و پناهندگی لوتران» و «خدمات مهاجرتی و پناهندگی، کنفرانس کاتولیک ایالات متحده» به ۱۴ زبان تهیه شده و از سال ۱۹۸۷ مستقیم یا غیرمستقیم توسط نهادهای دولتی و غیردولتی به پناهندگان و مهاجران تازه وارد به آمریکا داده می شود.

این جزوه توهمین آمیز، که به روشنی راسیسم زننده دولت آمریکا را آشکار می کند، قرار نیست راهنمای زندگی "موفقیت آمیز" انسان تازه وارد به این مهد "دمکراسی" باشد. قرار است او را با ملقمهای از تحقیر، دروغ و ارعاب با مدل زندگی "آمریکائی" آشنا کند و بدیهیات گزندهای از زندگی در این نظام هار و وحشی را به یاد او بیاورد.

جزوه راهنما چنین شروع می کند که: "شما احتیاج به کار دارید. بزودی مجبور خواهید شد اجاره منزل و هزینه های پزشکی خودتان را بپردازید، برای خودتان غذا و سایر مایحتاج زندگی را بخرید. بزودی مجبور خواهید شد پولی را که برای سفر به ایالات متحده قرض گرفته اید، پس بدهید." بد نیست بدانید که پناهنده و مهاجر در بلو ورود به آمریکا از چه کمک هایی برخوردار می گردند. در یک سازمان ملی، که سازمان داوطلب نامیده می شود، ترتیباتی اتخاذ می گردد که اشخاص داوطلب لااقل برای مدت ۳۰ روز اسپانسر (حامی و کمک کننده) یک پناهنده و مهاجر گردند. در طی این ۳۰ روز و به حکم جزوه مذکور: "شما باید بتوانید با آداب و رسوم آمریکائی آشنا شوید، اسم فرزندان خود را در مدرسه بنویسید، راهنمایی برای یاد گرفتن زبان پیدا کنید، و...."

در عمل اما این طور نمی شود که جزوه می گوید. تعدادی از پناهندگانی که در دسامبر ۹۴ وارد این کشور شده بودند، به سانتیاگو انتقال

در هر حال اما، وضعیت زندگی تازه واردان به آمریکا جز این نیست. آنها از همان روزهای اول برای گذران زندگی مجبور به تلاش برای یافتن کار می شوند، و طبعاً فرصتی برای فراگیری زبان نمی یابند. و بجای آشنائی با زندگی "موفقیت آمیز" بقیه در صفحه ۲۷

ظرفشوی ادیب

عباس گویا

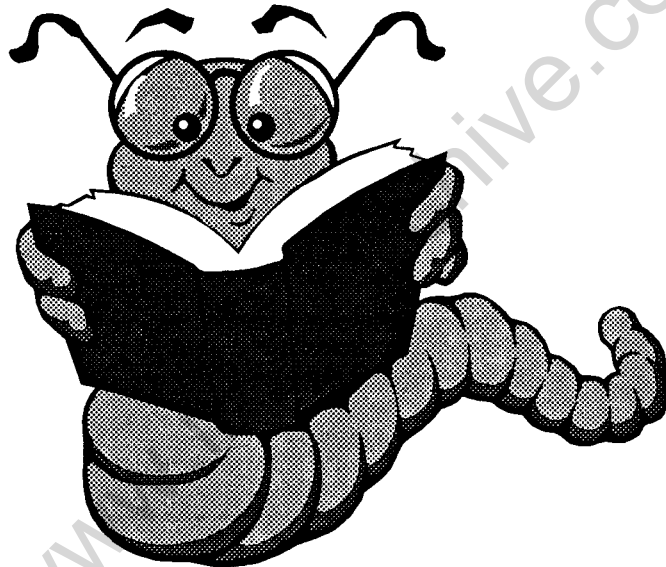
وقتی برای اولین بار خواستم از پدر و مادرم جدا بشوم با تحریم اقتصادی تمام و کمال رئیس خانواده یعنی پدرم روبرو شدم. مادر دلسوزم نیز به التماس افتاد: «عزیز جانم، من هرگز طاقت دوریت را نخواهم داشت. رفتن بی رفتن، مگر اینکه از روی جنازه ام رد بشی...». پانزده ساله ای مصمم بودم. چمدانهایم را که در واقع یک ساک دستی و تعدادی کیسه پلاستیکی بودند، برداشتم. تشک ابری و پتویم را بدوش گرفته و بی اعتنا به عواقب کاری که میکردم، از منزل پدری زدم بیرون.

محل جدید زندگیم اتاقی بود کوچک و سرد. در همان ابتدای ورود به مسکن جدیدم، دچار شک و تردید شدم. «آیا میتوانم تحریم پدر و ناله های مادر را به سلامت از سر بگذرانم؟ اتاقم را چطوری گرم کنم؟ کتابهایم را کجا بگذارم؟ ضبطم چی میشه؟ تنهایی را چطوری تحمل کنم؟...». صاحبخانه هم آنقدر سختگیر بود که هر گونه ورود و خروج میهمان را ممنوع کرده بود! کارفرمای کار تابستانیم، «اوسا اره»، در پاسخ به تقاضای کارم گفت: «یا باهاش از صب تا شب کار بکنی یا اینکه از پول خبری نیسی. کار نیمه

نصفه ما نداریم!». ناچار شروع به کار کردم. درآمد تابستانم را علیرغم مخالفتها و اصرار پدرم، صرف خریدن دوربین کردم. خلاصه اینکه مجبور شدم آس و پاس به اتاق درب و داغان زیر شیروانی خانه امان نقل مکان کنم.

وقتی که سرکوجه، برای دوستانم ماجرا را تعریف کردم؛ ضمن ابراز خوشحالی از این عمل شجاعانامم برایم هورا کشیدند. نادر اصرار کرد که برای شام به خانه اشان بروم. «غلام نفتی» هم یک چراغ علاءالدین و یک حلبی ۲۰ لیتری نفت از مغازه پدرش کش رفت و مثل سوغاتی برایم آورد. کاظم هم یک رادیو برایم تهیه کرد و گفت هیچکس متوجه غیبت آن در مغازه قصابی پدرش نمیشود! «چون تا من میخواستم روشنش کنم بابام غر میزد که مگه نمی بینی مشتری داریم. وقتی هم کسی نبود میگفت که صدای این رادیو همه مشتریها

رو فراری داده». رضا هم که پدرش کارگر نقاش یک شرکت ساختمانی بود گفت: «تا فردا باید به فکر اساسی کرد!». فردای آنروز رضا با یک سطل رنگ و فرچه و لباس کار آمد پیشم. گفت: «اتاقت باید رنگ بشه». با خوشحالی دستش را فشردم و پس از کلنجار فراوان با صاحبخانه، که پدرم باشد، موفق به کسب اجازه برای رنگ کردن اتاق



رشته مورد علاقه ام ادبیات بود!

شده و شروع به کار کردیم. در حین کار رضا تعریف کرد که پدرش شاید بتواند از طریق صحبت با کارفرماییش، کاری برایم در شرکت دست و پا کند. با مساعده ای که از شرکت گرفتم توانستم تا سر ماه که اولین حقوقم را دریافت کردم، دوام بیاورم. مسافت بین منزل و محل کارم باندازه ساعات کار، طولانی بود. مزد اندکی که میگرفتم، علیرغم معافیت از پرداخت اجاره خانه، که مادرم پدر را از صرافت درخواست آن انداخته بود، برحمت کفاف مخارجم را میکرد. درس خواندنم ابتدا با مشکل و پس از گذشت یکماه تقریباً غیر ممکن شد. در پایان ماه دوم بر سر دوراهی قرار گرفته بودم: «یا باید درس بخوانم و این یعنی بازگشت به کانون خانواده، یا برای امرار معاش باید فقط کار کنم و دور درس خواندنم را خط بکشم». با واسطه شدن مادرم دوباره به کانون خانواده برگشتم.

پدرم با لبخندی پیروزمندانه به ادامه بحثی پرداخت که قبلاً عامل اصلی تصمیمم به جدایی شده بود: «بعله جانم. فکر کردی مستقل شدن به همین سادگیهست؟ من و مادرت خون دلها خورده ایم و تازه همه اش هم فقط بخاطر آینده تو. حالا که ما داریم پیر میشویم و به عصای دست محتاج، نوبت تو است که دینت را ادا کنی. همین فردا باید تغییر رشته

بدی. تو باید دکتر یا حداقل مهندس بشی...». گفتم: «آخه خودتون میونین که من علاقه ای به دکتر و مهندس شدن ندارم...». طبق عادت همیشگی اش مهلت نداد حرفم را تمام کنم. با عصبانیت گفت: «علاقه چه مزخرفیه؟! کسی توی این مملکت برای علاقه جنابعالی تره هم خورد نمی کنه. فکر میکنی من خیلی دوست داشتم راننده تاکسی بشم. از صب تا شب باید هزار کیلومتر توی این شهر نکبیتی برونم تا یه لقمه نون در بیارم و قسط این خرابه رو بدم». بعد از اینکه کمی آرام شد دوباره ادامه داد: «آره، منم جوان که بودم دلم خیلی چیزا میخواست. میخواستم نقاش بشم. اما فکر میکنی چی شد؟». ضمن روشن کردن یک سیگار، برای چندمین بار تراژدی زندگیش بعنوان یک نقاش دوره گرد را تعریف کرد. عشق به نقاشی اما او

را وادار کرد که از چند سال پیش زیرزمین خانه را به کارگاه و خود خانه را به نمایشگاه تابلوهایش تبدیل کند.

من، مثل استقلال طلب شکست خورده، بعنوان طرف بازنده این جنگ مجبور شدم به خواست فاتح تن بدهم. تغییر رشته دادم ولی بدور از چشم پدر، در کنار تکالیف مدرسه به خواندن کتابهای ادبی و سیاسی ادامه دادم. دیپلم را با معدل متوسطی گرفتم. سرزنشهای پدرم از نو شروع شد: «هزار بار گفتم از این کتابا نخون، سیاست پدر و مادر نداره. تو با مدرک دکتری یا مهندسی میتونستی مایه افتخار ما بشی...». جواب مداوم من که: «مگه تقصیر منه که برای ادامه تحصیل باید از سپاه تاییبیده گرفت.؟» گوش شنوایی نزد پدرم پیدا نمیکرد.

من از کجای جهانم؟

(۱)

دیکتاتوری

به درد می آیم
از بی اندازه شب،
که خواب نیز، بر آشفته میشود
در سنوآل و سیلی و سرداب.
آسمانی میخواستم
آفتابی
و دلی که روز را بفهمد
انسانی
که بی هراس از سایه خویش
آفتابی شود.

(۲)

عشق

می آیم
از بی اندازه خون
با زرد گونه ای از غارت و بیداد
تهیدست و متهم
بی آسمان و زمین.
دردا
تمام زاده های مرا
یک به یک کشتند.
برآشفته ام.
من از کجای جهانم
که بی نهایت درد
با من است؟

ادرات، مدارس و هر جای ممکن رفتیم. وقتیکه از همه جا رانده و از همه جا مانده شدم، جهت مشورت و طلب کمک به اداره کارپابی مراجعه کردم. جوابشان دیگر برایم آشنا بود: «متأسفانه فعلاً بازار کار از ادبا متورم است. در حال حاضر تنها برای پزشکان متخصص و مهندسی با تجربه بومی کار پیدا میشود...»

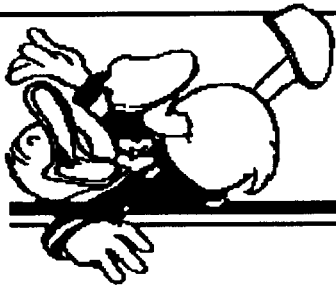
در پاسخ نامه ام به دفتر ثبت نام دانشگاه آمده بود: «متأسفانه بدلیل تعداد زیاد داوطلبین در سال جاری، تقاضای شما برای تحصیل در رشته های پزشکی و مهندسی پذیرفته نمی شود». علیرغم بی علاقه ای مطلق به شستن ظرف، در یک رستوران کاری بعنوان ظرفشوی پیدا کردم. با وجود کناره گیری از دیگران، بتدریج با همقطارانم رفیق و مانوس شدم. امروزه با تنها فرصت باقیمانده از «اوقات فراغتم» به یکی از فعالیت های مورد علاقه ام سرگرم میشوم: تحریر «شرح حال ظرفشویان».

«فرزند عزیز و دلبندم. برای خاطر خودت دوست که ما دلمان میخواد تو دکتر بشی. با دکتر شدن هم به دیگران خدمت میکنی و هم اینکه شغل آبرودار و نون و آب داری خواهی داشت...» و یا «خب، حالا که نمی خواهی دکتر بشی حداقل مهندس کامپیوتر بشو. آینده ات رو تضمین میکنه و باعث سربلندی ما در بین دوست و فامیل هم میشه...». و یا «ما فقط به امید تو زنده ایم. زندگی ما متعلق به شما فرزندانموئه. بیا و با گرفتن یه مدرک درست و حسابی، ما رو سرفراز کن...».

بارها گفتم و نوشتم که: «زندگیتان به خودتان تعلق دارد و بس. سعی کنید به بهترین وجه ممکن ازش استفاده کنید و خودتان را قربانی کسی نکنید» ولی مگر این حرفها توی گوششان فرو میرفت؟! ابدا! خلاصه علیرغم این فشارهای عاطفی به تحصیلاتم در رشته ادبیات ادامه داده و آنرا به پایان رساندم. حالا دیگر موقع شکار شغل بود. به سراغ تابلوهای اعلانات، آگهی های شغلی،

پس از ورود به اروپا، با هر دردسری که بود، آپارتمانی اجاره کردم. برای اولین بار احساس استقلال بهم دست داد. هفته اول از شادی در پوست خودم نمی گنجیدم. ولی مشکل تنهایی باعث شد که بتدریج سه همخانه زبان بسته گرانقدر بگیرم. با وجود اینکه چهارتایی زندگی میکردیم هیچکدام از آنها نه تنها حاضر به سهم شدن در پرداخت اجاره خانه نبودند، بلکه قسطهایشان هم ویاال گردنم شده بودند! مشکل تنهایی اما هنوز بقوت خود باقی بود. هر سه تای آنها، یعنی تلویزیون، ویدئو و کامپیوتر آتاری، را بدور انداختم و اتاقی در یک کلکتیو اجاره کردم.

پس از مدتی به تحصیل در رشته مورد علاقه ام، ادبیات، مشغول شدم و تا دلتان بخواهد از طرف مشاورین مدرسه تشویق شدم که: «در اینجا هر کس فقط بر حسب علاقه اش تحصیل میکنه!». چندی نگذشته بود که سریال تروهای نامه ای و تلفنی از ایران آغاز شد:



برای بچه ها

کمی بخندیم

مسئول سالن غذاخوری مدرسه به شاگرد: اگر ماهی ات را نخوری، آقای مدیر می‌آید. شاگرد: فکر می‌کنی او ماهی‌ام را بخورد؟

معلم وارد کلاس می‌شود و بر روی تخته تصویر وحشتناکی از خودش می‌بیند و رو به شاگردان می‌گوید: مسئولیت درست کردن این قیافه وحشتناک با کیست؟ یکی از شاگردان با خجالت: خوب معلومه آقا، متاسفانه با پدر و مادرتان.

یک مرد مست جلوی چراغ راهنمایی ایستاده بود و با مشت به آن می‌کوبید. پلیس راهنمایی به او می‌رسد و می‌گوید: کسی خانه نیست، مشت به در نکوب. مرد مست: چرا، مگر نمی‌بینی چراغ‌های طبقه بالا روشن است.

دو دوست که یکی موهای سرخ و دیگری خاکستری داشت با هم حرف می‌زدند. مو خاکستری: چه احساسی به آدم دست می‌ده وقتی که آتش رو سرش باشه؟ مو سرخ: تو باید بهتر بلونی که خاکسترش رو سرت جا مونده.

ادامه داستان عجب پسری

(داستان پسری که پدر و مادرش به یکباره کوچولو شدند)

از جلوی تلویزیون بلند می‌شود، ظرف‌ها را جمع می‌کند، و در حال شستن آنها زیر لب آواز می‌خواند. بعد نیم ساعتی بازی می‌کند. با «لگوهایش» برجی می‌سازد که تقریباً بلندیش تا میز است. مامان و پاپا هنوز تلویزیون می‌بینند. وقت اخبار است و پاپا به یک سیاستمدار که دوستش ندارد، بد و بیراه می‌گوید و بیخ می‌زند که: این مرد نمی‌فهمد که چی می‌گوید.

سون با خودش فکر می‌کند: وای! الان سر سیاست دعوایشان می‌شود. پس می‌گوید: بهتر است تلویزیون را خاموش کنیم و بخوابیم. ببینید چقدر دیر است، وقت خواب است. مامان غر می‌زند و با بغض می‌گوید: نه، الان نه! نمی‌خواهیم. قرار است یک برنامه خوب راجع به اعتیاد نشان بدهند. من می‌خواهم ببینم. سون داد می‌کشد: من گفتم نه، یعنی نه! می‌رویم و می‌خواهیم. و فکر می‌کند که باید با محبت و دلسوزی، ولی قاطع و جدی باشد. پاپا و مامان با بدخلقی به دستشویی می‌روند. سون می‌گوید: ببینم خوب مسواک می‌زنید یا نه؟ و بعد به آنها می‌گوید: شب بخیر، دوستان کوچولو! خوب بخوابید. پاپا داد می‌زند: ایستاد، قبل از خواب باید برایمان قصه بخوانی و گرنه خیلی غیرمنصفانه است. ما همیشه برای تو قصه می‌خواندیم.

سون با دلخوری و خستگی می‌گوید: خیلی خوب ولی من خیلی خسته‌ام. کلی امروز کار کرده‌ام. حالا چی می‌خواهید بشنویم؟ سفید برفی، رابین هود، پینوکیو؟ هر دو با هم داد می‌زنند: نه! اینها مال بچه‌هاست. از روزنامه برایمان بخوان. سون یک روزنامه قدیمی را می‌آورد و به زحمت شروع به خواندن آن می‌کند. تقریباً هر جملتهی کلمات سختی دارد: دلایل، درآمد زیاد، مالیات‌پردازها، و...، سون حتی یک کلمه از چیزهایی را که می‌خواند نمی‌فهمد. فکر می‌کند آدم باید زحمت بکشد، بزرگ شود که این چیزها را بفهمد؟ و بعد می‌گوید: دیگر بس است، حالا بهتر است بخوابید. پاپا و مامان را می‌بوسد و شب بخیر می‌گوید. چراغ را خاموش می‌کند و بیرون می‌رود. یک لحظه پشت در می‌ایستد تا مطمئن شود. نه خیر، صدای خنده ریز مامان می‌آید.

سون دوباره در را باز می‌کند و با عصبانیت می‌گوید: چطور شما می‌توانید اینقدر سرحال باشید، من که ذله شده‌ام! مامان می‌گوید: تقصیر این است. و به پاپا اشاره می‌کند و می‌گوید: این قلقلکم می‌دهد. سون کنترلش را از دست می‌دهد: تمامش کنید دیگر. و پاپا را به تخت خودش می‌فرستد و می‌گوید: وقتی بزرگترها اینجوری می‌کنند، می‌تواند بچه به وجود بیاید. ما نه وقتش را داریم و نه پولش را! من که با این وضع تحمل خواهر و برادر کوچولو را ندارم.

سون به اتاق خودش می‌رود. از زور خستگی نه دندان‌هایش را مسواک زده و نه لباس خواب پوشیده است. سرش گیج می‌رود، خرس کوچکش را بغل می‌کند و به او می‌گوید: بچه عزیز من، تو هیچ گرفتاری نداری. خوش به حالت! تو فقط یک خرس کوچک هستی. منو بغل کن که خوابم می‌آید. هرچند که حالا من مسئول پاپا و مامان کوچولوم هستم، ولی به محبت احتیاج دارم. منم... و به خواب می‌رود. و فردا...

فردا وقتی که سون از خواب بلند می‌شود همه چیز به جای خودش برگشته است. مامان و پاپا بزرگترند و از یک بچه. مامان به او می‌گوید: زود باش عجله داریم. باید تو را به مهدکودک برسانم و بعد به اداره بروم. راه، راه، راه، چرا من باید همیشه صبح زود بیدار شوم و شماها را از خواب بیدار کنم؟ و سون با خودش می‌گوید: مامان حق دارد! «پایان»

شعر

رو برفا می‌دیدم که
یه دونه جوونه دیدم
یه گل بنفشه کوچولو
توی برفا سرک می‌کشید
از خوشحالی می‌لرزیدم
نفهمیدم و اونو چیدم
وقتی که به خونه رسیدم
توی تلویزیون تصویری دیدم
یه بچه که می‌دوید
روی زمین یه چیزی دید
از خوشحالی داشت می‌لرزید
توی آشغالای نون دیده بود
وقتی که داشت اونو می‌جوید
دستای منو، تن کلکم
از غصه اون، بدجوری لرزید

سوسن بهار

جدول

افقی:

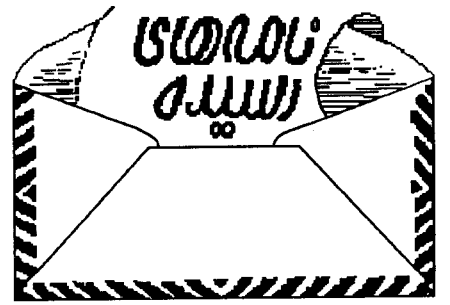
- 1- نوعی ساز (وسیله موسیقی) که صدای ملایم و خوشی دارد.
- 2- در حال وزیدن.
- 3- برای پرواز کردن به آن نیاز است.
- 4- کسی که چیزی را با او قسمت می‌کنیم.
- 5- به آدم بیکار و تنبل می‌گویند: تن ...
- 6- تقویت صوت در مخابرات و تلفن.

عمودی:

- 1- چوبی که خوردنی است.
- 2- لاغر و نحیف.
- 3- دانشمندی که ثابت کرد زمین گرد است و به دور خود می‌چرخد، و به همین دلیل توسط کشیشان کلیسا محاکمه شد.
- 4- اگر در بره اوایلا است.

۴ ۳ ۲ ۱

۱				
۲				
۳				
۴				
۵				
۶				



آلمان

* برلین، کانون پناهندگان سیاسی ایرانی، اطلاعیه مطبوعاتی شما درباره دادگاه میکونوس و همینطور تقاضانامه وکلای شاهدین خصوصی در این دادگاه دریافت شد. درباره پناهندگان ایرانی که در خطر استرداد قرار داشتند، دبیرخانه فدراسیون و شورای ترکیه اقداماتی را انجام دادند که خوشبختانه مانع بازگرداندن اجباری تعدادی از آنها به ایران شد. اما مهمتر اینکه در اثر فعالیتهای تبلیغاتی انجام شده، بنا به آخرین اطلاعات، دولت ترکیه در روش برخورد خود به پناهندگان ایرانی که در خطر دیپورت قرار دارند، تجدید نظر کرده است. از جمله این تغییرات دادن حق استیناف و رجوع به دادگاه مدنی برای پناهندگانی است که تقاضای پناهندگی آنها از طرف وزارت کشور ترکیه رد شده است.

* فرانکفورت - تقی پاکیمان، با تشکر گزارش مالی سمه ژانویه تا مارس حساب بانکی فدراسیون در آلمان بدستمان رسید.

* کاسل - محمد مشکات، خزانه دار شورای آلمان، گزارش مالی سه ماه اول سال ۹۵ دریافت شد. متشکریم.

* اشوگه - شامل، با تشکر نوشته شما درباره وضعیت پناهندگان افغانی و ایجاد شورای مهاجران افغان در شهر کلن بدستمان رسید. تماس‌تان را با ما حفظ کنید. پیروز باشید.

* کلن - صابر ل.، خیر اخراج تعدادی از پناهندگان ایرانی مقیم ترکیه ما را هم متأسف و نگران کرد. حس همدردی و مسئولیت شما مایه پشتگرایی ماست.

* درتوموند - نشریه «ما»، با تشکر چند اطلاعیه اخیر شما دریافت شد.

* فواد درویش - با تشکر گزارش چاپ و توزیع همبستگی شماره ۵۷ بدستمان رسید.

* هامبورگ - جمشید تفریخی، اطلاعیه برگزاری جلسه «بخشی از اعضای سازمان مجاهدین خلق» دریافت شد. ممنونیم و برای همه فعالین سابق سازمان مجاهدین در مبارزه علیه جمهوری اسلامی و ایجاد سازمانی مدرنیست، مبارز، غیرمنه‌بی، آزادیخواه و احیانا سوسیالیست آرزوی توفیق داریم.

* صهبا، نوشته شما تحت عنوان «گروه طالبان و افغانستان جنگ زده‌ها» بدستمان رسید. این نوشته شما خارج از محدوده کار همبستگی است. از همکاری‌تان سپاسگزاریم و در انتظار نوشته‌های بعدی شما هستیم.

* کلن - کانون نویسندگان ایران (در تبعید)، با تشکر اطلاعیه‌های شما تحت عنوان «آفتاب یک توطئه دیگر» و گشایش مرکز ایرانی انجمن بین‌المللی قلم (در تبعید) دریافت شدند.

* برمرهاون - اکبر رسا فاریانی، مطلب شما تحت عنوان «طرز جدید پذیرش پناهندگان افغانی در آلمان» بدستمان رسید.

آمریکا

* نیویورک - کمیته امداد انسانی به پناهندگان ایرانی (چیر)، با تشکر کارت تبریک عید شما بدستمان رسید. رونوشت نامه شما به دفتر مهاجرت و پناهندگی وزارت کشور آمریکا درباره سهمیه پناهندگی از خاور نزدیک نیز دریافت شد. اسنادی که درباره نقش UNHCR در راقعه پناهندگان هائیتی در آمریکا فرستاده بودید نیز به دستمان رسید. متشکریم.

* نیویورک - «همبستگی با پناهندگان ایرانی»، بروشور و اطلاعیه‌هایی که فرستاده بودید دریافت شد.

* لوس آنجلس - «جنبش همبستگی ایرانیان آزادیخواه»، با تشکر اطلاعیه‌های شماره ۲، ۳ و ۴ شما بدستمان رسید.

* نیویورک - کیوان جاوید، قطعه شعری را که فرستاده بودید دریافت کردیم.

* لوس آنجلس - بیژن شفیعی، نسخه ترجمه نشده مقاله‌ای که در همبستگی ۵۲ آمده بود را برایتان خواهیم فرستاد.

استرالیا

* سیدنی، شورای پناهندگان و مهاجرین عراقی، اطلاعیه شما به مناسبت دستگیری فعالین کارگری و کمونیست در کردستان عراق توسط نیروهای ناسیونالیست کرد دریافت شد. آرزوی موفقیت شما را داریم.

اتریش

* وین - «انجمن دمکراتیک حمایت از پناهندگان سیاسی ایرانی در اتریش»، با تشکر، اطلاعیه اعلام موجودیت شما را دریافت کردیم.

* وین - م. داوران، مطالب جالبی که درباره خواننده و گیتاریست مشهور «بلوز» B.B. King تهیه کرده بودید بدستمان رسید.

* وین - مینا احدی، گزارش مذاکره نمایندگان کمیته زنان ایرانی و مسئول زنان پناهنده در ترکیه با UNHCR و همینطور مطلب «حجاب اجباری دختران در اتریش» و «زنان سریلانکایی... تراژدی دیگر» همگی دریافت شدند.

انگلستان

* لندن - «کمیته دفاع از پناهجویان و پناهندگان ایرانی»، علاوه بر اخبار و گزارشاتی که در نشریه همبستگی درج می‌شوند لطفاً برای دریافت اطلاعات بیشتر با همکاران ما در انگلستان تماس بگیرید.

بلاروس

* دو استاربولانیا، داریوش، از اینکه مشکل امنیتی شما برطرف شده است خوشحالم و برایتان آرزوی موفقیت و سعادت بیشتر داریم.

بنگلادش

* داکا - کارت تبریک عید شما دریافت شد. از ابراز محبت‌تان متشکریم. تقویمی را که خواسته بودید برایتان ارسال کردیم.

پاکستان

* راولپندی - مهاجر، معاون دبیر شورای پاکستان، ملاحظات شما درباره «راوا» دریافت شد. درباره وضعیت دوستان ق.م. ما حداکثر تلاش خود را برای حل مشکل پناهندگی ایشان انجام داده‌ایم. در شرایط موجود حل خیلی از مشکلات پناهندگان احتیاج به زمان دارد، و صرفاً به اراده ما بستگی ندارد. درباره وضعیت

دوستی که در آلمان به ما معرفی کرده بودید، همکاران ما در آنجا قضیه را پیگیری کرده و کمکها و توصیه‌های لازم را با ایشان درمیان گذاشته‌اند. مطلب شما تحت عنوان «چاله و چاه!» نیز دریافت شد.

* راولپندی - حمید آیدر، نامه و گزارش مالی شما بدستمان رسید.

* اسلام‌آباد - صفورا رحیم، کمیته برگزاری تظاهرات «بستگان شهیدان و اسیران آزادیخواه»، فراخوان شما و اسنادی که درباره قتل و ربوده شدن روشنفکران افغانستانی در پیشاور توسط جانیان مسلمان فرستاده بودید همگی دریافت شدند.

* راولپندی - ق.ن.، فرم تقاضای کمک شما دریافت شد.

* راولپندی - شاهین لیبار، توضیحاتی را که درباره وضعیت الف.ع. فرستاده بودید دریافت کردیم. پس از بررسی اقدام لازم را انجام خواهیم داد.

* راولپندی - شهلا، از وضعیت شما مطلع شدیم. در تخصیص امکانات موجود شرایط شما را در نظر خواهیم گرفت.

* راولپندی - بخشی از مسئولین و اعضای شورای پاکستان، شکایات شما دریافت شد. با توجه به مسائل موجود از شما و همه اعضای شورای پناهندگان ایرانی در پاکستان می‌خواهیم که در اولین فرصت ممکن مجمع عمومی اعضای شورا را برگزار کنید و پس از رسیدگی به مسائل موجود گزارش این جلسه و اسامی هیات مسئولین منتخب این مجمع را بما اطلاع دهید.

* کوئته - جمعیت انقلابی زنان افغانستان، سلماروف، نامه شما درباره مکالمه‌تان با آقای ج.ب. دریافت شد. در این باره بطور جداگانه با شما تماس می‌گیریم.

تورکیه

* نیده - نجم الدین ف.، در مورد آن پول مسئله را پیگیری کرده و با شما تماس می‌گیریم.

* چانکری - شهرام ت.، گزارش مراسم روز جهانی زن که توسط شورای چانکری برگزار شده بود بدستمان رسید. خسته نباشید. نقاشی دوست جوانان نسیم الف نیز دریافت شد و برای ایشان آرزوی توفیق بسیار داریم.

* اسکی شهیر - امضاء محفوظ، در نشریه همبستگی علاوه بر گزارش فعالیت واحدهای فدراسیون، اخبار کارهای مفید دوستان دیگری که خود مایل باشند نیز درج می‌شوند.

* آنکارا - دبیر شورای ترکیه، متن مصاحبه شما با رادیو لوس آنجلس دریافت شد. موفق نباشید.

* آنکارا - هتیت اجرایی شورای ترکیه، گزارش مذاکره نمایندگان شورا با مسئولین UNHCR در مارس ۹۵ و همینطور یک نسخه از بولتن خبری شورای ترکیه بدستمان رسید. پیروزی‌تان را خواهیم دید.

* چروم - نادر، طرحهای کاوان توفیق طراح و مجسمه‌ساز کمونیست عراقی بدستمان رسید. متشکریم.

* آنکارا - «کمیته دفاع از حقوق زنان در ایران - واحد ترکیه»، با تشکر کارت تبریک شما به مناسبت روز جهانی زن دریافت شد. متقابلاً سالی پر از مبارزه موفق برای رهائی زنان را آرزو مندیم.

* آنکارا - م.ر.م.، وضعیت شما را با دبیر شورای ترکیه در میان گذاشتیم. ایشان بطور جداگانه با شما تماس خواهند گرفت.

* چروم - شاهو، فرم تقاضای کمک شما دریافت شد. وضعیت پرونده پناهندگی شما را از طریق شورای ترکیه دنبال خواهیم کرد. مطلب شما درباره وضعیت زندانها و زندانیان سیاسی در ایران و «دیپورت» نیز بدستمان رسید.

* چروم - نادر نماینده شورای چروم، شکایت شما را درباره اسناد گم شده شورایان پیگیری می‌کنیم و شما را در جریان امر قرار خواهیم داد.

* آنکارا - پیام رفیعی، اسامی دیپورت‌شدگان، پرونده بستن و اعضای شورای ترکیه به همراه رونوشت چند نامه مسئولین شورای ترکیه به دفتر UNHCR در آنکارا و گزارش چند مذاکره با این نهاد، و همینطور رونوشت چند نامه دیگری که فرستاده بودید همگی دریافت شدند. از همکاریتان سپاسگزاریم.

* چروم - خ. ب. و ع. الف، متأسفانه در گذشته حزب مربوطه شما تمایلی به همکاری با دبیرخانه فدراسیون درباره مواردی که به اعضا و فعالین خود آن مربوط می‌شده، نشان نداده است و بنابراین دلیلی وجود ندارد که در مورد شما نیز سیاست متفاوتی از گذشته اتخاذ کند. لطفاً جهت دریافت کمک بیشتر با همکاران ما در شورای ترکیه تماس بگیرید.

* م. ر. و کالت نامه شما به فدراسیون دریافت شد و در صورت لزوم از آنها برای پیگیری پرونده حقوقی شما استفاده خواهیم کرد.

* م. الف (قبر شهیر)، الف ک. (اسکی شهیر) فرمهای تقاضای کمک شما دریافت شدند.

* آتنا ق. اضافه نمودن صفحه نوجوانان به نشریه همبستگی به امکانات تحریریه‌ای و همکاری خوانندگان نوجوانی چون شما بستگی دارد. تا آنجا که به ایجاد کمیته دفاع از حقوق کودکان در ترکیه مربوط می‌شود، چرا همین مسئله را با اعضای شورا در آنجا مطرح نمی‌کنید؟ بنظر ما ایده ارزشمندی است.

* قیصریه - بیژن، وضعیت سخت دوست و همکاری مانند شما را کاملاً درک می‌کنیم و به سهم خود تا کنون چندین بار در این باره با دفتر UNHCR در آنکارا تماس داشتیم. بدون شک همکاران ما در ترکیه در محدوده امکانات کمک ممکن و لازم را برای بهبود وضعیت شما انجام داده و خواهند داد. موفق و پیروز باشید.

* آنکار - دکتر مارتین م. همبستگی برایتان ارسال می‌شود. آدرس نشریاتی را هم که تقاضا کرده‌اید بطور جداگانه برایتان خواهیم فرستاد.

* آماسیا - منصور حدادی، نوشته شما در نقد نامه آقای علی گیلانی، که در همبستگی شماره ۵۶ درج شده بود، رسید. از پیشرفتی که در وضعیت پناهندگی شما پیش آمده خوشحالیم و از اظهار لطف و محبت شما سپاسگزاریم.

* چروم - کامران برنا، شما البته می‌توانید هر نظری درباره ما داشته باشید. اما لطفاً اجازه بدهید که ما هم کار خودمان را پیش ببریم.

دانمارک

* کپنهاک - ناهید ریاضی، با تشکر ترجمه خیر مربوط به "مفقود شدن میلیونها زن در هندوستان" دریافت شد.

* آقوس - سوسن، متأسفانه همانطور که تجربه شما نشان میدهد، هنوز پیش قضاوت‌های بسیار نادرستی در مورد مبتلایان به بیماری اینز وجود دارد و بنابراین لازم است با حوصله، ابعاد و علل بروز این بیماری به مردم، از جمله پناهندگان و مهاجرین ایرانی، توضیح داده شود.

* کپنهاک - محمود قزوینی، با تشکر عکس و اطلاعاتی که درباره شرکت اعظم طالبانی و سایر عوامل جمهوری اسلامی ایران در کنفرانس مربوط به زنان در دانمارک فرستاده بودید دریافت شد.

* کپنهاک - سون ی.، رونوشت نامه را در اختیار ثریا شهابی قرار دادیم.

* ویله - ع. الف، نشریه همبستگی برایتان ارسال شد. تاخیر در انتشار شماره قبلی، علت دیر رسیدن نشریه بدست شما بود.

سوئد

* استکهلم - ابراهیم، وجهی که فرستاده بودید دریافت شد و از طریق خزاندار فدراسیون برای دوستی که خواسته اید فرستاده می‌شود.

* یوتوبوری - ه. ف. آدرسهای را که خواسته بودید بطور جداگانه برایتان خواهیم فرستاد.

* ساندسوال - کانون فرهنگی Exit نام و آدرس جدید شما ثبت شد.

* یوله - محمد شریفی، سه نوشته شما تحت عنوان "از عجایب دمکراسی"، "تبیگاری مدرن"، و "۶ ساعت کار روزانه"، دریافت شدند. از همکاریتان سپاسگزاریم.

* یرفال - محبوبه جنانی، با تشکر یک نمونه از کار هنری شما موسوم به «نوروزنامه» رسید.

* وستروس - افراه، با تشکر نوشته انتقادی شما درباره اخبار جانبدار برنامه فارسی رادیو دولتی سوئد از تحولات ایران دریافت شد.

* اسپالا - زهرا (س)، نامه خوارتان از هندوستان را دریافت کردیم. ما از مشکلات ایشان مطلع هستیم و در مکاتبات قبلی خود محدودیتهای واقعی که بر سر انتقال ایشان و فرزندانشان به یک کشور ثالث وجود دارد را توضیح داده‌ایم. با این وجود با توجه به نامه اخیر یکبار دیگر وضعیت ایشان را بررسی می‌کنیم و در صورت امکان هر کمکی از دستمان برآید انجام خواهیم داد.

* یوله - شاهرخ، منشی شورای یوله، گزارش مجمع عمومی هشتم شورای یوله و همینطور نامه شما دریافت شد. درباره ستوالی که کرده‌اید لطفاً به این نکات توجه کنید: ۱) با توجه به وضعیت ویژه دستمان س.، دبیرخانه فدراسیون به او توصیه کرد که در وهله اول لازم است مسئله تعیین هویت خود را از طریق ارائه اسناد یا استشهادهای رفقای که او را می‌شناسند، تثبیت کند؛ ۲) بدون وجود چنین اسنادی، دبیرخانه فدراسیون نمی‌توانست و نمی‌تواند هویت کسی را تأیید کند که خود او به مقامات مربوطه اطلاع داده است.

قبلاً غیرواقعی بوده است؛ ۳) حق پناهندگی کسی که پس از اخذ پذیرش تقاضای پناهندگی اش هویت واقعی خود را به مقامات مربوطه معرفی کرده است، از نظر قوانین سوئد فسخ می‌شود، اما پناهنده می‌تواند دوباره تقاضای جدید پناهندگی بکند و سعی کند نشان دهد که به غیر از نام و مشخصات شخصی اش سایر اطلاعات و اخباری که در توضیح تقاضای پناهندگی اش ارائه کرده است همگی به قوت خود باقی هستند. برای تقویت پرونده تقاضای پناهندگی دستمان و برخوردار شدن او از امکانات مشورتی و حقوقی بیشتر، به ایشان توصیه کردیم که با مشاور حقوقی شورای سوئد تماس حضوری بگیرند و پس از ارائه اسناد کامل خود به او با توجه به نظر مشخص وی عمل کنند. ۴) همه این نکات بطور تلفنی و صریح با دستمان مطرح شد و در هیچکدام از این مکالمات ایشان ستوالی یا نکته‌ای را که نشان بدهد نسبت به این توضیحات ابهام یا نارضایتی دارند، مطرح نکردند.

* مرصبیه، در اینکه نظام سرمایه داری موقعیت زن در جامعه را فردوست و نابرابر نگه میدارد شکی نیست. تاریخ چند صد ساله این نظام گواهی بر این ادعا است. ولی توجه کنید که انتقاد به این نظام، بویژه نوع اروپایی غربی آن، نمی‌تواند و نباید توجیهی برای زن آزاری ذاتی مذاهب و بویژه مذهب اسلام باشد. مقاله ای که در همبستگی شماره ۵۶ آمده بود و شما به آن اشاره

کرده‌اید دقیقاً متوجه همین خصوصیت ارتجاعی مذهب اسلام و اغماض آن در جوامع سرمایه‌داری غرب است.

* لوتو - م. گ.، وضعیت اسفناک پناهندگان اهل حق در عراق و تبعیضی که به این مردم بنا به اعتقادات دینی‌شان در آنجا وارد می‌شود، امر آشنایی برای ماست. دبیرخانه فدراسیون طی سه سال گذشته به سهم خود سعی کرده است تا مقامات کمیساریای عالی پناهندگی سازمان ملل و مراجع دیگر را نسبت به بی‌حقوقی این مردم محروم مطلع کند و خواستار انتقال آنها به کشور امن‌تری شده است. فدراسیون برای دفاع از حقوق این مردم جزوه ویژه‌ای تهیه و منتشر کرده است. با این توضیحات اجازه بدهید سردبیر نشریه به تشخیص خود درباره لزوم انتشار نامه شما در نشریه اقدام کند.

* استکهلم - شورای پناهندگان و مهاجرین ایرانی در استکهلم، اساسنامه شورا و سایر اسنادی که فرستاده بودید همگی دریافت شدند.

* یوتوبوری - اسماعیل م.، زمان برگزاری آکسیون ۲۱ آوریل از ماهها قبل و با توجه به وضعیت بسیار سخت و غیرانسانی پناهندگان ایرانی در ترکیه و پاکستان و عراق تعیین شده بود. همزمان شدن این آکسیون با وقایع مورد اشاره شما در ایران صرفاً یک تصادف بوده است. بعلاوه باید متوجه بود که اوضاع بحرانی ایران در عین حال می‌تواند زمینه ساز پناهنده شدن تعداد باز هم بیشتری از مردم ایران به این کشورها شود و بنابراین هر گونه بهبود فعلی در اوضاع پناهندگان ایرانی در ترکیه و عراق بدون تردید به وضعیت آتی چنین پناهندگانی مربوط است.

* استکهلم - بهرام رحمانی، با تشکر مطلب شما تحت عنوان "دولت آلمان، پرچمدار سیاستهای ضد «خارجی» بدستمان رسید.

* یوله - سیف الدین حیدری، دو مطلبی که درباره وضعیت افغانستان و پناهندگان افغانستانی فرستادید، دریافت شدند.

* مالمو - ف. ایرانی، نوشته شما تحت عنوان "میهن‌پرستی، نژادپرستی نیست" رسید. خواهش می‌کنیم مضامین جدیدی برای انتشار نامعهاتان در همبستگی پیدا کنید.

* استکهلم - هوشنگ محبی، با تشکر مطلب "برده‌اری کهن در آمریکای مدرن و دمکراتیک" بدستمان رسید.

* یوله - اسد ن. گزارش نمایشگاه عکس کمیته دفاع از حقوق زنان عراق - سوئد و مصاحبه‌ای که با دستاندکاران این کمیته ترتیب داده بودید دریافت شدند. متشکریم.

* فرشتا - رفیق، مطلبی را که درباره کشته شدن اقبال مسیح، کودک کارگر مبارز پاکستانی فرستاده بودید دریافت کردیم. جان باختن اقبال مسیح را درد مشترکمان می‌دانیم. در همین شماره مطلبی در این باره آمده که توجه تان را به آن جلب می‌کنیم.

* بوروس - الف. گ.، اسنادی که فرستاده بودید دریافت شد.

* اسپانگ - خسرو چگینی، دو مطلب کوتاه شما بدستمان رسید.

* یوله - شاهرخ، از اینکه بالاخره توانستید از شرایط سخت ترکیه خارج شوید خوشحالیم. هر اندازه کمک مالی شما به فدراسیون مایه ادامه‌کاری ما است. شماره جیروی پستی که در اختیار شما قرار داده شده است مربوط به فدراسیون است و بنابراین هر وجهی که از این طریق پرداخت کنید به دست ما خواهد رسید. از دوستی که شماکان در کمپ اسلوی گیر افتاده بخواهید هر چه سریعتر با شورای ترکیه تماس بگیرید تا همکاران

ما سعی کنند امکان انتقال او را از طریق UNHCR پیگیری کنند.

* یوتبوری - پرویز کاران، ابراز حمایت شما مایه پشتگرمی ماست. مخلص شما هستیم.

* فرشتا - کانون زندانیان سیاسی ایران در تبعید، با تشکر اطلاعیه شما درباره اصلاح اساسنامه کانون دریافت شد.

* یوتبوری - محمد جعفری، با تشکر مطلبی که درباره مسئله جایگزینی حکومت اسلامی فرستاده بودید بدستمان رسید.

* استکلهم - تشکیلات خارج کشور حزب کمونیست کارگری ایران - واحد سوند، اطلاعیه و پیام همبستگی شما با اعتصاب کارگران اتوبوسرانی دانشمارک بدستمان رسید. متشکریم و برایتان آرزوی پیروزی داریم.

سوئیس

* ژنو - باقری، علت دیر شدن ارسال نشریه به شما ناشی از تاخیری بود که در چاپ شماره قبلی همبستگی پیش آمد. پوزش می‌خواهیم.

عراق

* رمادیه - کمپ الطاش، الف ن. ر. پ. ص. ص. ص. م. ح. غ. م. ع. ر. ف. ب. الف. خ. ح. ز. فرم تقاضای کمک شما دریافت شد.

* رمادیه - کمپ الطاش، حیدر م. ترجمه پرونده شما قبلاً در اختیار دفتر مرکزی کمیساریای عالی پناهندگی سازمان ملل در ژنو قرار گرفته است.

* رمادیه - کمپ الطاش، کمیته همبستگی، گزارش و اطلاعاتی که فرستاده بودید همگی دریافت شدند. بطور جداگانه با شما مکاتبه خواهیم کرد.

* رمادیه - خ. ع. گزارش شما درباره اوضاع پناهندگان مقیم عراق دریافت شد.

* رمادیه، ح. م. اسناد تکمیلی شما رسید.

فرانسه

* پاریس - تحریریه «نوید مقاومت»، اطلاعیه شما به مناسبت عید نوروز رسید.

* پاریس - سردبیر «نقطه»، ناصر مهاجر، با تشکر اولین شماره «نقطه» دریافت شد. تبریک می‌گوئیم و همبستگی را متقابلاً برایتان ارسال خواهیم کرد.

فنلاند

* کارایا - اسماعیل ویسی، توضیحات شما درباره علت شرکت نکردتان در جلسه کنفرانس منطقه ای فدراسیون در آلمان دریافت شد. نامه دیگر شما هم بدستمان رسید و همکاریتان مایه دلگرمی ما است.

* واسا - سعید ق. خلاصه پرونده دوستی را که فرستاده بودید دریافت کردیم. از طریق شورای ترکیه وضعیت ایشان را دنبال خواهیم کرد. عکسهای مربوط به آکسیون دفاع از پناهندگان ایرانی در ترکیه و عراق نیز بدستمان رسید. خسته نباشید.

* واسا - بشیر امیرخانی، نشریه همبستگی به آدرسی که نوشته اید فرستاده خواهد شد. جزوه «اهل حق را بشناسید و به یاری پناهجویان اهل حق برخیزید» هم برایتان فرستاده می‌شود.

* یووسکوالا - انجمن پناهندگان ایرانی مقیم استان مرکزی فنلاند، کارت تبریک سال نو شما و همینطور یک نسخه از شرح حالی که تهیه کرده‌اید بدستمان رسید. متشکریم.

کانادا

* برنتفورد - اسد - شیدا، مقاله شما درباره پخش

مصاحبه شبکه تلویزیونی «نمای ایران» با عوامل جمهوری اسلامی جهت ایجاد مسجد در تورنتو بدستمان رسید.

* تورنتو - زیبا پرنیا، خزانه دار شورای کانادا، گزارش مالی ماه مارس و آوریل شما دریافت شد. متشکریم.

* تورنتو مهرداد/شویا، با تشکر کارت تبریک شما به مناسب روز جهانی کارگر بدستمان رسید. تبریک متقابل ما را بپذیرد.

* تورنتو - مهرداد صبوری، هر دو نوشته شما تحت عنوان «مالکیت مقدس در نمایش فیلم جنایت مقدس» و «مذهب، جامعه و انسان» دریافت شده بودند. همانطور که ملاحظه می‌کنید مقاله شما در مورد مذهب در این شماره چاپ شده است. متأسفانه تحریریه نشریه امکان توضیح خصوصی به نویسندگان مطالب دریافتی در مورد عدم چاپ مقالاتشان را ندارد. منتظر مطالب

بیشتر از شما هستیم.

* تورنتو - میترا ش. با تشکر وجه ارسال شده را دریافت کردیم و جزوه «اهل حق را بشناسید و به یاری پناهجویان اهل حق برخیزید» برایتان فرستاده شد.

* بارنسی - فرامرز پورنوروز، با تشکر دو جلد از کتاب «سالهای سخت» دریافت شد.

* نورث یورک - هواداران رنسانس اسلامی، شمال آمریکا، اطلاعیه شما بدستمان رسید.

* حمید م. نوشته مفصل شما درباره وضعیت ایران دریافت شد.

* ونکوور - زری اصلی، برگزاری یک مراسم به مناسبت روز جهانی کودک ایده بسیار جالب و ارزنده‌ای است. گزارش برگزاری این جشن را هر چه سریعتر برایمان بفرستید تا در سال آینده واحدهای بیشتری از فدراسیون آنرا سرمشق کار خود قرار دهند.

* تورنتو - ابراهیم هلالی، داستان «روز مرگی» شما دریافت شد.

* تورنتو - موسی یوسفی، مطلبی که درباره اقدامات دولت کانادا علیه دریافت‌کنندگان «خدمات اجتماعی» فاکس کرده بودید ناخوانا بود. لطفاً آنرا دوباره برایمان بفرستید.

نوروز

* هارشتاد - بهروز ناصری، گزارش فعالیت‌های واحد شما در شماره قبلی همبستگی درج شده است. نام‌های که به نقل از یکی از دوستان خود درباره اوضاع ایران نوشته بودید نیز دریافت شد. موفق باشید.

* اسلو - شورای پناهندگان و مهاجرین ایرانی، گزارشی که از مراسم اول ماه مه فرستاده بودید بدستمان رسید. خسته نباشید.

* برگن - سیامک شعاعی، اخبار کوتاهی که درباره مسائل پناهندگی و فعالیت‌های احزاب نوادپرست فرستاده بودید دریافت شدند. از همکاریتان سپاسگزاریم.

هلند

* ایندهوفن - بهمن خانی، توضیحات و اسنادی را که درباره پ. ف. فرستاده بودید دریافت کردیم. با توجه به توصیه‌های شما و نظر شورای ترکیه در این باره اقدام خواهیم کرد. قطعه شعری را هم که فرستاده بودید در اختیار همکارمان سلیمان قاسمیانی قرار دادیم.

* هادی شمس حائری، با تشکر رونوشت نامه شما به گرداندگان نشریه «نوید مقاومت» بدستمان

رسید. با ملاحظات شما در مورد این نشریه موافق هستیم.

* روتردام - محمد رضا الف، با تشکر مطالب و طرح‌های شما دریافت شد. از همکاریتان سپاسگزاریم.

* آرنهم - کریم حقی، نوشته شما به مناسبت خودکشی همسرتان، محترم بابایی، بدستمان رسید. از شنیدن این خبر عمیقاً متأسفیم و به شما و به خانواده و دوستان ایشان صمیمانه تسلیت می‌گوئیم و برایتان آرزوی بردباری فراوان داریم.

* آلره - م. ت. آدرس جدید شما ثبت شد.

کنفرانس حقوق بشر در خاورمیانه

بقیه از صفحه ۲۴

تا آنجا که من بیاد دارم در هیچ جای این بیانیه، بشر عرب و ایرانی و ترک و اسرائیلی، یا یهودی و مسلمان تعریف نشده است. پرچم ملی بر شانه اش نگذاشته اند. تصادف تولد در این یا آن نقطه جهان حق بشر و انسان را مشروط نباید بکنند. کسی از

من رای نگرفت که در ایران و تهران و در خانواده‌ای غیرمرفه متولد بشوم. شاید اگر به اختیار خودم بود تصمیم می‌گرفتم در آمستردام و در خانواده‌ای بسیار مرفه به دنیا بیایم (خنده و و تأئید اغلب حاضران).

دفاع از حقوق بشر و انسان امری عمیقاً انترناسیونالیستی است. ملی و مذهبی کردن حقوق

انسان نقض صریح خود این حق است. یکی از نمایندگان فلسطینی در اینجا ابراز نگرانی کرد که

مبادا ترک‌ها و ایرانی‌های حاضر در کنفرانس حوصله شان از مباحث مربوط به کشورهای عربی و اسرائیلی سر برود. من با توجه به صحبت‌های اولم این دوستان

را در اینجا یکی از شهروندان عرب زبان خاورمیانه می‌خوانم و به او می‌گویم چرا فکر می‌کنی که این

مباحث برای ما مهم و حیاتی نیست. چه چیزی این تفاوت فکر و اندیشه و دلمشغولی‌ها را بین ما ایجاد کرده است. همه ما در یکی از خطرناکترین مناطق

جهان زندگی می‌کنیم. خاورمیانه! در این منطقه دولتهای مسلح به بمب اتمی و سلاحهای کشتار جمعی

وجود دارد. فقط فلسطین اشغال نشده است. ایران هم تحت اشغال جانورانی است که سر و دست بشر را می‌برند. در سوریه و عراق دولت مخالفان سیاسی

خود را در حمام اسید حل می‌کند. ترکیه عملاً در اشغال نظامیان است و در اپوزیسیون هم جنبش

اسلامی، مدنیّت و حقوق بشر را نشانه گرفته است. تمام این مسائل به بشر در خاورمیانه مربوط است. باید انترناسیونالیست بود تا امکان دفاع از حقوق

بشر برایمان فراهم شود.»

در این کنفرانس نمایندگان فدراسیون فرصت یافتند با اشخاص جالب و صاحب نظری از ترکیه، فلسطین، سوریه و اسرائیل آشنا بشوند و تبادل نظر

بکنند. دبیر فدراسیون طی چند ملاقات خصوصی با «نوزت حلواجی» و «محمود تالی» بنیانگذاران جمعیت و بنیاد حقوق بشر ترکیه در مورد وضعیت

پناهندگان عراقی و ایرانی گیر افتاده در آن کشور صحبت کرد، پیشنهاداتشان را جویا شد و از کمک‌های انسانی و بی‌شائبه‌ای که در چند سال گذشته

به این پناهجویان و شورای پناهندگان ایرانی در ترکیه کرده‌اند سپاسگزاری نمود.

برگزاری مراسم روز جهانی زن

بقیه از صفحه ۹

های سیاسی و فرهنگی سوئدی و ایرانی و مردم آزادیخواه از این قطعنامه حمایت کردند. تمبر یادبود هشت مارس نیز با استقبال بسیار مواجه گشت. سوسن بهار برای طرح وسیعتر وضعیت زنان در ایران و جلب افکار عمومی، نوشته ای نیز برای روزنامه پر تیراژ "داگنز نی هتر" ارسال داشت که از طرف این روزنامه با توضیح: "نوشته شما دارای دید معینی نسبت به مساله است" منتشر نشد.

دیدارها، مذاکرات، و فعالیت های حول و حوش این قطعنامه و معرفی تمبر یادبود هشت مارس به معرفی کمپین و اهداف آن در سوئد کمک شایان توجهی کرد. علاوه بر این، در شهرهای مختلف سوئد نیز مراسم هشت مارس توسط اعضای کمپین برگزار گردید.

استکهلم: واحد استکهلم ضمن برگزاری سمیناری در مورد مساله زنان در ۲۵ فوریه و برگزاری نمایشگاه عکس، در ۴ مارس نیز روز جهانی زن را جشن گرفت. پنجاه تن در سمینار زنان، که سخنرانان آن نازلی پرتوی و سوسن بهنام و مریم کوشا بودند، شرکت کردند، از نمایشگاه عکس بیش از ۱۰۰۰ تن در طول پنج روز بازدید کردند، و در جشن هشت مارس، که سخنران آن سوسن بهنام بود، نیز در حدود ۲۰۰ تن حضور بهم رساندند.

اوهروبو: به کوشش اعضای کمپین در این شهر بیش از صد امضای حمایتی برای قطعنامه اعتراضی واحد سوئد جمع آوری گشت و نمایشگاه عکس آپارتاید جنسی در ایران نیز همزمان با هشت مارس در دو محل کتابخانه و مدرسه بزرگسالان شهر به نمایش درآمد و مورد استقبال مردم قرار گرفت.

در یوتیبری، مالمو، و اسپالا نیز اعضای کمپین ضمن فروش تمبرهای یادبود هشت مارس، به جمع آوری امضاء برای قطعنامه اعتراضی واحد سوئد پرداختند. در یوتیبری و مالمو در مراسم واحدهای حزب کمونیست کارگری ایران به مناسبت هشت مارس، قطعنامه کمپین نیز قرائت گشت.

یوله: به دعوت کمپین دفاع از حقوق زنان در عراق، و ایران، سوسن بهار در مراسم هشت مارس این شهر شرکت و سخنرانی نمود. در این مراسم نیز قطعنامه کمپین با حمایت مردم روبرو شد و تعداد زیادی از تمبرهای یادبود هشت مارس به فروش رسید.

نوروز

صدها نسخه از اطلاعیه کمپین به مناسبت هشت مارس در شهرهای اسلو، برگن، استوانگر، هارشتاد، و اورشتا در بین مردم شرکت کننده در مراسمهای هشت مارس توزیع گردید. در مراسم هشت مارس شهر اورشتا هیرو احمدنییا، هماهنگ کننده واحد کمپین در نوروز در مورد وضعیت زنان در ایران سخنرانی نمود و قطعنامه محکومیت جمهوری اسلامی در اینبار به امضای حاضرین در مراسم رسید. روزنامه محلی شهر به نام MoreNytt نیز با هیرو احمدنییا مصاحبهای در باره وضعیت زنان ایران به عمل آورد. و روزنامه دیگری به نام Sunmore Posten قطعنامه کمپین و بخشی از سخنرانی هیرو احمدنییا در مراسم هشت مارس را به چاپ رساند.

لیست نشریات و کتب دریافتی

- * آنآهیتا، شماره ۱۹، مارس ۹۵
- * قند پاریسی، شماره ۴-۶، مارس - مه ۹۵
- * کارگر امروز، نشریه انترناسیونالیستی کارگری، شماره ۵۲، اردیبهشت ۷۴
- * کوردستان، ارگان مرکزی حزب دمکرات کردستان ایران، شماره ۲۱۷-۲۲۰، دیماه ۷۳ - فروردین ۷۴
- * زن در مبارزه، شماره ۱، اسفند ۷۳
- * پیام زن، نشریه جمعیت انقلابی زنان افغانستان، شماره ۳۹، فوریه ۹۵
- * آوای زن، نشریه زنان ایرانی، شماره ۲۲، بهار ۹۵
- * پیوند، از انتشارات انجمن مهاجرین و پناهندگان ایرانی - بریتیش کملیبا، شماره ۱۵، مارس ۹۵
- * ماهنامه توفان، شماره ۵-۶، فروردین و اردیبهشت ۷۴
- * دفترهای کارگری سوسیالیستی، شماره ۲۶ و ۲۷، اسفند ۷۴ - اردیبهشت ۷۴
- * جهان امروز، نشریه خبری سیاسی از انتشارات حزب کمونیست ایران، شماره ۶-۸، بهمن ۷۳-اردیبهشت ۷۴
- * نامه مردم، ارگان مرکزی حزب توده ایران، شماره ۴۴۸-۴۵۴، اسفند ۷۳ - خرداد ۷۴
- * پوزخند به «پوزبند»، منظومه‌های فارسی و گیلکی، عطاله گیلانی، گروه تئاتر رز
- * پوشی، شماره ۲۱، زمستان ۷۳
- * راه آینده، شماره ۵-۷، فروردین-خرداد ۷۴
- * همبستگی با پناهندگان ایرانی، شماره ۱، زمستان ۱۹۹۵
- * ایران سرکوب ترور، شماره ۱۵ و ۱۶، فروردین و اردیبهشت ۷۴
- * اتحاد کار، ارگان مرکزی سازمان فدائیان خلق ایران، شماره ۱۲، فروردین ۷۴
- * کمون، ارگان سیاسی - تئوریک شورای کار، شماره ۱-۳، آذر ۷۳ - فروردین ۷۴
- * خیلواکی (آزادی)، نشریه مرکزی سازمان ملی و دیموکراتیک آوارگان افغانی، شماره ۲۵، آپریل ۹۵
- * سالهای سخت، مجموعه داستان، نوشته فرامرز پورنوروز، چاپ اول، ۷۳
- * گاهنامه خبری، کمیته ضد اختناق و سانسور در ایران، شماره دوم، آوریل ۹۵
- * آفتاب، شماره ۱۱، اردیبهشت ۷۴
- * نقطه، شماره ۱، بهار ۷۴
- * راه کارگر، ارگان سیاسی سازمان کارگران انقلابی ایران، شماره ۱۷۵
- * نشریه حقوق بشر، جامعه دفاع از حقوق بشر در ایران، شماره ۳۵، بهار ۷۴
- * نیستان، شماره ۱، فروردین ۷۴
- * راه توده، شماره ۳۲ و ۳۳، اردیبهشت و خرداد ۷۴
- * حقیقت، ارگان اتحادیه کمونیستهای ایران، شماره ۷۴، فروردین ۷۴
- * بولتن اضطرابی، کمیته اضطرابی بین‌المللی برای دفاع از جان آسیمال گوسمان، شماره ۵۲، آوریل ۹۵
- * گزاره، ارگان خبری جامعه دفاع از حقوق بشر، شماره ۸ و ۹، بهمن ۷۳ - اردیبهشت ۷۴
- * هابیشتی کریکاری، کمیته همبستگی
- * Workers World, Workers World Party, no. 6-16, Feb.-Apr. 95
- * Capitalism, New Union Party, March 95
- * Urgan Action, issues 6&13 March 95
- * Amnesty International News, no. 4-6, April-June 95
- * Afghanistan, Amnesty International, April 95
- * Refugees, UNHCR, no. 99
- * CHAIR, no. 2, Jan. 95
- * Kvinnor i Iran, no. 5, Jan. 95
- * Emergency Bulletin, IEC, no. 52, April 95
- * Women in Afghanistan, Amnesty International
- * Iran, Official secrecy hides continuing repression, Amnesty International, May 95

کمک مالی غیر منظم به فدراسیون

گور-رونک	آلمان	۱۰	مارک
شورای کاسل	آلمان	۱۸۵	مارک
حسن - زارع	آلمان	۲۵	مارک
فرزید-م	آلمان	۵۰	مارک
امیر سفیدان	آلمان	۵۰	مارک
آصف رهنا	آلمان	۹۰۰	مارک
ستار م	آلمان	۳۰	مارک
لاله حمه	آلمان	۶۰	مارک
ع. اقبالی	آلمان	۳۰	مارک
ماری	آلمان	۵۰	مارک
سیامک حیدری	آلمان	۱۰۰	مارک
فرامرز امیرزاده	آلمان	۲۰	مارک
شهلا م	آلمان	۲۰	مارک
شادی	آلمان	۴۰	مارک
فرهاد	آلمان	۵۰	مارک
لیدا	آلمان	۲۵	مارک
م - د	آلمان	۵۰	مارک
ابراهیم	آلمان	۱۷۰	مارک
منوچهر ظابطی	آلمان	۱۰	مارک
مینا	آلمان	۲۰	مارک
حمید	آلمان	۵۰	مارک
بهزاد	آلمان	۱۰۰	مارک
بهزاد ت.	آلمان	۲۰	مارک
فواد درویش	آلمان	۵۰	مارک
کافه دساستا	آلمان	۵	مارک
م. کریمی	آلمان	۱۰۰	مارک
دفتر برمن	آلمان	۶۰۰	مارک
دوری	آلمان	۵۰	مارک
آصف	آلمان	۲۰	مارک
محمد-ی	آلمان	۵۰	مارک
فرانیتاگ	آلمان	۱۰	مارک
سعید	آلمان	۵۰	مارک
محمد	آلمان	۵۰	مارک

خانه حزب کمونیست کارگری ایران در کاسل	آلمان	۵۰	مارک
کمیته امداد انسانی با پناهندگان ایرانی	آمریکا	۵۰۰۰	دلار
شورای دالاس	آمریکا	۱۰۰	دلار
مریم و کیوان	آمریکا	۴۰۰	دلار
رضاق.	آمریکا	۲۰۰	دلار
شورای دالاس	آمریکا	۲۰۰	دلار
کن - ط	آمریکا	۲۰	دلار
کاوه ک.	آمریکا	۲۵	دلار
حمید. ف.	آمریکا	۲۵	دلار
مهرداد آ.	آمریکا	۲۵	دلار
فاطمه م	آمریکا	۲۵	دلار
کمیته امداد انسانی با پناهندگان ایرانی	آمریکا	۲۰۰	دلار
پرویز بهزادی	سوئد	۱۰۰	کرون
J.H.	سوئد	۵۰	کرون
امین	سوئد	۲۰۰	کرون

کمک مالی منظم به فدراسیون

جاوید سلامی	ژانویه تا ژوئن	۱۸۰	کرون
کوروش خسروی	سال ۹۵	۳۰۰	کرون
اوزه	سپتامبر تا دسامبر ۹۴	۳۶۰	کرون
حمید رحیم پور	ژانویه و فوریه	۶۰	مارک
ماشاء الله	ژانویه تا مارس	۶۰	مارک
محمودزاده	-	۱۰	مارک
تقی	ژانویه تا مارس	۹۰	مارک
نادر	ژانویه تا مارس	۲۵	مارک
لیدا	ژانویه تا مارس	۲۵	مارک
محمد	ژانویه تا مارس	۳۰	مارک
ماری	ژانویه تا مارس	۳۶	مارک
اسی	ژانویه تا مارس	۲۵	مارک
م. ستاره	ژانویه تا مارس	۱۲۰	مارک

سهامیه شوراها

شورای آلمان ژانویه تا مارس ۸۹۰ مارک
شورای کانادا ژانویه تا مارس ۱۴۰ دلار

کمکهای مالی برای پناهندگان ترکیه

شورای دالاس	۲۵۰	دلار
س. سوئد	۱۰۰	کرون
دکتر فهمیم	۱۰۰	مارک

کمیته امداد انسانی با پناهندگان ایرانی نیز مبلغ ۳۶۵۰ دلار بطور مستقیم برای پناهندگان در ترکیه و ۱۰۰۰ دلار برای پناهندگان ایرانی در پاکستان ارسال کرده است.

گوشه‌هایی از فعالیت واحدهای فدراسیون

ترکیه

اولین شماره بولتن خبری واحد فدراسیون در ترکیه منتشر شد. در این شماره: بیانیه مطبوعاتی فدراسیون در مورد اخراج پناهندگان ایرانی از ترکیه، رویدادهای پناهندگی در ترکیه، فعالیت های واحد فدراسیون در ترکیه، مقاله فاجعه یوزگات: حادثه یا جنایت، و... به چاپ رسیده است.

مجمع عمومی شورای فدراسیون در شهر نوشهیر برگزار گردید و نمایندگان اول تا سوم این شورا در شورای مرکزی فدراسیون در ترکیه انتخاب گردیدند.

سوئد

واحد فدراسیون در سوئد چهارمین مجمع عمومی سالیانه خود را برگزار کرد. این اجلاس پس از بررسی فعالیت ها و اتخاذ تصمیمات مقتضی برای دوره آتی، هیات مسئولین جدید تشکیلات را انتخاب نمود.

بهزاد بارخدائی، سلیمان قاسمیان، یدالله کریمی، اسد نودینیان، بهرام رحمانی، عبدالله شریفی، صلاح آبیذر، ریوارش و سیاوش دانشور به عنوان سخنگویان شورای فدراسیون سوئد تعیین شدند. بهزاد بارخدائی همچنین به عنوان دبیر واحد انتخاب گشت.

واحد فدراسیون در سوئد جلساتی را در شهرهای استکهلم، یوله، یوتبوری، و مالمو دربارۀ "جایگاه و آینده مهاجرین در جامعه جدید" برگزار نمود. سخنران این جلسات مصلح شیخ الاسلامی بود.

فنلاند

مجمع عمومی سالیانه واحد فدراسیون در فنلاند برگزار شد و پس از بررسی فعالیت های واحد کشوری و اتخاذ تصمیمات مقتضی برای فعالیت های دوره آتی، اسماعیل ویسی، نجیبه محمدی، اقبال کاکه برائی، و عبدل گلیریان را به ترتیب به عنوان دبیر، منشی، خزانه دار، و سازمانده امور مالی تشکیلات برگزید.

در یوواسکولا به مناسبت ۸ مارس پیروز قادری، از اعضای فدراسیون، به همراه گوهر محمدزاده، یکی از پناهندگان ایرانی، با روزنامه سراسری حزب چپ فنلاند Kansanuutiset مصاحبه ای در مورد موقعیت زنان ایران داشتند. در روز ۷ مارس نیز پیروز قادری مصاحبه ای با رادیوی استان وسط فنلاند در همین زمینه به عمل آورد، که صبح روز هشت مارس از این رادیو پخش شد.

کانادا

به گزارش صفار ساعد، دبیر دفتر فدراسیون در کالگری، این دفتر با شورای کارگری شهر متفقا جشن اول ماه مه را برگزار نمودند. در این مراسم فیلم "چهار دلار در روز، هرگز!" که از طرف نشریه کارگر امروز در اختیار واحد فدراسیون قرار گرفته بود، به نمایش درآمد. هنرمندانی آواز خواندند، یک گروه رقص تبتی رقص های محلی تبتی را به اجرا درآورد، و از حضار با غذا و نوشیدنی پذیرائی شد. در این مراسم پیام دفتر فدراسیون توسط صفار ساعد خوانده شد.

نقش مذهب بعنوان وسیله تحکیم این موقعیت فرودست تاکید نمود. در قسمت دوم مراسم فیلمی مستند و تکاهنده از وضعیت زندگی پناهندگان ایرانی در ترکیه به نمایش درآمد و دو تن از پناهندگانی که اخیراً از ترکیه به آمریکا آمده اند درباره تجارب خود صحبت کردند.

به تاریخ ۱۶ و ۲۳ مارس، برنامه تلویزیونی «پنجمین روز هفته» طی ۲ برنامه تلویزیونی به پخش گوشه هایی از فیلم «در اعماق» گوتتر والرف، ژورنالیست معروف آلمانی، که در مورد وضعیت کار و زندگی کارگران مهاجر ایرانی در ژاپن است، پرداخت. در ادامه مجری این برنامه با بابک فراهانی یکی از مسئولین شورای مهاجرین ایرانی در لوس آنجلس به گفتگو نشست. این ۲ برنامه تلویزیونی مجموعاً ۲۵ دقیقه طول کشید و بابک فراهانی در مورد سابقه و فعالیتهای فدراسیون توضیحاتی داد.

برنامه تلویزیونی «میدانیت شو» در ۳ برنامه نیم ساعته به تفصیل در مورد بی حقوقی و فقدان امکانات اولیه زندگی پناهندگان در ترکیه پرداخت. در این ۳ برنامه که در تاریخ ۳۰ آوریل، ۷ و ۲۱ مه به ترتیب پخش شدند، بابک فراهانی نیز بعنوان یکی از مسئولین شورای لوس آنجلس شرکت داشت و درباره فعالیتهای سابقه فدراسیون توضیحاتی داد.

در این ۳ برنامه که در مجموع یکساعت و نیم بطول انجامید، گوشه هایی از فیلم مستندی که مریم نمازی طی سفرش به ترکیه از وضعیت زندگی پناهندگان ایرانی تهیه کرده است نیز به نمایش درآمد.

روز ۶ مه از طرف سازمانها و گروههای مختلف مدافع حقوق مهاجرین، روز اعتراض به طرح ضد انسانی Contract with America اعلام شد و در اکثر شهرهای بزرگ آمریکا راهپیمایی ها و تظاهراتی بر علیه این طرح برگزار شد. شورای مهاجرین ایرانی در لوس آنجلس نیز در کنار سایر نیروهای معترض در تظاهرات ۶ مه لوس آنجلس شرکت کرد.

واحد فدراسیون در لوس آنجلس به همراه حزب کمونیست کارگری ایران واحد آمریکا و دوستداران نشریه کارگر امروز، اول ماه مه روز جهانی کارگر را طی مراسمی در ۶ مه جشن گرفت. در این مراسم علی جوادی از طرف حزب کمونیست کارگری ایران، سوزی وایزمن برنامه ساز رادیو K.P.F.K. و عضو تحریریه نشریه کریستیک و خلاف جریان، و باب مک کلاسیکی از اتحادیه کارگران خدمات و جونو شفر از اتحادیه عدالت برای کارگران نظافت چی سخنرانی هایی ایراد کردند.

جهت اطلاع خوانندگان همبستگی یادآور می شویم که شورای مهاجرین ایرانی در لوس آنجلس از فوریه ۹۵ بعنوان یک نهاد غیر انتفاعی در آمریکا به ثبت رسیده است و کمکهای مالی به این نهاد می توانند از معافیت مالیاتی برخوردار شوند.

آلمان

در مجمع عمومی اخیر شورای کلن، زردشت احمدزاده، مریم ناره، سحر فرجاد، رویا احمدزاده، مجید عودسنجی، جمال، لادن، و احمد به عنوان اعضای هیات مسئولین شورا انتخاب شدند. مسئولیت دبیری واحد با زردشت احمدزاده است.

در روز هشت مارس، شورای فدراسیون در کلن در مقابل ساختمان اداره کار کلن آکسیون را با شعارهای: مزد برابر در ازاء کار برابر، حقوق سیاسی و اجتماعی برای همه انسانها، و زنده باد هشت مارس روز جهانی زن برگزار کرد. بعدازظهر همان روز نیز در محل دیگری میزکتاب شورای کلن برپا شد و تعداد زیادی اطلاعیه در بین مردم پخش گردید.

به مناسبت فرا رسیدن نوروز، مراسم گردهمایی توسط شورای کلن برگزار گردید. در این مراسم در حدود ۲۵۰ تن گرد هم آمدند تا جشنی گرم و صمیمی در کنار هم داشته باشند.

در روز ۱۹ مارس جلسه ای درباره "زن و اسلام" توسط شورای کلن برگزار گردید. در این جلسه که در حدود ۴۰ تن در آن شرکت داشتند، آذر سینا در مورد موقعیت زن در اسلام برای حضار سخنرانی نمود.

روزهای ۱۸ و ۱۹ مارس کنفرانس سالانه جوانان ضد راسیسم در اروپا در شهر کلن تشکیل شد. در این کنفرانس، که بیش از ۲۰۰ تن از ۳۸ شهر آلمان در آن شرکت داشتند، شورای کلن نیز به عنوان ناظر حضور داشت. زردشت احمدزاده، دبیر شورای کلن، در بخشی از این کنفرانس درباره موقعیت "خارجیان" و لزوم اتحاد بین المللی در مبارزه علیه نژادپرستی صحبت کرد.

اوس بلیک شماره ۹، نشریه آلمانی فدراسیون منتشر گشت. در این شماره مطالب زیر موجود است: سیاست پناهندگی و ایدز، گزارش کمپین دفاع از افغانستانی ها، افتتاح شورای پناهندگان و مهاجران ایرانی در دالاس، افتتاح واحد برمن فدراسیون، افتتاح دفتر فدراسیون در مونستر، فراخوان کنگره ششم فدراسیون، اوضاع کنونی و آینده ایران، بن بست سیاسی و اقتصادی جمهوری اسلامی ایران، مجاهدین و غرب. سر دبیر نشریه اوس بلیک هادی اسماعیلی، دبیر شورای کشوری آلمان و عضو دبیرخانه مرکزی فدراسیون است. علاقمندان به دریافت این نشریه می توانند آن را از آدرس واحد کشوری فدراسیون در آلمان تهیه کنند.

آمریکا

به تدارک و فراخوان شورای مهاجرین ایرانی در لوس آنجلس، بزرگداشت روز جهانی زن و همبستگی با پناهندگان ایرانی در ترکیه به تاریخ ۱۱ مارس برگزار شد. در این مراسم نیکو اندیشه از فعالین سوسیالیست جنبش زنان درباره موقعیت فرودست زن در جوامع اسلامی صحبت کرد و بر

به مناسبت روز جهانی زن سمیناری درباره موقعیت زنان در ایران از طرف شورای فدراسیون در اسلو برگزار شد. سخنران این سمینار ثریا شهابی، کادر حزب کمونیست کارگری ایران و از فعالین جنبش رهایی زنان، بود. این سمینار، که تعدادی از زنان و مردان ایرانی و افغانستانی و عراقی در آن شرکت داشتند، ۳ ساعت به طول انجامید و حضار با علاقه و جدیت در مباحثات آن شرکت داشتند.

در روز هشت مارس، شورای اسلو در تظاهرات مربوط به روز جهانی زن در اسلو شرکت کرد و اطلاعیه واحد فدراسیون در نوروز به این منظور را در سطح وسیعی پخش نمود.

واحد کشوری فدراسیون سند مصوب کنگره پنجم فدراسیون درباره انتگراسیون را به زبان نوروزی ترجمه و برای بخش فرهنگی وزارت خارجه نوروز ارسال نمود. به گزارش سیامک شعاعی، دبیر واحد فدراسیون در نوروز، بخش فرهنگی وزارت خارجه نوروز تصمیم گرفته است که این سند را منتشر نماید. سند انتگراسیون، که همزمان برای اتحادیه های کارگری و احزاب سیاسی نیز ارسال شده است، حساسیت این جریانات نسبت به فدراسیون و نظر موافق برخی از آنها به مضمون و مطالبات خود را برانگیخته است. از جمله حزب سوسیالیست چپ نوروز از این سند حمایت به عمل آورده و آمادگی خود برای همکاری مستمرتر و وسیعتر با فدراسیون را اعلام کرده است.

سیامک شعاعی در مرکز کانون فرهنگ بین‌المللی در سمیناری که توسط اتحادیه های کارگری هاردالاند و دفتر پناهندگی شهر برگن، درباره سیاست پناهندگی دولت نوروز، برگزار شده بود شرکت کرده و بحثی به مدت ۲۰ دقیقه در این باره ارائه داد. این بحث که مورد تشویق حضار قرار گرفت، در انتقاد به سیاست ضد پناهندگی دولت نوروز و همچنین درک سوسیالیستی و انسانی از انتگراسیون انجام شد.

با همکاری واحد نوروز کمپین بین‌المللی دفاع از حقوق زنان در ایران و واحد فدراسیون در نوروز، نمایشگاه عکس زنان ایران در محل فرهنگی شهر برگن افتتاح شد. در مراسم افتتاحیه نمایشگاه عکس، مهشید علی پناه و سیامک شعاعی درباره موقعیت زنان در ایران و وضعیت پناهندگان زن در اروپا سخنرانی کردند. نماینده حزب سوسیالیست چپ در استان هاردالاند نیز ضمن دفاع از مبارزات زنان ایران، خواهان مبارزه علیه ایجاد مدارس اسلامی و ستم‌کشی زنان بر پایه مذهب شد.

نوشته سیامک شعاعی درباره روشهای نادرست مجاهدین در جمع‌آوری کمک مالی از مردم نوروز، که اخیراً در این کشور مطرح گشته بود، در یکی از روزنامه های نوروزی به چاپ رسید. به همین خاطر چهار تن از هواداران این جریان سعی داشتند مراسم افتتاحیه نمایشگاه عکس زنان ایران را بر هم بزنند که توسط حزب سوسیالیست چپ نوروز از سالن مراسم اخراج گردیدند.

بنا به گزارش سیامک شعاعی در هفته های اخیر شعبه نوروز سازمان عفو بین‌الملل ضمن تماس با واحد فدراسیون در نوروز خواستار همکاری این واحد

برای روشن کردن وضعیت چند پناهنده ایرانی مفقودالثر در جنگ خلیج شده است. در جلسه مشترک عفو بین الملل و شورای کشوری فدراسیون در نوروز، ضمن بررسی وضعیت خطیر پناهندگان ایرانی در عراق، قرار شد که با همکاری این واحد فدراسیون یک مرکز ثبت و جمع‌آوری اطلاعات پناهندگان ایرانی مفقودالثر در عراق، و یا پناهندگانی که در زندانهای عراق به سر می‌برند، به وجود آید.

همین جا از همه کسانی که به نوعی با چنین افرادی در عراق آشنائی دارند، دعوت می‌کنیم که با شورای کشوری فدراسیون در نوروز تماس گرفته و اطلاعات خود در اینباره را در اختیار دبیر این واحد قرار دهند.

شورای فدراسیون در برگن و گروه سوسیالیست های انترناسیونالیست و حزب کمونیست کارگری ایران در برگن در روز اول ماه مه اقدام به برگزاری برنامه صرف صبحانه در محل کانون بین‌المللی فرهنگی این شهر کردند. در این مراسم، که بیش از ۷۰ تن در آن شرکت کردند، سرود انترناسیونال پخش گردید و سخنگوی واحد فدراسیون، نماینده سوسیالیست های انترناسیونالیست و نماینده کمیته دفاع از کارگران ترانسپورت در دانمارک، که در اعتصاب بسر می‌برند، در مورد اتحاد بین المللی کارگران و لزوم مبارزه برای دفاع از دستاوردهای کارگری سخنرانی کردند.

پس از پایان این مراسم، اعضای فدراسیون در مراسم راهپیمایی اول ماه مه شرکت نمودند. در این مراسم، که شورای کشوری فدراسیون عضو کمیته تدارک آن بود، از جمله سخنگوی این واحد در رابطه با وضعیت جنبش کارگری بین‌المللی سخنرانی کرد. تلویزیون محلی استان هاردالاند نیز مصاحبه ای با سخنگوی واحد فدراسیون در نوروز به عمل آورد که از این تلویزیون پخش گردید.

در شهر هارشتاد، بهروز ناصری، دبیر دفتر فدراسیون، یکی از سخنرانان اصلی مراسم اول ماه مه بود. بهروز ناصری در سخنرانی خود، که با تشویق شرکت کنندگان در مراسم مواجه شد، درباره نظم نوین جهانی، سوسیالیسم کارگری، ضرورت مبارزه علیه یورش سرمایه و در پایان درباره وضعیت کارگران ایران صحبت کرد.

در مراسم اول ماه مه در شهر استوانگر نیز اعضای فدراسیون شرکت کرده و اعلامیه های واحد کشوری فدراسیون در نوروز را در این مراسم توزیع نمودند.

هلند

پنجمین شماره بولتن خبری واحد فدراسیون در هلند منتشر شد. این بولتن، که به زبان فارسی منتشر می‌گردد، حاوی مطالبی درباره اعتصاب زانندگان و کارکنان حمل و نقل بین شهری در هلند، پذیرش پناهجویان ایرانی موسوم به ای. ام. در ترکیه توسط سازمان ملل، و مطلبی درباره جمهوری اسلامی و سیاست خارجی اش است.

تهیه و تنظیم:

از بیژن هدایت، دبیر تشکیلات فدراسیون

تشکیل دفاتر فدراسیون در شهرهای برمن و مونستر آلمان

بنا به گزارش واحد فدراسیون در آلمان، دفاتر فدراسیون در شهرهای برمن و مونستر آلمان آغاز به کار کردند. مسئولین دفتر فدراسیون در برمن، حمید حصارپور و در مونستر نادر شریف می باشند. ما تشکیل دفاتر فدراسیون در این دو شهر را به اعضای آنها صمیمانه تبریک می‌گوئیم و امیدواریم که در انجام وظائف خود موفق باشند. آدرس دفاتر فدراسیون در برمن و مونستر را می‌توانید در صفحه آدرس تماس با واحدهای فدراسیون بخوانید.

دبیر تشکیلات فدراسیون - بیژن هدایت

تعلیق عضویت شورای فرانکفورت در فدراسیون

بنا به تصمیم مسئولین کشوری فدراسیون در آلمان، عضویت شورای فرانکفورت، به علت عدم انجام دو ساله وظائف و تعهدات سیاسی و مالی که این شورا در قبال فدراسیون داشته است، به حال تعلیق در آمده است.

شورای فرانکفورت می‌تواند از کنگره آتی فدراسیون خواستار تجدید نظر در این رای بشود.

برگزاری کنفرانس منطقه‌ای فدراسیون در آلمان

طی روزهای ۷ تا ۹ آوریل، کنفرانس منطقه‌ای فدراسیون در آلمان برگزار شد. در این کنفرانس اعضا و نمایندگان واحدهای کلن، برمن، برلین، دارمشتاد، دورتموند، ورمس، کاسل و گیسن از آلمان، و ایندهوفن و روتردام از هلند شرکت کردند. جعفر رسا و هادی اسماعیلی از جانب دبیرخانه مرکزی فدراسیون در این نشست حضور داشتند. در مجموع ۶۰ نفر بعنوان نماینده و ناظر در این کنفرانس شرکت کردند.

گزارش اقدامات فدراسیون از کنگره پنج به بعد، مفهوم و جایگاه مبحث انتگراسیون انتقادی در فعالیتهای فدراسیون، اوضاع سیاسی ایران و تحولات اخیر آن، گزارش مالی فدراسیون و مشکلات ناشی از تامین نشدن بودجه مصوب کنگره توسط واحدهای فدراسیون، از جمله مسائل و موضوعاتی بود که در این نشست بررسی شدند. جو بسیار دوستانه و صمیمی جلسه مشوق شرکت هر چه بیشتری از حاضرین در مباحثات بود.

بعنوان یک سمینار جانبی، هادی اسماعیلی در باره نقش شبکه‌های ارتباطاتی و اطلاعاتی کامپیوتری و لزوم به کار گرفتن این امکانات برای فعالیتهای متنوع و ضروری فدراسیون و فعالین آن توضیحاتی به شرکت کنندگان داد. امکانات برگزاری این نشست توسط دبیرخانه فدراسیون در آلمان تامین شده بود.

کنفرانس حقوق بشر در خاورمیانه

چنین نیست. در برخی از کشورهای منطقه دولتهای مذهبی یهودی و اسلامی پا گرفته اند و در کشورهای دیگر منطقه هم جنبشهای خشن اسلامی در اپوزیسیون، مدنیت و زندگی مردم را تهدید میکنند. وقتی جریانهای مذهبی و دین اداره سیاسی، اجتماعی، اقتصادی و فرهنگی کشوری را در دست میگیرند و یا مدعی اداره جامعه هستند آنوقت از مذهب و دین صحبت نکردن خطای بزرگ و، خود، نقض حقوق بشر است. سرکوب مردم در ایران و کشورهای مشابه با توسل به قوانین و عرف مذهبی و اسلامی صورت میگیرد. دین اسلام، دین پدوفیلی (سواستفاده جنسی از کودکان)، آپارتاید جنسی و فاشیسم فکری و نظری است.

بلاتی که سر مردم، کودکان، زنان، لامذهب ها و بهائی ها در ایران می آورند احکام صریح قران و اسلام است. این رفتار مال بنیادگرایان نیست، اسلامی است. به این دلیل، و با توجه به سرکوب حقوق ابتدائی مردم در منطقه، امروز یک شرط پایه ای برای دفاع از حقوق بشر در خاورمیانه برشردن این جنایات و خواست صریح جدائی کامل مذهب از دستگاه دولت و آموزش و پرورش است. هر کس که اینرا نگوید هیچ چیز در مورد حقوق بشر نگفته است. اگر این کنفرانس این موضوع را در نظر نگیرد باید بساطمان را جمع کنیم و برویم. بخصوص خاطرتان باشد که اصل جهانشمول بودن حقوق بشر را دارند زیر سوال میبرند و می خواهند آنرا تابعی از ویژگیهای مذهبی و ملی بکنند. در کنفرانسهای سازمان ملل در وین و قاهره، و کنفرانس آینده در مورد زنان در چین، بحث محوری همین مسئله بوده و خواهد بود. لازم است به این مسئله با هشیاری تمام بپردازیم.» این صحبتها مورد اعتراض برخی از شرکت کنندگان و حمایت و پشتیبانی عده دیگری قرار گرفت.

ناسیونالیسم و حقوق بشر

در روز دوم کنفرانس، مسئله صلح دولتهای عرب و فلسطین با دولت اسرائیل سوژه اصلی و داغ بود. بحثها چنان سیاسی بود که جلسات سازمان ملل و یا مذاکرات نمایندگان دولتها با یکدیگر را تداعی می کرد. در این مباحث قطب بندی ناسیونالیستی، عربها در مقابل اسرائیلیها، چنان قوی بود که جهانشمول بودن حقوق انسان داشت فراموش می شد. دبیر فدراسیون در این بحث سخنرانی کوتاه دیگری کرد و در بخشی از آن گفت:

«اولا امیدوارم مباحث نيمروز گذشته به همه نشان داده باشد که حقوق بشر چقدر سیاسی است و بازهم امیدوارم که کسانی که دیروز اصرار داشتند حقوق بشر را "غیرسیاسی" بکنند، در پرتو آنچه که امروز در جریان است در صحبتهایشان تجدید نظر بکنند. ثانيا اینجا مسئله مهمی است که باید به آن توجه کرد. ما اینجا جمع شده ایم که در مورد دفاع از حقوق بشر در منطقه خاورمیانه صحبت بکنیم. اگر هر کس به فکر "بشر" قوم و کشور خودش باشد فاتحه این کنفرانس و حق بشر را باید خواند. اگر مبنای کار برای مثال بیانیه جهانی حقوق بشر است، بقیه در صفحه ۲۰

در همین مورد برگزار کند. مباحث مربوط به صلح اسرائیل و فلسطین به هیچ نتیجه و تصمیمی منجر نشد و داغ ترین بحث کنفرانس بود.

بعضی از مباحث کنفرانس

هیات فلسطینی حاضر در کنفرانس نسبت به قرارداد و روند کنونی صلح معترض بودند. یکی از نمایندگان این هیات اظهار می کرد که تقریبا هیچیک از قولهای کمک مالی آمریکا و کشورهای غربی در مورد بازسازی نوار غزه و کرانه غربی رود اردن و بهبود وضع زندگی مردم در این مناطق عملی نشده است. تنها موردی که این کشورها در دادن پول دست و دلباز بوده اند ایجاد، آموزش و تسلیح نیروهای امنیتی و پلیس فلسطین است. بنا به این گزارش هم اکنون در مناطق تحت اداره دولت ملی فلسطین نسبت تعداد پلیس به جمعیت بالاترین رقم در جهان است! این هیات هشدار می دادند که ادامه این وضعیت مردم فلسطین را شدیداً از روند و امکان پذیری صلح ناامید کرده و احتمال انفجار اجتماعی و تشدید درگیریهای مسلحانه در منطقه بسیار زیاد شده است. می گفتند این وضعیت نتیجه آن قرارداد صلح کذائی است. دولت اسرائیل، آمریکا، دیگر دولتهای حامی این قرارداد و جبهه آزادبخش فلسطین این قرارداد را به مردم حفته کرده اند. عرفات عملاً تبدیل به مامور پلیس اسرائیل شده است. ما حاضر نیستیم کنفرانس حاضر فرصتی برای "عادی و نرمال" کردن این وضعیت برای مردم فلسطین باشد. شرکت ما در این کنفرانس نباید چنین تصویری را بدهد. در روز اول برخی از برگزارکنندگان و شرکت کنندگان در کنفرانس اصرار داشتند که مباحث مربوط به حقوق بشر نباید با سیاست آغشته شود و از حاضران می خواستند از سیاسی کردن مباحث اجتناب کنند. وقتی در گزارش مربوط به ایران اشاره شد که دولت جمهوری اسلامی ناقض حقوق بشر در ایران است یکی از شرکت کنندگان اعتراض کرد که چرا اسم اسلام در این گزارش آمده است و کاری به مذهب نداشته باشید.

مذهب و حقوق بشر

فرهاد بشارت در پاسخ به این اظهارات سخنرانی کوتاهی کرد و در بخشی از آن گفت: «.... عده ای از ما اساساً مخالف مذهب هستیم. اما تا آنجا که به این کنفرانس برمیگردد مادام که مذهب امر خصوصی افراد باشد، در خانه و مسجد مراسم مذهبی انجام گیرد و کسی از آن لطمه نبیند، می شود به مذهب نپرداخت. واقعیت در خاورمیانه

در روزهای ۱۹، ۲۰ و ۲۱ ماه مه یک کنفرانس بین المللی در مورد حقوق بشر و سازمانهای حقوق بشر در خاورمیانه در شهر استکهلم، پایتخت سوئد، برگزار شد. این کنفرانس به دعوت نهاد موسوم به «ابتکار برای صلح و همکاری در خاورمیانه»، که در آمریکا مستقر است، برگزار گردید. مسئولین سازمانهای مختلف حقوق بشر از ترکیه، مناطق اشغالی فلسطین، اسرائیل، لبنان، اردن، سوریه و ایران در این کنفرانس شرکت داشتند و هیات اعزامی از مصر اجازه سفر به این کنفرانس را نتوانسته بود از دولت آن کشور بگیرد. نمایندگان سازمانهای عفو بین الملل، نگهبان حقوق بشر، کمیته وکلا برای حقوق بشر از دیگر شرکت کنندگان در کنفرانس بودند. برگزار کنندگان کنفرانس بخاطر وجود اختناق کامل در ایران و سوریه تصمیم گرفته بودند که از سازمانهای مدافع حقوق بشر مستقر در خارج از این کشورها نماینده دعوت کنند. از ایران فرهاد بشارت به نمایندگی از فدراسیون و آقای عبدالکریم لاهیجی به نمایندگی از جامعه حقوق بشر به کنفرانس دعوت شده بودند. بهرام رحمانی عضو دیگر هیات اعزامی فدراسیون به این کنفرانس بود.

برخی مسائل مطروحه در کنفرانس

وضعیت حقوق بشر در کشورهای منطقه، چگونگی دفاع از حقوق بشر و سازمانهای مدافع حقوق بشر در این کشورها، تکنیک و ابزار آموزش حقوق بشر در منطقه، مبارزه علیه شکنجه و دفاع از قربانیان شکنجه در خاورمیانه، حقوق بشر در مناطق اشغالی فلسطین و مسئله مالکیت اورشلیم و زمینهای که دولت اسرائیل از فلسطینیها مصادره کرده است، موضوعات مربوط به صلح اسرائیل و فلسطین و کشورهای عربی، مناطق اشغالی در جنوب لبنان از جمله مباحث این کنفرانس بودند. در روزهای دوم و سوم کنفرانس گروههای کار برای بحث و ارائه راه حل در مورد هر یک از موضوع های فوق تشکیل شد.

نمایندگان فدراسیون در گروه کار مربوط به نحوه آموزش حقوق بشر در خاورمیانه شرکت کردند و طی مباحث خود توضیح دادند که آموزش و رعایت حقوق بشر با نفس وجود رژیم جمهوری اسلامی در ایران تناقض دارد. گزارش نهائی این گروه به کنفرانس به این نکته اشاره داشت و به حاضران در جلسه گفته شد مادام که جمهوری اسلامی در قدرت است رعایت حقوق بشر در ایران ممکن نخواهد بود. کنفرانس تصمیم گرفت که یک نهاد تحت عنوان «مبارزه علیه شکنجه و حمایت از قربانیان شکنجه در خاورمیانه» تأسیس شود و در سال آینده یک سمینار بین المللی

آدرس تماس شوراها و دفاتر فدراسیون

آلمان

شورای کشوری
دبیر: هادی اسماعیلی
شماره فاکس:
شماره تلفن:
(روزهای سه شنبه و پنجشنبه از ۲ الی ۶ بعد از ظهر)
آدرس پستی:
I.F.I.R.
ELFBUCHENSTRASSE 18
34119 KASSEL
حساب بانکی:
IFIR DTL
POSTGIROAMT FRANKFURT AM MAIN
KONTO NR. 61 13 18 - 609
BLZ 500 100 60

شورای کلن
دبیر شورا: زردشت احمدزاده
شماره تلفن:
(روزهای جمعه از ساعت ۱۲ تا ۶)
آدرسهای مراجعه:
MEHRHEIMSTR. 102
50733 KÖLN
آدرس پستی:
POSTFACH 501959
50979 KÖLN

شورای کیسن
دبیر شورا: سعید زمانی
آدرس پستی:
I.F.I.R.
BAHNHOF STR. 38
35390 GIBEN
شورای کاسل
دبیر شورا: امیر سندیان
شماره تلفن و فاکس:
(دوشنبه ها و جمعه ها از ۴ الی ۶ بعد از ظهر)
آدرس پستی:
I.F.R.
MOMBACHER STR. 10-12
34127 KASSEL

دفتر مشاوره حقوقی در دارمشتات
شماره تلفن:
(جمعه ها از ساعت ۱۷ تا ۱۹)
آدرس ملاقات:
SKA
BÜRGERBERATUNG (IRAN ABT.)
FRANKFURTER STR. 10
64293 DARMSTADT
دفتر فدراسیون در برلین
دبیر دفتر: علیرضا هدایت
آدرس پستی:
POSTFACH 1631
14006 BERLIN

دفتر فدراسیون در برمن
دبیر دفتر: حمید حصارپور
آدرس پستی:
POSTFACH 104460
28044 BREMEN
دفتر فدراسیون در مونستر
دبیر دفتر: تادر شریف
آدرس پستی:
IFIR
POSTFACH 3866
48021 MÜNSTER

آمریکا

شورای لوس آنجلس
شماره تلفن و فاکس:
دبیر شورا: محمود احمدی
آدرس پستی:
HAMBASTEGI
P.O. BOX 251272
LOS ANGELES, CA. 90025
دفتر فدراسیون در نیویورک
شماره تلفن:
دبیر دفتر: کیوان جاوید
آدرس پستی:
FEDERATION
c/o CHAIR
G.P.O. P.O. BOX 7051
NEW YORK, NY 10116

شورای دالاس
شماره فاکس:
شماره تلفن:
دبیر شورا: بهرام دوانی
آدرس پستی:
HAMBASTEGI
P.O. BOX 260026
PLANO, TX. 75026-0026

اتریش

دفتر فدراسیون در وین
شماره تلفن:
(بعد از ظهر شنبه ها از ساعت ۴)
آدرس ملاقات:
AMERLINGHAUS
STIFTGASSE 8, 1070 WIEN
آدرس پستی:
POSTFACH 27
1233 WIEN

استرالیا

دفتر فدراسیون در سیدنی
دبیر دفتر: آرسلان ناظرین
آدرس پستی:
P.O. BOX A2 158
SYDNEY SOUTH, NSW 2000
نماینده فدراسیون: ساعد صرامی
آدرس پستی:
NASIM
BM BOX 1919
LONDON WC1N 3XX

بریتانیا

نماینده فدراسیون: ساعد صرامی
آدرس پستی:
NASIM
BM BOX 1919
LONDON WC1N 3XX

دانمارک

شورای کپنهاگ
دبیر شورا: رضا دوستی
آدرس پستی:
DET IRANSKE FLYGTNINGE OG
INVANDRERÅD I DANMARK
POSTBOKS 1234
2300 KØBENHAVN S.

شورای اودنسه
آدرس پستی:
DET IRANSKA FLYGTNING
OG INVANDRE (RÅDET)
POST BOKS 1258
5100 ODENSE C.

سوئد

شورای کشوری
دبیر: سهراب ناطق
شماره فاکس:
شماره تلفن:
(روزهای دوشنبه تا جمعه از ساعت ۱۰ صبح تا ۶ بعد از ظهر)
شماره جیرو پستی:
آدرس پستی:
۰۸-۶۵۹۱۳۲۶
۰۷۰۷-۲۷۴۳۵۷
20 09 74 -4
IFR
BOX 9092
102 72 STOCKHOLM

شورای استکهلم
دبیر: بهزاد یارخدانی
شماره جیرو پستی:
آدرس پستی:
60 38 30 - 1
IFR
BOX 1172
172 24 SUNDBYBERG

شورای مالمو
دبیر: یددی کریمی
شماره تلفن:
شماره جیرو پستی:
آدرس پستی:
۰۴۰-۹۲۳۹۴۴
45 87 365 - 0
IFR
BOX 17563
200 10 MALMÖ

شورای یوتبوری
دبیر: جمیله متین
شماره جیرو پستی:
آدرس پستی:
81 44 73 - 5
IFR
BOX 11090
404 22 GÖTEBORG

شورای لین شوپینگ
دبیر: نشویل حبیب پناه
شماره جیرو پستی:
آدرس پستی:
473 10 57 - 8
I.F.R.
BOX 8001
580 08 LINKÖPING

شورای نینسهام
دبیر: رسول بناوند
آدرس پستی:
I.F.R.
BOX 58
148 00 ÖSMO

دفتر کیمو
دبیر: کورش خسروی
آدرس پستی:
FLYKTINGRÅDET GIMO
BOX 56
740 52 GIMO

دفتر آستورپ
دبیر: جاوید سلامی
شماره جیرو پستی:
آدرس پستی:
66 38 07 - 6
I.F.R.
BOX 165
265 22 ÅSTORP

شورای یوله
دبیر: عبدالله شریفی
آدرس پستی:
I.F.R.
BOX 1087
801 35 GÄVLE

شورای سوندسوال
دبیر: یوسف رسولی
آدرس پستی:
I.F.R. c/o ISASK
BOX 8057
850 08 SUNDSVALL

فرانسه

نماینده فدراسیون: نادر بکتاش
آدرس پستی:
Mr. TARY, P.R.
38 BD. STRASSBOURG
75010 PARIS

فنلاند

شورای کشوری
شماره فاکس:
دبیر: اسماعیل ویسی
آدرس پستی:
۰۱۱-۳۸۰۰۶
E.H.
PL 50, 10300 KARJAA

شورای واسا
دبیر: سعید قادریان
آدرس پستی:
VASSAN PAKOLAINNEUVOSTO
POSTE RESTANTE
653 20 VASSA

شورای اوسیمما
دبیر: حیدر خدروی
آدرس پستی:
IFR c/o H.K.
SPÖMGRAND 2A2
103 20 KARIS

دفتر فدراسیون در یواسکولا
دبیر: حسن زکی
شماره فاکس:
شماره تلفن:
آدرس پستی:
۹۴۱-۵۲۹۰۰۲
IFR c/o KESKI
SUOMEN TYÖTÖMIEN YHDISTYS RY
SCHAUMANINKATU 1
40100 JYVÄSKYLÄ

دفتر فدراسیون در همنلینا
دبیر: آقیال کاکه برایی
آدرس پستی:
K-EGHBAL
KATUMANTIE 8 A 17
13250 HAAMEENLINNA

کانادا

شورای کشوری
دبیر: موسی یوسفی
شماره تلفن:
۴۱۶-۴۹۱۰۲۸۱

دفتر فدراسیون در ونکوور
دبیر دفتر: صابر آزاد
شماره تلفن:
شماره فاکس:
آدرس پستی:
۶۰۴-۹۸۸۱۹۸۰
۶۰۴-۹۸۰۷۹۱۶
P.O. BOX 54021
NORTH VANCOUVER
BC V7M 3L5

شورای لندن
دبیر: فریدون البرز
شماره تلفن:
(روزهای دوشنبه، چهارشنبه و جمعه)
آدرس پستی:
۵۱۹-۶۸۱۳۶۲۶
P.O. BOX 24003
LONDON, ONTARIO
N6H 5C4

شورای تورنتو
دبیر: شهرام صنیعی
شماره تلفن:
(روزهای دوشنبه تا جمعه از ساعت ۱۰ صبح تا ۴ بعد از ظهر)
شماره فاکس:
آدرس پستی:
۴۱۶-۵۰۴۵۳۷۹
۴۱۶-۵۰۴۵۳۷۸
HAMBASTEGI
P.O. BOX 193, STN. Q
TORONTO ONT. M4T 2M1

دفتر فدراسیون در اوتاوا
دبیر دفتر: داود آرام
شماره تلفن:
شماره فاکس:
آدرس پستی:
۶۱۳-۲۳۲۹۱۳۴ EXT ۴۴۸
۶۱۳-۲۳۳۳۱۶۰
NEW COMER CENTRE
218 ARGYLE ST. ROOM B6
OTTAWA
P.O. BOX 67
STATION B
OTTAWA ONT. K1P 6C3

دفتر فدراسیون در کالگری
دبیر دفتر: صفار ساعد
شماره فاکس:
آدرس پستی:
۴۰۳-۲۶۶۲۱۸۱
P.O. BOX 2941
CALGARY, ALBERTA
T2P 3C3

نروژ

شورای کشوری
دبیر: سیامک شعاعی
شماره تلفن:
شماره فاکس:
آدرس پستی:
۰۵۵-۳۱۱۸۹۵
۰۵۵-۳۲۰۰۱۴
I.F.R.
c/o DET FELLES INNVAERERÅD
P.O. BOX 172
5001 BERGEN

شورای برگن
دبیر: علی شریفی
شماره تلفن:
شماره فاکس:
آدرس پستی:
۰۵۵-۳۱۱۸۹۵
۰۵۵-۳۲۰۰۱۴
I.F.R.
POSTBOKS 1266
5001 BERGEN

شورای اوسلو
دبیر: محمد امینی
آدرس پستی:
I.F.R.
P.O. BOX 28
VINDEREN, 0319 OSLO 3

دفتر فدراسیون در استاونگر
دبیر: بهروز ناصری
آدرس پستی:
I.F.R. (B. YOUSEFI)
INTERNATIONAL KULTURSENTER
SANDVIGÅ 27
4007 STAVANGER

دفتر فدراسیون در هارشتاد
دبیر: بهروز ناصری
آدرس پستی:
I.F.R.
POSTBOKS 2007
9405 KANEBØGEN-HARSTAD

هلند

شورای کشوری
دبیر: بهمن خانی
آدرس پستی:
R.I.V.M.I.N.
POSTBUS 1855
5602 CB EINDHOVEN

آدرس مراجعه:
(روزهای چهارشنبه بین ساعات ۲ تا ۵ بعد از ظهر)
شماره فاکس:
شماره تلفن:
آدرس پستی در روتردام:
BAYAN
POSTBUS 19165
3001 BD ROTTERDAM

آدرس مراجعه:
V.W.R.
WEENA 745
3013 AL ROTTERDAM
(روزهای جمعه بین ساعات ۱۲ تا ۱۴)
شماره تلفن:
شماره فاکس:
۰۱۰-۲۳۳۰۰۹۹
۰۱۰-۴۳۳۰۳۰۲

توسط شورای فدراسیون، اتحاد فعالین جنبش شورائی، پویندگان اتحاد برای آزادی، سازمان انقلابی کارگران ایران (راه کارگر)، و شورای پناهندگان و مهاجرین عراقی با حضور ۳۰ نفر در مقابل دفتر مرکزی کمیساریای عالی امور پناهندگی سازمان ملل در اسکانندیناوی برگزار شد. هیات نمایندگی تظاهرکنندگان در روز ۳ ماه مه با مسئول بخش اسکانندیناوی این ارگان ملاقات و در مورد وضعیت پناهجویان ایرانی در ترکیه و عراق با وی گفتگو کرد. مصاحبه مطبوعاتی این هیات با رادیوهای محلی در استکهلم نیز پخش گردید.

در شهرهای یوتبوری و مالمو در روز ۲۱ آوریل آکسیون اعتراضی انجام شد. در شهر یوله قطعنامه اعتراضی واحد فدراسیون توسط اتحادیه متال، حزب چپ، و سندیکالیست ها مورد تأیید قرار گرفته و امضاء شد. در شهر استورپ، دفتر فدراسیون با برگزاری یک جلسه توضیحی به جمع آوری امضای حمایتی از پناهجویان ایرانی در ترکیه و عراق پرداخت.

کانادا

بیانیه فدراسیون برای بیش از ۲۵۰ اتحادیه کارگری و سازمان های مدافع حقوق انسانی و پناهندگی در کانادا ارسال شد. و در تاریخ ۲۸ آوریل در دو شهر تورنتو و اتاوا تجمع اعتراضی در مقابل دفتر کمیساریای عالی امور پناهندگی سازمان ملل صورت گرفت.

در تورنتو هیات نمایندگی فدراسیون مرکب از موسی یوسفی و محسن الوند، دبیر و منشی واحد فدراسیون در کانادا، با مسئول کمیساریای عالی امور پناهندگی سازمان ملل ملاقات کرده و ضمن تسلیم نامه اعتراضی فدراسیون، وضعیت پناهجویان ایرانی در ترکیه و عراق را توضیح داده و خواستار رسیدگی سریع به پرونده های آنان شدند.

در شهر اتاوا نیز دهها نفر در تجمع اعتراضی شرکت کردند و نامه اعتراضی فدراسیون به مسئول سازمان ملل در این شهر داده شد.

آلمان

به فراخوان واحد فدراسیون در آلمان و همکاری شوراهای کلن و کاسل، بیش از ۵۰ تن در شهر بن در مقابل دفتر نمایندگی کمیساریای عالی امور پناهندگی سازمان ملل اجتماع کردند.

هیات نمایندگی فدراسیون، هادی اسماعیلی و لیدا روشن و زردشت احمدزاده، همزمان با برگزاری این اجتماع اعتراضی با مسئولین سازمان ملل ملاقات کرده و به مدت بیش از دو ساعت در مورد وضعیت پناهجویان ایرانی در عراق و ترکیه، اقدامات دولت ترکیه برای بازگرداندن پناهجویان، رشوه خواری در شعبه سازمان ملل در عراق، خطرات جانی ناشی از معاملات کثیف دولت های ایران و ترکیه و عراق برای پناهجویان ایرانی و عراقی، و سیاست ها و مطالبات فدراسیون صحبت کردند.

مسئولین فدراسیون در این مذاکرات به مسئولین سازمان ملل گفتند که این سازمان باید به دولت ترکیه

فشار بیاورد و از طریق مجامع بین المللی و پارلمان اروپا این دولت را مجبور کند دست از اخراج و اذیت پناهجویان بردارد و شورای پناهندگان ایرانی در ترکیه را برسمیت بشناسد و از تعقیب مسئولان آن دست بکشد. در این مذاکرات خواسته شد که به رشوه خواری و فساد در دفتر سازمان ملل در عراق خاتمه بدهند، کمیته همبستگی پناهندگان ایرانی را به رسمیت بشناسند و سیصد پناهجویی را که فدراسیون لیست اسامی شان را در اختیار سازمان ملل قرار داده است بعنوان پناهنده قبول کنند. در مورد امنیت پناهندگان در عراق گفته شد که کله شقی سازمان ملل در عدم مذاکره با رژیم بعث عراق در رابطه با معادلات بین المللی اصلا برای فدراسیون قابل قبول نیست، چرا که سازمان ملل با رژیم جنایتکار دیگری، یعنی جمهوری اسلامی، در رابطه با پناهندگان مذاکره و ارتباط دارد.

مسئولین سازمان ملل در پایان این ملاقات قول دادند که برای رسیدگی به وضعیت پناهجویان در ترکیه و عراق تلاش کنند. آقای بیر ویرت، مسئول حقوقی سازمان ملل در آلمان، در جمع تظاهرکنندگان حضور یافت و به مدت نیم ساعت خلاصه ای از مذاکرات با هیات نمایندگی فدراسیون را شرح داد. وی در صحبت های خود رسماً از تظاهرکنندگان به خاطر این که در مقابل دوربین تلویزیون کانال آزاد دورتموند، که مشغول فیلم برداری از تظاهرات بود، نمی تواند قول های خود را به صورت علنی با جمعیت درمیان بگذارد معذرت خواهی کرد.

عراق

کمیته همبستگی پناهندگان ایرانی در کمپ الطاش عراق یک طومار حاوی مطالبات پناهجویان با امضای بیش از ۱۵۰ پناهجو تهیه کرده و آنرا به نمایندگان سازمان ملل تحویل دادند. اما مسئولین سازمان ملل به سیاست بایکوت خودشان ادامه داده و از مذاکره مستقیم با مسئولین این کمیته سر باز زدند.

فروگیر

واحد های فدراسیون در ترکیه از مدتها پیش یک کارزار تبلیغی و افشاگرانه مطبوعاتی و سیاسی وسیع را در مورد حرکت اعتراضی ۲۱ آوریل راه انداخته بودند. مقالات بسیاری در مطبوعات ترکیه راجع به آزار و اخراج پناهجویان از این کشور چاپ شد. مسئولین شورای پناهندگان ایرانی در ترکیه با اغلب احزاب پارلمانی ترکیه و همچنین احزاب چپ و مترقی دیدار و مذاکره داشته و اعتراض و خواسته های خود را به اطلاع آنان رساندند.

برای روز ۲۱ آوریل طوماری حاوی خواسته های حرکت اعتراضی سراسری به امضای بیش از سیصد پناهنده ایرانی در ترکیه تهیه شده و در دیدار حضوری به مسئول کمیساریای عالی سازمان ملل برای پناهندگان در ترکیه تحویل داده شد. در مذاکره فرشاد حسینی، دبیر شورای پناهندگان ایرانی در ترکیه، با باری ریگی و همکارانش مسئولین این سازمان با بی قیدی منکر هر گونه مسئولیت خود در قبال پناهجویان در ترکیه شده، و به بهانه اینکه دولت ترکیه تصمیم گرفته است رسیدگی به پرونده های پناهندگان را خود انجام دهد این رفتار خود را توجیه می کردند.

آنها به فرشاد حسینی در مورد افشاجری های بین المللی فدراسیون از این سازمان شکایت کردند و گفتند که شما گزارش درست به دبیرخانه فدراسیون نمی دهید. گویا یک نامه اعتراضی جعفر رسا، منشی فدراسیون، به این آقایان خیلی گران آمده است.

نتایج حرکت اعتراضی

نتایج این حرکات معمولاً بعد از مدتی آشکار می شود. اخیراً خبر یافتیم که مسئولین سازمان ملل در ترکیه خواستار یک جلسه رسمی با مسئولین فدراسیون در ترکیه شده اند. همینطور اطلاع یافتیم که دولت ترکیه پذیرفته است به پناهجویانی که حکم اخراج می گیرند یک مهلت ۱۵ روزه برای خروج از این کشور بدهد. چند پناهجو که بمنظور اخراج به ایران به مناطق مرزی انتقال داده شده بودند دوباره به محل های سکونت سابقشان بازگردانده شده و صحبت تجدید نظر در پرونده های آنان مطرح است. طبقاً این عقب نشینی های سازمان ملل و دولت ترکیه حاصل فشار و افشاجری بین المللی است که این فدراسیون و سایر جریان های ایرانی و غیر ایرانی از اقدامات آنان به عمل آورده اند. در اینجا به همه واحدهای فدراسیون و همچنین سایر سازمانها و نهادهایی که در حرکت اعتراضی ۲۱ آوریل شرکت داشتند تبریک می گوئیم.

اما در عین حال لازم است خاطر نشان کنیم که حفظ هوشیاری، ادامه افشاجری ها، افزایش پشتیبانی مالی و سیاسی از پناهجویان در کشورهایی مثل ترکیه و عراق و شوراهای آنان، شرط لازم تثبیت این عقب نشینی های دولت ترکیه و سازمان ملل و ادامه دفاع از حقوق و امنیت پناهجویان در این کشورهاست.

کودکان و قتل

بقیه از صفحه ۷

و محتویات آرشپو پر تحرک و غالباً ناخود آگاهمان را به راحتی به اطرفیان و نزدیکان و بخصوص به فرزندانمان منتقل می کنیم. شاید نه بطور آشکار، که به گونه ای مضاعف تحت جریان تخریبی تحقیر یافتگی اجتماعی ما و بدآموزی های رسانه های گروهی قرار می گیرند. تحقیر یافتگی های ما که ناشی از نظام طبقاتی و روابط درون چنین نظامی است به گونه ای سیستماتیک مولد سرخوردگی و ناکامی است، و به گونه ای پیش رونده به هر چه بیمار شدن روابط انسان های درون چنین سیستمی کمک می نماید. بدین ترتیب خرد کردن تلویزیون و نرفتن به سینما تفاوت عظیمی در شکل گیری خشونت فیزیکی و مشخصاً قتل ایجاد نمی کند. تماشاگر این فیلمها به روندهای متفاوت نمایش خشونت کمک خواهد کرد. پرتاب کردن از طبقه ۱۴ یک ساختمان بلند در شیکاگو، کوبیدن لگد به شکم کودکی دیگر، کوبیدن سر یک کودک دو ساله به زمین، شلیک گلوله به دخترک هم بازی، همه و همه روندهای متفاوت نمایش خشونتند اند که ریشه آن درون روابط اجتماعی - اقتصادی بیماری قرار دارد که بزرگترها در آن دست و پا می زنند و خردسالان در زیر دست و پا زدن آنها له می شوند.

آمریکائی، با شرایط سخت کار ارزان قیمت پناهنده و مهاجر در این جامعه خو می‌گیرند. در بخشی از جزوه به "بهداشت فردی" می‌رسیم. اگر بهداشت فردی با تمیزی و بوی خوش تناعی می‌شود، برعکس این بخش جزوه به خاطر اراجیفی که سر هم می‌کند و توهین زندهای که در لابلای سطور آن به حرمت انسانی پناهنده و مهاجر می‌شود، مشحون از کثافت و گندیدگی است: "بهرتر است راههای آمریکائی بهداشت و نظافت را یاد بگیرید... آمریکائی‌ها حساسیت زیادی نسبت به بوی بدن دارند، بهتر است هر روز حمام کنید، لباس تمیز بپوشید، و موی سر و لباس‌های خود را مرتب بشوید." می‌بینید، گونی شستشوی لباس و نظافت بدن هم در آمریکا کشف شده و خاص زندگی "آمریکائی" است. جزوه به طور عجیبی اصرار دارد که با بوی گند خود همه را آزار دهد: "آمریکائی‌ها برای از بین بردن بوی طبیعی بدن از محصولات مختلفی استفاده می‌کنند... آمریکائی‌ها در مورد امراضی که از طریق تماس‌های جنسی منتقل می‌شوند، نگران هستند... آمریکائی‌ها دوست ندارند بینند مردم در خیابانها آب دهان روی زمین می‌اندازند..." نویسنده‌گان راسیست و متعفن جزوه دست از سر آمریکائی‌ها و ما بر نمی‌دارند و حتی توصیه می‌کنند که ما در خیابانها نشاشیم: "برای این کار بهتر است از توالت‌های عمومی استفاده کنید." سراسر جزوه قرار است که "آمریکائی‌ها" را از جنس و تبار دیگری نشان بدهد. به همین خاطر است که همه چیزهای خوب و تمیز را با آنها قیاس می‌کند، و اما در مورد هر چیز بد و زشت از واژه موهوم "غریبه‌ها" استفاده می‌کند. "غریبه‌ها اگر بدانند شما پول زیادی با خود دارید، ممکن است به فکر سرقت آن بیفتند... غریبه‌ها ممکن است بخواهند راههای سریع پولدار شدن را به شما یاد بدهند... غریبه‌ها ممکن است از شما بخواهند کاری را برایشان انجام بدهید و در مقابل آن به شما هدیه ای بدهند..."

جزوه در این بخش می‌خواهد پناهنده و مهاجر را از انجام کارهای خلاف و خطرناک منع کند، اما برای این کار دیگر "آمریکائی‌ها" مورد قیاس قرار نمی‌گیرند، "غریبه‌ها" از زمین سر در می‌آورند. "غریبه‌هایی" که صد البته از نظر نویسندگان جزوه از جنس و تبار "آمریکائی" نیستند. مگر کسی شنیده است که در جامعه طبقاتی آمریکا، یک "آمریکائی" هم پیدا شود که دست به دزدی و قاچاق و قتل بزند؟ این جزوه تنها یک چیز را به وضوح تمام به انسان تازه وارد به جامعه آمریکا نشان می‌دهد: کثافت و تعفن ناسیونالیسم آمریکائی. همان ناسیونالیسم عظمت طلبانه که نمایندگان صریح و شناخته شده‌ای همچون ریگان و بوش را در کاخ سفید آمریکا هم داشت. همان ناسیونالیسم زورگوئی که نقش کلانتر جهان بشری را بنام خود سکه زده است، و هر چیز این جهان را مال خود می‌داند حتی توالت عمومی و نشاشین در خیابان را.

اسارت و شکنجه بستگان بهرام رحمانی

سه ماه قبل پدر و دو تن از برادران بهرام رحمانی (رحیملو)، همکار نزدیک فدراسیون سراسری شوراهای پناهندگان و مهاجرین ایرانی، توسط ماموران امنیتی جمهوری اسلامی ایران دستگیر شدند. از آن زمان تاکنون دو برادر بهرام رحمانی که در اثر شکنجه بستری شده بودند از بیمارستان مرخصی شده‌اند ولی هیچ اطلاعی درباره وضعیت پدر ایشان در دست نیست. علاوه بر پدر و دو برادر بهرام رحمانی، ماموران امنیتی جمهوری اسلامی حتی اقوام و خویشاوندان دور او را بازجویی و تهدید کرده‌اند تا بدینطریق او را مجبور کنند از فعالیتهای سیاسی خود بر علیه این رژیم دست بکشند. بهرام رحمانی فعال حزب کمونیست کارگری ایران و یکی از اعضای مؤسس فدراسیون سراسری شوراهای پناهندگان و مهاجرین ایرانی است. او مولف، چند کتاب و مقالات متعدد درباره وضعیت سیاسی ایران، موقعیت فرودست زن در ایران و اقدامات تروریستی جمهوری اسلامی ایران در خارج کشور است. بهرام رحمانی تاکنون در مراسم و برنامه‌های مختلفی در افشاگری از ماهیت سرکوبگرانه و ضدانسانی جمهوری اسلامی ایران سخن گفته است. واضح است که هیچ مقدار تهدید و فشار رژیم اسلامی ایران نمی‌تواند در آزاده و عزم این مبارز سوسیالیست و در مبارزه او بر علیه رژیم جنایتکار اسلامی ایران خللی وارد کند. اما مسئولیت راهی که بهرام رحمانی در زندگی خویش اختیار کرده است بعهده خود او و نه والدین و اقوام وی است. رژیم جمهوری اسلامی با تلاش مذبحخانه خود سعی دارد که به تلافی مبارزه بهرام رحمانی، نزدیکان و وابستگان او را آزار و اذیت کند. این رفتار جمهوری اسلامی بار دیگر نشان میدهد که تا چه اندازه جان و حرمت شهروند عادی در ایران فاقد هر گونه امنیت و مصونیتی است. فدراسیون سراسری شوراهای پناهندگان و مهاجرین ایرانی همه نهادها، شخصیت‌های انساننوست و اتحادیه‌های کارگری را، فرا می‌خواند تا ضمن محکوم کردن هر چه شدید تعرض مقامات جمهوری اسلامی ایران به وابستگان بهرام رحمانی، خواهان آزاد شدن سریع و بی‌قید و شرط پدر او شوند.

بعلاوه باید بیاد داشت که مورد خانواده بهرام رحمانی صرفاً یک واقعه در خود نیست. طی چند سال اخیر دبیرخانه فدراسیون بارها از تعرضات مشابه جمهوری اسلامی ایران بر علیه وابستگان فعالین سیاسی دیگری مطلع شده است. فشاری که به خانواده بهرام رحمانی وارد شده است تنها یک نمونه از این حرکت گسترده جمهوری اسلامی بر علیه فعالین سیاسی و خانواده‌های آنها است. در مقابل این حرکت سرکوبگرانه و ضد انسانی جمهوری اسلامی ما همه نهادها، سازمانها و شخصیت‌های ذی‌علاقه را فرا می‌خوانیم در یک کارزار جهانی افشاگرانه بر علیه جمهوری اسلامی ایران و این سیاست ارباب و ترور آن شرکت کرده و از قربانی شدن افراد بیگناه بیشتری توسط این رژیم جلوگیری کنند. فدراسیون سراسری شوراهای پناهندگان و مهاجرین ایرانی

اعتصاب قهرمانانه رانندگان اتوبوس در دانمارک

کلیه شهرهای دانمارک از جمله کپنهاگ، ادنسه، آرهوس و ... قرار گرفت. در تمامی مدت اعتصاب در این شهرها، کمیته اعتصاب با اتکاء به مجمع عمومی کارگران که بیش از سیصد تن بودند این حرکت را رهبری می‌کرد. مجدداً در ۲۰ آوریل یک اعتصاب عمومی دیگر فراخوان داده شد که حدود ۲۵۰ هزار نفر به اعتصاب همبستگی عمومی پیوستند. در اول ژوئیه نیز یک جشن همبستگی وسیع برگزار گردید که بسیاری از نمایندگان اتحادیه‌ها، احزاب مترقی و کمونیست در آن حضور پیدا کردند. در همبستگی با رانندگان اعتصابی شرکت Re-Bus، دبیر فدراسیون پیامی فرستاد. در این پیام آمده است:

"... حرکت مصمم و تلافی‌جویانه شما در مقابل صف کارفرمایان و کل سیاست سازشکارانه حاکم بر اتحادیه‌ها ... خون تازه‌ای به رگ‌های جنبش کارگری وارد کرده است. ما از صمیم قلب به شما و همه کارگران مبارز تبریک می‌گوییم. رجوع به سنت شورائی اتکاء به مجمع عمومی، وسعت بخشیدن به همبستگی کارگری بین‌المللی و چشم دوختن به قدرت و نیروی طبقه خود یکی از بزرگترین و درخشانترین دستاوردهایی است که بار دیگر نصیب جنبش کارگری کرده‌اند. ما خود را ... در کنار شما می‌بینیم و این هم سرنوشتی را با صدای بلند به اتفاق همه اعضا، و دوستدارانمان در سراسر دنیا اعلام می‌کنیم."

اعتصاب رانندگان شرکت اتوبوسرانی Re-Bus در شهر اسپیر دانمارک از دوازدهم ماه فوریه آغاز شد. شهرداری اسپیر، سرویس اتوبوسرانی این شهر را به یک شرکت خصوصی به نام Re-Bus فروخت. بعد از این قرارداد، شرکت جدید در اولین اقدام ضد کارگزاران، مجموعاً بین ۳۵ تا ۵۰ هزار کرون از دریافتی‌های سالانه کارگران را قطع کرد؛ زمان استراحت بین کار رانندگان را کاهش داد؛ بعضاً رانندگانی را که بعلت بیماری مرخصی می‌گرفتند اخراج کرد؛ اجازه فعالیت اتحادیه‌ای را در ساعات کار ملغی کرد؛ و انعطاف‌پذیری ساعات کار را به نفع شرکت تغییر داد.

متعاقب این اقدامات، ۸۲ تن از رانندگان اتوبوس با ایجاد یک کمیته اعتصاب دست به اعتصاب زدند و خواستار پایان بخشیدن به قرارداد جدید شدند. در اولین اقدام این کارگران در مقابل شرکت Re-Bus یک پیکت برپا کردند که از ۱۲ فوریه تا به امروز همچنان پایرجاست و در مقابل یورشهای هرروزه پلیس مقاومت می‌کند. شرکت اتوبوسرانی همه کارگران را اخراجی اعلام کرده و دست به استخدام اعتصاب شکن زده است که تا بحال موفقیت چندانی نداشته است. در ۶ آوریل بدعوت اجلاس عمومی کمیته اعتصاب، یک اعتصاب سراسری برای همبستگی با کارگران Re-Bus فراخوان داده شد که مورد حمایت قاطع کارگران در

کنفرانس اسلام در اروپا

از شاهکارهای دمکراسی پارلمانی سوئد

مصطفی رشیدی

حداقل تاریخ صد ساله اخیر دنیای بشری تاکید انکار ناپذیر و خصوصا در دل همین اروپا بر توحش و بی حقوقی نهفته در دل حکومت‌های مذهبی گذاشته است. انکار پانزده سال نسل کشی و وحشیگری حکومت اسلامی در ایران، بی حقوقی مطلق زنان در کشورهای رنگارنگ اسلامزده آسیا و افریقا و تازگی در اروپا، قطع دست و اندام مردم در عربستان همه اینها در امتداد همان تاریخ از بشریت، انکار همه اینها پیامی برای همان شعور انسانی ندارند. در همین رهگذر ناسیونالیسم و نژاد پرستی و تحقیر آشکاری که در طول کنفرانس و حاشیه آن در مطبوعات بود را نمیشود نادیده گرفت. در کنفرانس برای علمای اسلام شناس هورا کشیدند، تحمل و گشاده نظری صاحب نظران اروپائی را تحسین کردند چرا که هر دو صراحتا گفتند که دستمای از مردم جهان همینقدر می‌فهمند و کاری برایش نمی‌شود کرد! اما اشتباه است اگر خاصیت این جهت گیری های سیاسی و مباحثات باصطلاح عقیدتی و فرهنگی را فقط به مردم مسلمان خاورمیانه و افریقا محدود ببینیم. اینها یک نرم تازه تر برای مردم اصیل اروپا و البته مسیحی و برای همه کسانی که در اینطرف دنیا زندگی میکنیم را رقم میزند. مسئله فقط این نیست که همگی بپذیریم توی هر محله ای گنبد و مناره هوا بشود، دختر بچه های معصوم بزور با روسری توی مدرسه بروند، دادگاهها رسما کتک خوردن زن در خانواده های مذهبی را یا دیده اغماض بنگرند و شاید هم صیغه اینور و آنور رسم بشود، بلکه در کنار همه اینها یک نرم دیگر و قالب دیگری از انسان، حرمتش و حقوقش و رابطه انسانها با هم و دولت با آنها جان میگردد، جاری میشود، قابل قبول، هضم و عنوان میشود که صرف وجودش و صرف زنده نبودنش خواهی نخواهی دامن همه را میگردد. به این دلیل این آن نقطه اشتراکی است که صاحب منصبان و سیاستمداران امروز دولتهای اروپائی، دولتها و علمای اسلامی و همپالکی هایشان در کلیساها همگی با هم آنرا جشن میگیرند.

دهنده آن مربوط میشود این کنفرانس تنها به مسائل عقیدتی، دینی و اختلافات فرهنگی مربوط نبود، بلکه اساسا اهداف دیپلماتیک و اقتصادی مهمتری را دنبال میکرد. این کنفرانس زمانی برگزار میشد که اروپای مشترک در عالی ترین سطح خود رابطه سیاسی - دیپلماتیک و همینطور اقتصادی پانزده سال آتی خود با دولتهای منطقه و از جمله ایران را مورد بررسی قرار خواهد داد. در سایه این سیاست گذاری تکلیف مسائل گرهی مهمی از جمله دستجات و فعالیتهای تروریستی منتسب به دولتها، سیل پناهندگان از این کشورها و سیاست پناهنده پذیری آتی در اروپا و موانع رابطه تجاری آزاد با جهان عرب و ایران قرار است که راستای تازه تری پیدا کند. این به این معناست که راه هموارتری برای رابطه سیاسی و اقتصادی با این گونه دولتها جستجو بشود. با بکار گیری اسم رمز "تفاهم و اختلافات قابل قبول فرهنگی"، مسئله بستن راهها به روی پناهجویان این کشورها تسهیل بشود.

اهداف برگزاری این کنفرانس و دستاوردهای آن برای شرکت کنندگان اروپائی و دولتهای اسلامی هر چه که باشد، اما این کنفرانس یک اتفاق چندش آور و یک زنگ خطر تازه برای همه کسانی بود که انسانی می اندیشند و بر ارزش های انسانی در دنیای امروز تاکید دارند. آنچه که در این کنفرانس گذشت و در حاشیه آن توی بوق شد، در واقع کسب احترام برای یکی از زشت ترین و تکان دهنده ترین پدیده های دنیای امروز بود. اینها اسلام را به عقاید کهنه ذهن جمعیت بزرگی از کره زمین تقلیل میدهند تا آنچه که با این صدها میلیون انسان روا میشود را، روا و قابل قبول تداعی کنند. یکبار دیگر تکرار کردند آنچه در ایران و بسیاری کشورهای اسلامزده با مردم روا میشود از تحقیر و فرودستی زن، بی حقوقی کودک، استبداد عربیان و خشن مذهبی، فقر و عقب ماندگی، کهنه پرستی و ارتجاع همگی از "میل آزادانه" خود مردم آنجاست. این واقعیت نه تنها محکوم نیست بلکه باید آنرا با دیده احترام نگرست!

استکهلم در روزهای ۱۵ تا ۱۷ ژوئن شاهد یک تکاپوی تازه در راه کسب حیثیت برای اسلام بود. وزیر امور خارجه سوسیال دمکرات سوئد افتخار میهمانداری یک کنفرانس نسبتا بزرگ با شرکت سیاستمداران درجه یک کشورهای اروپائی، محققین و صاحب منصبان دولت های اسلامی را بعهدہ داشت. در پایان این کنفرانس، از آن بعنوان یک اجتماع بی‌همتا، موفق و پر دستاورد قدردانی شد.

از نظر شرکت کنندگان و برگزار کنندگان، موفقیت این کنفرانس در آن نهفته بود که راه را برای "تفاهم و همفکری" و رفع سو تفاهات گذشته هموار ساخت. به عبارت ساده‌تر اینکه دولتها و مردم اروپائی به عقاید و عمکرد اسلامی با دیده مثبت بنگرند، آنرا بعنوان "تفاوت‌های فرهنگی" در کشورهای اسلام زده مربوطه و همینطور در مورد ده میلیون مسلمان ساکن اروپا (البته این آمار دولتها است و مطابق آن من و شما هم مسلمان هستیم!) بپذیرند، و به آنها احترام بگذارند. وقتی روزنامه پرتیراژ داگنز نی‌هتر در سر مقاله خود از نظر مثبت افکار عمومی سوئد برای آزادی پوشش حجاب در محل های آموزشی و کار مینویسد، مفهوم عملی تری از این "تفاهم" را بدست میدهد. در سطح دیپلماتیک و عمومی تر هم یکی از محورهای بحث حول بنیادگرایی (فاندامنتالیسم) بود. چند اسلام شناس مشهور رشته سخن را بدست داشتند که باید در مصرف این کلمه، که بلافاصله مرز را تروریسم مخدوش میکند، احتیاط بخرج داد. صرف اعتقاد پایه ای و بنیادی به اسلام نه تنها منتفی نیست بلکه باید آنرا با دیده احترام نگرست. حساب تروریست ها از این ها جداست!

وقتی محمد جواد لاریجانی نماینده ایران و سایر نمایندگان دولتهای اسلامی با خشنودی و لبخند کنفرانس را ترک میکردند، صد البته در رضایت خاطر خود محق بودند. آنچه را که سالها برایش شکم دریده بودند، اینبار از جانب صاحب خانه دو دستی تقدیم حضور آنها میشد. اما تا آنجا که به "اروپای متحد" و دول تشکیل

دمکراسی پارلمانی در دفاع از حکومت مذهبی

سپاوش دانشور

پروسه انباشت سرمایه ایجاد نکند، ندارد. بلکه با افراطیگری و فاندمانتالیسم و خط و نشان کشیدن دولت ایران در منطقه و سازماندهی تروریسم و باجگیری از غرب مخالف است. آنچه شکست خورده است نه تلاش و رابطه صمیمانه غرب با جمهوری اسلامی و زیر بغل گرفتن آن در شانزده سال گذشته، بلکه موفق نشدن جناحهای مختلف بورژوازی ایران برای حل بحران سیاسی و ناتوانی در متحد کردن صفوف بورژوازی بعنوان شرط اولیه و لازم برای تامین ثبات و امر سرمایه گذاری در ایران است.

سیاستمداران غرب از جمله آقای استراند این را مثل اسم خودشان خوب میدانند که در کشورهایی مانند ایران بعنوان یکی از حوزه های مهم انباشت سرمایه، براه بودن کسب و کار و کارکرد سرمایه و کسب سود، در گرو وجود رژیمهای مبتنی بر قهر و ارتجاع عریان پلیسی و استثمار نیروی کار ارزان و تامین شرایط امپریالیستی بر کار و تولید است. مذهبی و غیر مذهبی آن فرق نمیکند و این بمعنی تحمیل و تامین بی حقوقی مطلق بخش اعظم جامعه در بارگاه سرمایه است. منظور سیلور استراند از "برقراری دمکراسی و سرعت بخشیدن به ثبات در منطقه"، حاکمیت بازار و تامین ثبات سرمایه است. همینطور منظور او از بکار بردن لفظ عوامانه "قشریگری و قشریون در سطح عمل میکنند"، این است که عناصر افراطی مشکل شان این است که برخلاف بقیه منویات دراز مدت سرمایه را نمیفهمند.

مسئله بسادگی این است که در دوره گذشته غرب امیدوار بود با عروج رفسنجانی تعدیل های لازم در سیاست خارجی و داخلی متناسب با ضروریات برنامه اقتصادی اش جامه عمل بپوشد. به همین دلیل پرونده های نقض حقوق بشر بایگانی میشد و فشارها و شرط و

←

ایران تحت حاکمیت جنایتکاران جمهوری اسلامی و پیشتر از آن در رژیم شاه، حتی با منطق و اصول لیبرال دمکراسی و سوسیال دمکراتیک آقای استراند و همکارانش در پارلمان سوئد خبر تازه ای در این کشور نیست. قسمت مهمی از کار و فعالیت اپوزیسیون ایران در خارج کشور، حداقل بخش چپ، مدرن و سکولار و غیر مذهبی آن حاکی از افشاگری بر علیه بی حقوقی مطلق کارگران، دستگیری و شکنجه و اعدام فعالین کارگری، بردگی کودکان، آپارتاید جنسی و زن آزاری سیستماتیک و نهادی شده اسلامی، سنگسار و تجاوز قانونی به زنان، فقدان آزادیهای سیاسی و اجتماعی و سرکوب و شکنجه و زندان و کشتار جمعی، دخالت پلیسی مستمر در زندگی خصوصی آحاد جامعه و حاکم کردن جو ارباب و خشونت بر زندگی و کار مردم، تروریسم کور و سازمان یافته، بی تامینی و بی افقی اقتصادی و اجتماعی ای بوده است که دولت جمهوری اسلامی جامعه ایران را در آن فرو برده است.

اگر در این دوره، دولتهای غربی در مقابل انتظار سازمانهای کارگری، چپ و پیشرو و نهادهای انساندوست از آنان مبنی بر اقدام قاطع علیه دولت ایران و دفاع از حقوق برسمیت شناخته شده انسانی سکوت کرده اند و در عوض مشغول گسترش روابط همه جانبه با جمهوری اسلامی بوده اند، باید حکمتش را در منطق سود و سرمایه و اولویت منفعت اقتصادی بر حقوق انسانی و سنجش دومی بر اساس اولی جستجو کرد. آقای استراند و همکارانش حرف دلشان را نمی زنند. اگر حقیقتی در اظهارات آقای استراند مبنی بر شکست سیاست گسترش رابطه با ایران بر اساس کمک به "میان راه" باشد، این است که جهان غرب مخالفتی با وجود عنصر تنوکراسی و مذهب در ساختار دولت و هیئت حاکمه ایران تا آنجا که مخل امنیت سرمایه و سرمایه گذاری نباشد و مانعی بر

یکصد و نود و پنج نفر از نمایندگان پارلمان سوئد طی بیانیه ای ضمن محکوم کردن رژیم جمهوری اسلامی بعنوان ناقض حقوق بشر از شورای ملی مقاومت و رئیس جمهور آن مریم رجوی حمایت کردند. این بیانیه که به ابتکار بنت سیلور استراند، از حزب سوسیال دمکرات و عضو کمیسیون خارجی مجلس، به امضای نمایندگان پارلمان رسیده است خواهان اعمال تحریم و یا محدودیتهای نظامی، اقتصادی و سیاسی و دیپلماتیک علیه رژیم ایران شده است.

سیلور استراند در کنفرانس مطبوعاتی سی و یک مه ضمن اشاره به شکست سیاست غرب در قبال ایران، مبنی بر گسترش رابطه بر اساس تقویت "میان راهها"، اظهار میکند که "به نظر ما حمایت از خواستهای مردم ایران، که امروز در شورای ملی مقاومت و رئیس جمهور برگزیده آن متبلور شده، برقراری دمکراسی در ایران را سرعت بخشیده و به برقراری ثبات در منطقه کمک خواهد کرد." (ایران زمین ۸ ژوئن ۹۵)

همچنین ایشان در مصاحبه رادیویی اول ژوئن به وجود انواع ستم در ایران از جمله ستم بر زنان و شکنجه های جسمی اشاره دارد و پایه های آن را در قشریگری ارزیابی میکند و اعلام می دارد که از آنجا که مجاهدین مخالف شاه و خمینی هستند بنا بر این مخالف قشریگری هستند. (همانجا)

بدنبال اعتراض برخی از نمایندگان پارلمان و همچنین فعالین سیاسی ایرانی در سوئد نسبت به حمایت از مجاهدین، استراند در نامه ای به نمایندگان مینویسد: "ما در بیانیه از دیدگاه و بخش خاصی از اپوزیسیون ایران حمایت نکرده ایم بلکه از جنبش مخالفین ملی مقیم خارج کشور که فعالیت آنها در راستای قطعنامه کمیسیون حقوق بشر سازمان ملل متحد در دوم مارس است، پشتیبانی کرده ایم."

واقعیت این است که نقض حقوق بشر در

از کمیته همبستگی با اعتصاب کارگران RI-BUS حمایت کنید!

پنج ماه از اعتصاب کارگران اتوبوسرانی دانمارک میگذرد. آنچه که این اعتصاب را از دیگر مبارزات کارگری متمایز میکند، قوی بودن عنصر اتحاد و خودآگاهی طبقاتی و همبستگی عمیق کارگری است. این حرکت بدنبال خصوصی کردن RI-BUS و تعرض به سطح معیشت کارگران از جمله کاهش دستمزدها و اخراج ۸۲ نفر از کارکنان شرکت آغاز شد، اما در مدت کوتاهی به بارومتر مبارزه طبقه کارگر دانمارک و ایجاد سد دفاعی کارگران در مقابل بورژوازی تبدیل شد. ایجاد کمیته های همبستگی با اعتصاب در سراسر دانمارک، تشکیل صندوق اعتصاب، مبارزه با سنت اعتصاب شکنی و سازمان دادن باریکاد در محل اعتصاب، مقاومت در مقابل یورش وحشیانه سگ و پلیس، آکسیون های سراسری و شب های همبستگی با اعتصاب، جلوه هایی از روشهای کلاسیک مبارزه کارگران اتوبوسرانی در کشمکش اخیر است. این اعتصاب از حمایت بیش از یکصد و پنجاه هزار نفر از کارگران دانمارک برخوردار است و توانسته است با تکیه به اتحاد و همبستگی کارگری افکار عمومی جامعه را به خود معطوف کند. خبر این مبارزه شورانگیز و همبستگی با آن، در مدت کوتاهی مرزهای دانمارک را پشت سر میگذارد و با موج حمایت کارگران کشورهای اسکاندیناوی و بعضا اروپایی روبرو میشود. این اعتصاب کارگری تا هم اکنون بار دیگر اثبات کرد که مرز، ملیت، نژاد و منافع ملی مقولاتی کاذب و خرافی بیش نیستند و ابزاری است که طبقات حاکمه در مقابل اصالت هویت جهانشمول انسانی و طبقاتی بشریت سازنده علم کرده اند.

در حمایت و دفاع از این مبارزه در سوئد، کمیته همبستگی با اعتصاب کارگران اتوبوسرانی دانمارک تشکیل شده است. از کارهای جالب این کمیته انتشار، پخش و فروش کارتهایی تحت عنوان کمک به صندوق اعتصاب است. فدراسیون شوراهای پناهندگان و مهاجرین ایرانی در سوئد به این کمیته میپیوندند و همراه با فعالین و دست اندرکاران آن برای تقویت اتحاد طبقاتی و پیروزی این مبارزه صمیمانه تلاش خواهد کرد.

اطلاعیه اعلام موجودیت، آدرس و تلفن تماس کمیته همبستگی را در همین صفحه میخوانید.

اطلاعیه اعلام موجودیت کمیته همبستگی

با "اعتصاب کارگران اتوبوسرانی دانمارک" در سوئد

بدینوسیله ما تشکیلات خارج کشور حزب کمونیست کارگری ایران- واحد سوئد و نهاد سوسیالیسم کارگری، تشکیل و آغاز بکار کمیته همبستگی با اعتصاب کارگران اتوبوسرانی دانمارک را اعلام میکنیم. اتوبوسرانان دانمارک در پایان چهارمین ماه اعتصاب خود، همچنان قاطعانه و متحد از مطالباتشان دفاع میکنند. قاطعیت و اتحادی که نه تنها شانتاژ بورژواها و ژورنالیسم نوکر، استفاده از اعتصاب شکن و دستگیری و آزار رهبران اعتصاب و اعتصابیون را خنثی کرده است، بلکه در همین دوره جلوه های شکوهمندی از همبستگی کارگری را به نمایش گذاشته است.

کمیته همبستگی در دفاع از اهداف اعتصاب و مطلع کردن افکار عمومی جامعه کارگری و پیشرو از این مبارزه، جلب همبستگی و کمک به صندوق اعتصاب و تقویت همسرنوشتی کارگران تشکیل شده است.

کارگران، آزادخواهان!

به کمیته همبستگی با اعتصاب کارگران اتوبوسرانی بیونید و از کارگران اعتصابی حمایت کنید. با افشگری از وحشیگری دولت و پلیس دانمارک در دستگیری و ضرب و شتم اعتصابیون و سکوت مطبوعات، به کارگران اعتصابی کمک کنید.

ما کارگران نیروی جز تشکل و اتحاد طبقاتی نداریم. همبستگی کارگری را تقویت کنیم! کارگران وطن ندارند!

کمیته همبستگی با اعتصاب کارگران اتوبوسرانی دانمارک- سوئد

I.K.K, BOX 2110, 127 02 SKARH

مه ۹۵

Tel. 0707-274357

FAX. 08-6591326

Kontaktman. Dan Person, Behzad Barkhodaee

شروطهای غرب، از جمله بازی با و حمایت گاه و بیگاه برخی از محافل غربی از فرقه مجاهدین، تلاش داشت به این روند سرعت بخشد. امروز در ادامه همین سیاست، و بنا به منافع استراتژیک تر، فشارها برای بیشترین تغییرات در جمهوری اسلامی بحران زده تر تشدید شده است. در آوردن و روکردن پرونده های نقض حقوق بشر جمهوری اسلامی از آرشیوهای دولتهای غربی به این امر خدمت میکند. از نظر سیاسی یک جریان بی ریشه اجتماعی و مذهبی فالانژ مانند مجاهدین با جمهوری دمکراتیک اسلامیشان، فاقد حداقل پرنسیب ها، و با خصوصیات سیاسی و ایدئولوژیک یک جریان عقب افتاده بورژوازی، مشکل غرب، یعنی تبدیل ایران به جزیره ثبات و بهشت سرمایه داری، را حل نمیکند. رژیم مطلوب بورژوازی ایران بعد از جمهوری اسلامی نمیتواند جمهوری اسلامی دیگر باشد. از طرف دیگر با توجه به شرایط بینالمللی در دنیای بعد از جنگ سرد و ناتوانی غرب برای دخالت و گماردن جریاناتی از قبیل مجاهد، و حتی معقول تر از آنها، مجاهد از این تیپ "حمایتها" طرفی نخواهد بست.

اما و البته آقای استراند و شرکا محق و مخیرند روزی چند بار برای خانواده رجوی پیغام بفرستند و از شورای ملی مقاومتشان حمایت کنند. نیروهائی که چشم به حمایت دولتها برای رسیدن به اهدافشان ندوخته اند، به این مسئله اعتراضی ندارند. ولی و صد البته ایشان حق ندارند "تبلور خواسته های مردم ایران" را شورای ملی مقاومت و رئیس جمهور برگزیده شان بنامند. این نوع اظهار نظر توهین مستقیم به میلیونها نفر مردم در ایران است که غیر مذهبی و مدرن هستند و از هر نوع تداعی شدن با اسلام و مذهب، از حاکم و اپوزیسیون، بیزارند. نه فقط این، بلکه این مردم ایده های ملی و نژادی، نفس تقسیم انسانها و منتسب کردن آنان به ملیتها، وجود طبقات و نابرابری اقتصادی و اجتماعی و زندگی تحت قوانین سرمایه را نتیجه جهل بشر انتهای قرن بیستم میدانند. شصت میلیون جمعیت یک جامعه را با نظام ارزشی و افق و خواست یک فرقه مذهبی عقب مانده، واپسگرا و غیرسکولار معرفی کردن بیش از حد زیاده روی است. میلیونها نفر را، که داغ توهین، شکنجه، زندان و اعدام همزمانشان را با خود حمل میکنند و برای بگور سپردن جمهوری اسلامی لحظه شماری میکنند، به جمهوری اسلامی دیگر و طرفداران آن منتسب کردن بشدت عامیانه و غیر سیاسی است. اگر بنت سیلور استراند و همکارانش به حداقل اصول و عقاید لیبرالی و سوسیال دمکراتیکشان پایبند باشند، برای حفظ ظاهر هم که شده باید رسماً این حرفشان را پس بگیرند و معذرت خواهی کنند.

اطلاعیه در باره تحریم کنسرت کامکارها

فدراسیون کشوری سوئد طی اطلاعیه ای در هفته اول ماه مه با عنوان "مرثیه خوانان خمینی را بایکوت کنید"، با اشاره به بیعت نامه تعدادی از هنرمندان موسیقی سنتی ایرانی با خامنه ای، در سال ۶۸، که بیژن کامکار و هوشنگ کامکار نیز جزء امضا کنندگان آن بودند، خواهان طرد و افشای پاسداران دستاوردهای هنری انقلاب اسلامی شد.

در این اطلاعیه آمده است که آقایان بیژن و هوشنگ کامکار از جمله کسانی بودند که همراه با شجریان و دیگر امضا کنندگان ضمن بیعت با رهبر جدید جمهوری اسلامی ده سرود در سوگ خمینی سرودند و این در حالی بود که بغل گوششان آزادیخواهان را به تیر می بستند و دهان هنرمندان توسط امام قاندشان دوخته میشد. مرثیه خوانان خمینی را در میان مردم آزاده جایی نیست، کنسرت بیژن کامکار و هوشنگ کامکار را بایکوت کنید.

فروشگاه اسباب بازی Toys R'us را بایکوت کنید!

فروشگاه Toys R'us متعلق به یک شرکت چند ملیتی است که بیش از ۸۰۰ فروشگاه زنجیره‌ای در کشورهای مختلف جهان دارد. شعبات این شرکت، چندی پیش در چند شهر سوئد از جمله استکهلم، مالمو و یوتوبوری دایر شد. صاحبان این شرکت با بیش‌رمی تمام، میخواهند دستاوردهای کارگری در این جامعه از جمله حق تشکل را پایمال کنند. در همین راستا برای جلوگیری از اتحاد کارگران و منفرد نگهداشتن‌شان، از انعقاد قرارداد دستجمعی با اتحادیه کارکنان بازرگانی سرباز زده‌اند.

کارکنان فروشگاههای Toys R'us در سوئد، از تاریخ ۹ ماه مه دست به اعتصاب زده‌اند. این اعتصاب هنوز ادامه دارد. اتحادیه کارکنان بازرگانی مردم را فراخوانده است که تا عقب نشینی Toys R'us و پذیرفتن خواست اعتصابیون که بستن قرارداد دستجمعی است، خرید از این فروشگاه را تحریم کنند.

فدراسیون شوراهای پناهندگان و مهاجرین ایرانی-سوئد از خواست اعتصابیون حمایت میکند و همه انسانهای آزاده را فرا میخواند که تا پیروزی اعتصاب، خرید از فروشگاه Toys R'us را تحریم کنند.

فدراسیون شوراهای پناهندگان و مهاجرین ایرانی-سوئد

۲ ژوئن ۹۵

بیاد اقبال مسیح و در دفاع از ممنوعیت عملی کار کودکان

با ارسال کارت زیر به «سازمان جهانی کار» ILO خواهان ممنوعیت عملی کار کودکان در جهان شوید. برای دریافت این کارت میتوانید با فدراسیون در سوئد تماس بگیرید.



اول ماه مه و فعالیتهای فدراسیون در سوئد

مناسبت اول مه، شوراها و واحدهای فدراسیون سوئد با شرکت در جشن ها و مراسم روز جهانی کارگر، سخنرانی و قرائت پیام در آکسیونهای کارگران و پخش اطلاعیه و ماتیال تبلیغی این سنت انترناسیونالیستی کارگری را گرامی داشتند. شورای مرکزی فدراسیون سوئد پیامی به این مناسبت انتشار داد که در آن ضمن تبریک اول مه، به توضیح موقعیت اسارت بار اردوی کار زیر سلطه نظام سرمایه داری و متاثر شدن کل زوایای زندگی انسانی از روابط و مناسبات کالایی میپردازد و همچنین ضرورت برپایی جامعه ای فارغ از هر گونه ستم و استثمار و شایسته انسان را توسط کارگران فراخوان میدهد. این پیام توسط فعالین فدراسیون در شهرهای استکهلم، یوله، هلسینبوری در چهار آکسیون و تجمع اول مه قرائت شد و به میزان قابل توجهی نیز توزیع گردید. مضافا در شهرهای یوله و هلسینبوری، عبدالله شریفی عضو شورای مرکزی فدراسیون سوئد و جاوید سلامی مسئول واحد استورپ در تظاهرات حزب چپ سخنرانی کردند.

شوراهای فدراسیون در شهرهای استکهلم، یوتوبوری و مالمو در مراسمهایی که از طرف تشکیلات حزب کمونیست کارگری ایران و عراق برگزار شده بود شرکت کردند و در شهر یوله، شورای پناهندگان و مهاجرین ایرانی مراسم اول مه را برگزار کرد.

آگهی
چرا گران وقتی ارزاتر هم هست؟! پرچسب حروف الفبای فارسی مخصوص کامپیوتر، با هزینه پست ۳۰ کرون 046(40) 92 39 44
 Träff-Huset, Braggatan 15, 215 84 Malmö

آگهی

«آوای عشق و آزادی» نام مجموعه شعر اخیر سلیمان قاسمیانى بزبان كُردى است. این مجموعه شعر را با واریز کردن ۵۰ کرون به حساب پستی NKLK ۴۶۱۸۳۶۴۰۴ در سوئد میتوانید دریافت کنید. برای دیگر کشورهای اروپائی و آمریکا قیمت کتاب با هزینه پست آن، معادل ۱۰ دلار آمریکا است. مبلغ یاد شده را یا از طریق حواله پستی یا توسط نامه به آدرس زیر ارسال نمایید:
 NKLK / Box 6040 / 424 06 Angered / Sweden

آگهی

آقای مهران رزاقی، دوستان شما در کانادا نگران و جویای احوال شما هستند. لطفا هر چه سریعتر با تلفن: ۸۵۷۷ - ۸۸۳ (۹۵۵) تماس حاصل فرمائید. شعله - تورنتو



موسسه و کتابفروشی فردوسی

سال نو مبارک

از کتابفروشی فردوسی دیدن نموده، تقویم سال نو ویژه فردوسی را رایگان دریافت نمایید.

فردوسی خدمات زیر را ارائه میدهد:

- عرضه همه گونه کتابهای فارسی و کردی چاپ داخل و خارج از ایران
- آلبومان انواع نشریات و روزنامه‌ها و فروش روزانه آنها
- دیسک و نوارهای موسیقی ایرانی و نوارهای کودکان
- پوستر، کارت پستال آبرنگ و مینتاتور
- برنامه‌های فارسی برای کامپیوتر با قیمت‌های فوق‌العاده
- و حراج همیشگی تعدادی از کتابهای فارسی برای دوستداران کتاب.

جهت دریافت کاتالوگ جدید با ما تماس بگیرید.

آدرس:	Drottninggatan 87	ساعات کار:	۰۸-۳۲۳۰۸۰ : تلفن
نیش:	Tegnergatan & Drottninggatan	روزهای عادی ۱۰-۱۸	
نزدیکترین تونل بان:	Rådmanngatan	شنبه‌ها ۱۱-۱۶	فاکس: ۰۸-۳۴۶۶۰
خروجی جهت:	Tegnergatan		

اطلاعیه بنیاد پژوهشی و آموزشی ناری

بنیاد پژوهشی و آموزشی ناری بدینوسیله تاسیس و آغاز فعالیت خود را با هدفهای زیر به آگاهی ایرانیان گرامی می‌رساند:

– انجام و کمک به انجام پژوهشهای علمی و اجتماعی به منظور گسترش تفاهم بین ایرانیان و سوئدیان از جامعه، فرهنگ، و تاریخ یکدیگر؛

– کمک و تشویق جوانان ایرانی در ادامه تحصیلات و شناخت و تقویت استعدادها و خلاقیت‌های آنان؛

– معرفی و کمک به نزدیکی فرهنگ، تاریخ، و دانش جامعه ایرانی و جامعه سوئدی به یکدیگر؛

بدینوسیله از کلیه ایرانیان علاقمند تقاضا دارد نظرات و پیشنهادات و همچنین امکان کمک و همکاری خود را در مورد چگونگی اجرا و تحقق هدفهای فوق به آدرس زیر ارسال دارند.

رئیس هیات مدیره بنیاد – دکتر بیژن دبیریان

ADRESS:

NARI FORSKNINGS OCH UTBILDNINGS STIFTELSE
BORGA GATAN 6-2 TR. - 164 75 KISTA

ویدئو هالونبری



- ویدئو هالونبری اولین و معتبرترین مرکز پخش فیلمهای ایرانی در سراسر اسکاندیناوی میباشد که با بیش از دهسال تجربه و سابقه در خدمت هموطنان گرامی است.
- ویدئو هالونبری با بیش از چندین هزار فیلم سینمایی ایرانی، عربی، هندی، ترکی، سوئدی، فرانسوی، آلمانی و آمریکائی اولین و مجهزترین مرکز پخش، فروش و اجاره انواع فیلمها میباشد.
- ویدئو هالونبری از تمامی شهرها نماینده فعال میباشد.

لطفاً جهت تقاضای عضویت در " ویدئو کلوب هالونبری " با آدرس ذیل تماس حاصل نموده و از تخفیف و مزایای خاص اعضاء استفاده فرمائید.

سوپر مارکت پامیر



- سوپرمارکت پامیر مجموعه است کامل که تمامی نیازمندیهای ارتزاقی شما هموطنان گرامی را پاسخگوست.
- سوپرمارکت پامیر عرضه کننده: گوشت تازه، مرغ تازه، ماهی تازه و دودی، سبزیجات تازه، سبزیجات خشک، انواع شربنیجات، حبوبات، لبنیات، شکلات، خشکبار، گز و سوهان، ادویه، انواع بذر، ترشیجات و انواع میوههای نوبرانه وطنی.
- سوپرمارکت پامیر مرکز فروش وسائل برقی آشپزخانه از قبیل سماور، ماشین آبمیوه گیری، پلوپز، زودپز و ...
- سوپرمارکت پامیر مرکز فروش انواع کتب، مجله و روزنامههای داخلی و خارجی.
- سوپرمارکت پامیر مکان مطمئنی جهت خرید داروهای گیاهی و انواع لوازم بهداشتی و آرایشی میباشد.
- سوپرمارکت پامیر بیکانه و اولین فروشگاههای است که با دو قیمت بر روی اجناس خود یعنی قیمت اعضاء و قیمت عادی، تمامی محصولات خود را به هموطنان گرامی عرضه مینماید.

شیشه و سرامیک پامیر



سوپر مارکت بزرگ پامیر بیکانه عرضه کننده انواع "شیشه و سرامیک پامیر" در تمام اسکاندیناوی. بخش صنایع دستی سوپرمارکت بزرگ پامیر تحت نام "شیشه و سرامیک پامیر" نه تنها عرضه کننده انواع ظروف شیشه‌ای و سرامیک میباشد بلکه عرضه کننده انواع صنایع دستی از قبیل انواع قابهای خانمکاری، سماور قلمکاری، تابلوهای قلمکاری، پارچههای قلمکاری، سوزن دوزی، خامه دوزی و ... و بخصوص عرضه کننده فرشهای نفیس ابریشمی، دستی و ماشینی ایرانی، با نصف قیمت بازار میباشد.

نشانی ما:

ساعات کار همه روزه

تلفن:

سنتروم هالونبری طبقه بالا

از ۹ صبح الی ۹ شب

۰۸/۶۲۸ ۳۶ ۳۶

Hallonbergen Centrum

Box 7110

Tel: (46) 08- 628 36 36

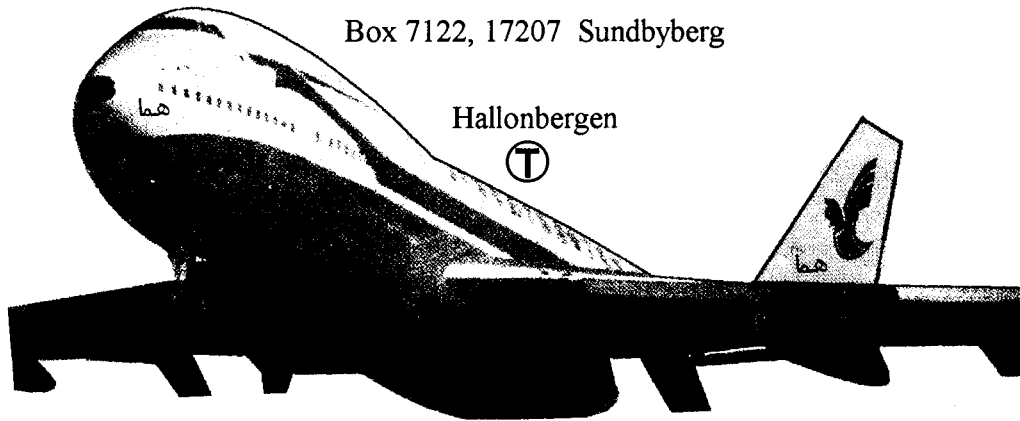
Hallonbergsplan 5-7

172 07 Sundbyberg (Sweden)

Fax: (46) 08- 628 21 20

Håma Travels AB

Box 7122, 17207 Sundbyberg



آژانس مسافرتی هما با مدیریت فیروز مهربانی

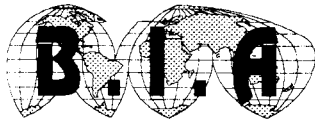
نامی آشنا، معتبر و قابل اعتماد در هالنبرگ سنتروم

جهت خرید و تهیه بلیط‌های مسافرتی از کلیه شرکت‌های معتبر عضو یاتا استفاده کرده و با عضو شدن در آژانس مسافرتی هما در مواقع لزوم می‌توانید از خدماتی که در اختیارتان قرار داده می‌شود استفاده نمائید و همچنین ارسال حواله بلیط به تهران و مسافرت به سایر نقاط جهان را برای شما آسان می‌کند. تبدیل و انتقال سریع ارز به تمام نقاط جهان با مجوز قانونی و با مناسبترین قیمت، فقط با یک تلفن در همان روز انجام می‌گیرد.

شرکت خدماتی فیروز: صرافی و آژانس مسافرتی هما

تلفن سیار ۲۴ ساعته ۰۸-۶۲۸۱۰۳۰

و تلفاکس ۰۸-۶۲۸۱۱۳۰



International Exchange

انتقال سریع ارز به

ایران

و دیگر نقاط جهان با قیمت مناسب
با تریبک سال نو به هموطنان عزیز

۰۳۱ - ۷۰ ۱۷ ۷۶۸



۰۳۱ - ۷۰ ۱۷ ۷۶۹

۰۱۰ - ۶۷۷ ۵۶ ۲۲

آدرس دفتر مرکزی در سوئد:

شماره ۴۰، طبقه پنجم 11 Kvarnbergsgatan

411 07 Göteborg - Sweden

شماره حسابهای بانکی:

Sparbanken 8105 - 9 - 649 35 7845

SE-banken 503 900 2619



آژانس مسافرتی پاسارگاد

نامی آشنا در بین شما ایرانیان عزیز

پاسارگاد با سابقه چندین ساله

با پروازهای استثنائی و با قیمتهای مناسب در خدمت شما هموطنان می‌باشد.

پرواز به ایران و اروپا و دیگر نقاط جهان

ارسال و صدور بلیط از اقصی نقاط جهان

فروش بلیط با اقساط ماهانه

شماره تلفن تماس: ۰۸ - ۱۶ ۹۶ ۰۰

شماره فاکس: ۰۸ - ۱۵ ۵۷ ۳۶

Sveavägen 136

Box 19055

S-104 32 STOCKHOLM

آدرس:

شرکت بین المللی ناری

صرافی - سرمایه گذاری - مشاوره
استکهلم - سوئد

* * *

معاملات ارزی خرید و فروش و اسفقال ارز

در سراسر جهان با بهترین نرخ
بنفع شماست ارز خود را تبدیل نکنید. ما آنرا مطمئن تر. با صرفه تر و فوراً برای شما منتقل می کنیم.
قسمت سرمایه گذاری و معاملات ارزی این شرکت زیر نظر دکتر بیژن دبیریان متخصص پول و بانکداری
آماده راهنمایی و پاسخگویی به مسائل سرمایه گذاری، پولی و ارزی شماست.

پیش از هر گونه اقدام با ما مشورت کنید

تلفن ۰۸ - ۲۵۱۲۰۶۰

تلفن مجانی (خارج از استکهلم) ۲۲ ۱۹ ۴۷ - ۰۲۰

دفتر نمایندگی در مالمو

۰۴۰-۸۲۹۰۸

NARI INTERNATIONAL HB

Foreign Exchange, Investment & Consulting
Borgågatan 6, 2-2 164 75 Kista, Stockholm, Sweden

حرکت سراسری فدراسیون در دفاع از پناهجویان ایرانی در ترکیه و عراق

- تظاهرات ایستاده در مقابل دفاتر سازمان ملل در چندین شهر اروپا، کانادا، آمریکا و استرالیا،
- مذاکره هیات های نمایندگی فدراسیون و تظاهرکنندگان در آمریکا، استرالیا، سوئد، کانادا، آلمان و ترکیه با مسئولین دفتر سازمان ملل،
- ارسال بیانیه های اعتراضی فدراسیون برای صدها اتحادیه کارگری، سازمان سیاسی، و ارگانهای ذیربط بین المللی،
- گزارش حرکت اعتراضی از چندین کانال تلویزیونی و رادیویی در اروپا، آمریکا، و استرالیا و مصاحبه آنان با مسئولین فدراسیون و نمایندگان تظاهر کنندگان.

ایرانی در عراق و ترکیه سازمان داد. همزمان با این آکسیون دبیر شورای فدراسیون در واسا نیز به دفتر کمیساریای عالی امور پناهندگی سازمان ملل مراجعه و نامه اعتراضی فدراسیون را به مسئولین این دفتر تسلیم نمود. گزارش این آکسیون، مطالبات آن، و عکس تظاهر کنندگان در روزنامه Vasabladet روز ۲۸ آوریل به چاپ رسید.

استرالیا

جمعه ۲۱ آوریل دفاتر فدراسیون سراسری شوراهای پناهندگان و مهاجرین ایرانی و عراقی آکسیون اعتراضی خود را با حضور حدود ۵۰ تن در مقابل دفتر سازمان ملل در سیدنی برگزار کردند. خبر و مطالبات آکسیون از طریق شبکه تلویزیونی SBS در همان روز پخش شد.

زمانی که تظاهرات جریان داشت نمایندگان آکسیون با مسئول دفتر سازمان ملل دیدار و مذاکره کردند و بیانیه تظاهرات مبنی بر دفاع از حقوق پناهجویان ایرانی در ترکیه و عراق و اعتراض به بی تفاوتی کمیساریای عالی امور پناهندگی سازمان ملل نسبت به جان و سرنوشت این پناهجویان را به مسئول مربوطه دادند.

نروژ

واحد فدراسیون در نروژ در یک کنفرانس مطبوعاتی برای سازمان عفو بین الملل وضعیت زندگی پناهجویان ایرانی در ترکیه و عراق را تشریح نمود، اسناد مربوط به وضعیت این پناهندگان را برای وزارت امور خارجه نروژ، بخش مهاجرت، ارسال کرد، و ضمن تماس با شعبات سازمان ملل و اتحادیه حقوق بشر در نروژ خواستار توجه آنها به حل مشکلات و نابسامانی های این پناهجویان شد.

هلند

واحد فدراسیون بیانیه ۲۱ آوریل را به زبان هلندی ترجمه و برای تعداد زیادی از سازمانها و ارگان های مدافع حقوق انسانی و پناهندگی ارسال کرد. مسئولین این واحد با نمایندگی سازمان ملل در هلند نیز تماس گرفته و اعتراض خود به بی تفاوتی این نهاد نسبت به جان و سرنوشت پناهجویان ایرانی در عراق و ترکیه را مطرح کردند.

سوئد

در استکهلم آکسیون اعتراضی در روز ۲۰ آوریل بقیه در صفحه ۲۶

به دنبال تغییر اوضاع جهان پس از خاتمه جنگ سرد، و پایمال شدن حقوق انسانی، حقوق پناهندگی نیز هر روز بیش از روز پیش مورد تعرض قرار گرفته است. در این شرایط پناهجویان ایرانی در عراق و ترکیه دچار وضعیت نابسامان و خطیری شده، و مسئولین کمیساریای عالی امور پناهندگی سازمان ملل نیز گوش خود را برای شنیدن مطالبات و اعتراضات بحق آنها بستمانند. برای مقابله با این وضعیت و حمایت سراسری از این پناهجویان، از طرف فدراسیون یک سلسله حرکات اعتراضی در مقابل دفاتر UNHCR برای روز ۲۱ آوریل فراخوان داده شد. گزارشی که می خوانید بخشی از حرکات اعتراضی واحدهای فدراسیون و برخی نهادهای دیگر در این مورد است.

آمریکا

یک هفته پیش از موعد برگزاری تظاهرات، خبر و مطالبات آن از طریق رادیو صدای ایران که در سطح آمریکا شنیده می شود پخش شد. کیوان جاوید، نماینده فدراسیون در نیویورک، و مریم نمازی، مسئول کمیته امداد انسانی به پناهندگان ایرانی در نیویورک، در مصاحبه ای با رادیو ۲۴ ساخته ایرانیان وضعیت زندگی پناهجویان ایرانی در ترکیه و عراق و برخورد این دولت ها و کمیساریای عالی امور پناهندگی سازمان ملل به پناهجویان ایرانی را تشریح کردند.

در روز تظاهرات بیش از ۳۰ تن اجتماع کرده بودند. در جریان آکسیون، با یک شبکه رادیویی و نیز یک شبکه تلویزیونی مصاحبه شد. و در پایان آکسیون، کیوان جاوید و مریم نمازی با مسئول UNHCR در مورد مطالبات آکسیون ملاقات کرده و به مذاکره نشستند. وی در پایان مذاکره به هیات نمایندگی فدراسیون قول داد که مطالبات آکسیون را به اطلاع شعبه کمیساریای عالی امور پناهندگی سازمان ملل در ژنو رسانده و نتیجه را به هیات نمایندگی فدراسیون گزارش دهد.

در روز ۲۴ آوریل نیز رادیو تهران در لس آنجلس مصاحبه ای در مورد این آکسیون با کیوان جاوید داشت، که در پایان آن از شنوندگان رادیو خواسته شد تا برای حمایت از پناهجویان ایرانی به فدراسیون کمک کنند.

فنلاند

واحد فدراسیون در فنلاند در روز ۲۷ آوریل آکسیونی را در شهر واسا در حمایت از پناهندگان

همبستگی

فدراسیون سراسری شوراهای پناهندگان و مهاجرین ایرانی

ISSN 1104-0904

ماهانه منتشر میشود.
سردبیر: فرهاد بشارت
مدیر اجرایی: بیژن هدایت
ستون ادبی: سلیمان قاسمیانی
صفحه کودکان: سوسن بهار
ستون پاسخ به نامه ها: منشی فدراسیون. جعفر رسا
آدرس مستقیم:

HAMBASTEGI
BOX 240
129 02 HÄGERSTEN
SWEDEN

شماره تلفن: ۰۱-۰۹۸۰۰۰۲-۰۴۶
(روزهای سه شنبه و چهارشنبه و پنجشنبه)

ساعت ۱۵ تا ۱۷. بوقت اروپای مرکزی)

شماره فاکس: ۰۸-۵۲۰۲۷۲۵۹-۰۴۶

شماره حسابهای بانکی
در آلمان:

HAMBASTEGI
KONTO: 95306 - 7
BLZ: 501900 00
FRANKFURTER VOLKSBANK
6000 FRANKFURT 1
GERMANY

در سوئد:

HAMBASTEGI
KONTO 146535331
FÖRSTA SPARBANKEN
KLARABERGSG. 25
111 21 STOCKHOLM
SWEDEN
4780666-6

شماره جیرو پستی در سوئد

مسئول انتشار همبستگی و آمبی ها در کشورهای مختلف

اسکاندیناوی

کیانوش ارمین

شماره فاکس:

۰۸-۶۵۹۱۳۲۶

شماره تلفن:

۰۷۰۲-۲۷۴۳۵۷

(روزهای دوشنبه تا جمعه از ساعت ۱۰ صبح تا ۶ بعدازظهر)

شماره جیرو پستی: POSTGIRO: 20 09 74-4

آدرس پستی: IFR

BOX 9092

102 72 STOCKHOLM

کانادا

جهان صابری

مدیر توزیع: امیر رحمانی

شماره تلفن ها

۰۴-۵۳۷۹-۵۰۴ (۴۱۶)

۰۴-۹۸۸-۱۹۸۰ (۶۰۴)

۰۴-۵۳۷۸-۵۰۴ (۴۱۶)

HAMBASTEGI

P.O. BOX 193 STN. Q

TORONTO ONT. M4T 2M1

آمریکا

محمود احمدی

شماره تلفن/فاکس:

۰۲۰۷ ۹۱۵۲ (۳۱۰)

HAMBASTEGI.

P.O. BOX 251272

LOS ANGELES, CA. 90025

آلمان

فواد درویش

مدیر توزیع: خسرو احمدی

۰۵۶۱) ۷۱۳ ۳۴۵

(۰۵۶۱) ۱۰۳ ۲۷۶

I.F.I.R.

ELFBUCHENSTRASSE 18

34119 KASSEL

همبستگی در کانادا، آمریکا، آلمان و اسکاندیناوی مجانا در اختیار همگان است و صرفا با پرداخت هزینه پستی به هر نقطه از این کشورها ارسال میشود. فروشگاههای توزیع کننده همبستگی میتوانند در ازای هر نسخه معادل یک کرون (یا یک مارک) از مشتریان حق الزحمه دریافت کنند.

بریتانیا ۹۰ پنس
اتریش ۱۹ شلینگ
ترکیه ۵۰۰۰ لیر

در دیگر کشورهای اروپا معادل ۲/۵ مارک آلمان
در دیگر کشورهای آسیا معادل ۵۰۰۰ لیر ترکیه